

پاسخی به شبهات و سیاه‌نمایی‌ها
علیه جبهه پایداری

استقامت در منطقه مسنوعه



حمایت بنده از جریان جبهه پایداری به خاطر مبارزه اینها با فتنه و مبارزه با خط انحرافی است و نگرانم مبادا همراهان فتنه، نفوذی‌هایی در مجموعه اصولگرایان بفرستند و ما را در مقابل خطر بزرگ‌تری قرار دهند. در بین افرادی که به عنوان اصولگرا مشهورند، بنده افرادی با این تفکر که روی اصول پافشاری بیشتری دارند را بیشتر قبول دارم.

۱- انتخابات مجلس کنونی از چه اهمیت و حساسیتی برخوردار است؟

رهبر انقلاب در دیداری که در تاریخ ۲۱/۱۰/۱۳۸۸ با اعضای کنونی فراکسیون انقلاب اسلامی مجلس داشتند، ضمن بیان یک خاطره به نکته‌ای در خصوص مجلس اشاره کردند که اهمیت مسئله را به خوبی بیان می‌کند. ایشان ضمن تمجید از رویکرد اعضای این فراکسیون فرمودند: «من یادم هست در آن وقتی که بنا بود انتخابات ریاست جمهوری انجام بگیرد، بنده و یکی دو نفر دیگر از دوستان رفتیم قم خدمت امام. یادتان هست که انتخابات ریاست جمهوری اول انقلاب قبل از انتخابات مجلس برگزار شد. یعنی در زمستان سال ۵۸ انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد، بعد در بهار سال ۵۹ انتخابات مجلس انجام گرفت. اوقاتی که انتخابات ریاست جمهوری بود، خدمت امام رسیدیم و غرضمان این بود که از ایشان درخواست کنیم از نامزدی که مورد نظر ما بود، حمایت کنند؛ یا کمک کنند یا راهنمایی کنند. بالاخره می‌خواستیم نظر خود را با ایشان مطرح کنیم. آن نامزد هم آقای بهشتی بود. یک جلسه کوچک چهار پنج نفری تشکیل شد؛ مرحوم حاج احمد آقا هم بود. نشستیم توی آن راهروی بین اتاق بیرونی و اندرونی ایشان، یک مقداری صحبت کردیم. صحبت‌های خوبی آنجا شد که حالا تفصیلاًش مورد نیاز این جلسه نیست. آن بخشی که مورد نیاز این جلسه است، این است که ایشان گفتند شما بروید مجلس را بگیرید؛ مهم مجلس است. خوب، آن وقت دوره انقلاب بود، اول انقلاب بود، همه کشور انقلاب بود. ایشان به ماها که یک مجموعه‌ای بودیم، مثلاً فرض کنید کسانی بودیم که احساس می‌شد به ایشان نزدیک‌تریم، توصیه می‌کردند که بروید مجلس را بگیرید. پیش‌بینی می‌کردند که ممکن است اوضاع و احوال جوری بشود که نیاز به چالش و درگیری و اینها پیش بیاید؛ لذا یک سنگر مهم لازم است.»

رهبر انقلاب همچنین افزودند: «مجلس اینقدر مهم است. یعنی واقعاً در همه اوضاع و احوال، پایگاه مجلس را باید حفظ کرد. من سالها در قوه مجریه بودم، قبلش در قوه مقننه بودم. با ارتباط با این قوای گوناگون، می‌دانم اوضاع و احوال چگونه است. دست قوه مجریه باز است. چه جوری باز است؟ خوب، پول در اختیارش هست، امکانات در اختیارش هست. با توجه به همه اینها، من عرض می‌کنم قوه مقننه یک نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری دارد و اگر چنانچه قوه مقننه و مجلس شورای اسلامی بتواند آنچنان که شایسته انقلاب است، به وظایفش عمل کند، مطمئن باشید که همه چیزها - ولو به تدریج، ولو با کندی - به سمت درستی خواهد رفت^(۱)».

به نظر می‌رسد با توجه به اینکه کشور فتنه ۸۸ را پشت سر قرار داده، حضور حداکثری

مردم به عنوان یک شاخص برای برآوردهای بین المللی و تحلیل‌های داخلی و خارجی مطرح باشد و این مسئله اهمیت انتخابات فرارو را دو چندان می‌کند. طبیعتاً انتخاباتی سرد و با حضور حداقلی مطلوب نظام نخواهد بود. حضور حداقلی مردم اصلاح‌طلبان و خارج‌نشینان را مدعی خواهد کرد و آنها کاهش مشارکت را به حساب حذف اصلاح‌طلبان و حامیان آنان از صحنه سیاسی کشور خواهند گذاشت. در عین حال می‌بایست نسبت به حضور احتمالی سه جریان فتنه، انحراف و ساکتین که هر سه هزینه‌هایی را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به نظام تحمیل کرده‌اند، در انتخابات مجلس شورای اسلامی هوشیار بود.

۲- چرا جبهه پایداری اعلام موجودیت کرد؟ نام این جبهه چگونه تعیین شد و علت این نامگذاری چه بود؟

جبهه پایداری به واسطه جدی شدن دو خطر مهم و نگران‌کننده «ارتجاع» و «انحراف» برای حضوری جدی‌تر احساس تکلیف و اعلام موجودیت کرد. نام این جبهه را هم آیت الله مصباح یزدی برگزیدند و پیشنهاد کردند.



جبهه پایداری به واسطه جدی شدن دو خطر مهم و نگران‌کننده «ارتجاع» و «انحراف» برای حضوری جدی‌تر احساس تکلیف و اعلام موجودیت کرد.

آیت الله مصباح مباحث مطرح شده در جلسه‌ای که با حضور اعضای جبهه پایداری به منظور تشکیل و تعیین نام این جبهه برگزار شد را این گونه روایت می‌کنند: «... گفتند تا به حال در دولت قبلی به نام «رایحه خوش خدمت» کار می‌کردیم و حالا نگرانیم که این رفیق آقای احمدی‌نژاد از این اسم و این افراد استفاده کند. شاید بعضی از افرادی را که با ما کار می‌کردند جذب کند و بگوید که اینها همان‌ها هستند. ما می‌خواهیم صریحاً اعلام کنیم که شرط شروع کار سیاسی‌مان مخالفت با این گروه انحرافی است و به این مناسبت می‌خواهیم تابلوی جدیدی را انتخاب

کنیم و تابلوی رایحه خوش خدمت کنار برود. آنچه عرض می‌کنم حاصل مضمون است و عین عبارت‌ها یادم نیست. پیشنهاد کردند که اسمش را بگذارند گروه انقلاب اسلامی یا چنین چیزی؛ روی عنوان انقلاب اسلامی تکیه کردند. بعداً حدس زدم می‌خواهند مشابه همان فراکسیون انقلاب اسلامی را که در مجلس دارند و آقای حسینیان و سایرین در آن هستند باشد، برای همین روی عنوان انقلاب اسلامی تکیه می‌کنند، از من نظر خواستند. بحث طلبگی مشورتی است... گفتم در مورد عنوان انقلاب اسلامی همه طرفدار انقلاب اسلامی‌اند، چیزی نیست که ویژگی‌ای برای شما داشته باشد. بنده پیشنهاد می‌کنم بگویید جبهه پایداری انقلاب اسلامی، یعنی کسانی که از جریان کذایی انحرافی زاویه گرفتند

و نشانه این باشد که شما دارید آنها را نفی می کنید، شما روی اصول انقلاب پایدار هستید و آنها منحرف شده اند. این پیشنهادی بود که ما به آنها کردیم. آنها هم پذیرفتند.» بیان ایشان در واقع اشاره ای نیز به آیه شریفه **فَاسْتَقَمْ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ** داشت.

خطر "ارتجاع" آن گاه موضوعیت پیدا کرد که برخی فتنه گران و اصولگرایانی که نمره قبولی در امتحانات کسب نکرده بودند، به یکباره مدعی شدند و احساس شد راهی که طی شده ممکن است به یکباره به نقطه شروع و چه بسا عقب تر از آن بازگشت داده شود. دکتر لنکرانی در مصاحبه با سایت خبری رجانیوز در این خصوص چنین می گوید: «شرایطی که

جبهه پایداری اعلام موجودیت کرد، شرایط خاصی بود که کماکان هم

بخشی از آن ادامه دارد. بالاخره واقعه تلخی رخ داد و آن موضوع ۱۱

روز عدم حضور رئیس دولت در حوزه مسئولیتش بود که باعث موجی از

نگرانی و ابهام در بین نیروهایی شد که در دهه ۸۰ در بسیاری از صحنه ها

توانستند افتخار آفرینی کنند، مبانی نظام را حفظ کنند و در

بسیاری از جاها نقطه عطف های چشمگیری را در تاریخ

انقلاب اسلامی رقم بزنند، مثل سوم تیر، ۲۲ خرداد، نهم

دی ۸۸ و اتفاقاتی که رخ دادند.»

وی می افزاید: «این نیروها، بعد از این اتفاق، دچار تشتت

و ابهام شدند. ابهام اصلی این بود که فتنه گرها و برخی

از افرادی که در آن وقایع، به ویژه سال ۸۸، رفوزه های

امتحان در پیشگاه مردم بودند و مردم به آنها نمره ردی

داده بودند، دوباره به صحنه آمدند و طلبکارانه و حتی

با خشونت از این جریان بازخواست کردند که چه شد؟

دیدید ما راست می گفتیم، در حالی که اتفاقی که رخ داده

بود دلیلی بر این نبود که تشخیص سال ۸۸ اشتباه بوده

است. اتفاقی که رخ داده بود این بود که کسی که این

پرچم را بلند کرده بود (احمدی نژاد)، خودش اشتباه کرده

بود. ما نباید این اشتباه را به پای تشخیص مردم و غلط

بودن این مسیر و راه می گذاشتیم.»

دکتر لنکرانی می گوید: «به نظرمان آمد که اگر ما در

این برهه بر همان محورها و ارزش های دهه ۸۰ که بسیار

اثرگذار بودند، تأکید نکنیم، شاهد ارتجاعی جدی به

برخی از ضدارزش ها و مسائل انحرافی خواهیم بود، به

همین دلیل فکر کردیم در این مقطع، ضروری است که با تأکید بر ارزش های مبنایی



آیت الله مصباح: بنده پیشنهاد می کنم بگویید جبهه پایداری انقلاب اسلامی، یعنی کسانی که از جریان کذایی انحرافی زاویه گرفتند و نشانه این باشد که شما دارید آنها را نفی می کنید، شما روی اصول انقلاب پایدار هستید و آنها منحرف شده اند. این پیشنهادی بود که ما به آنها کردیم.

و اصولی‌ای که از عمق جان به آنها باور داریم - که در رأس آنها در صحنه اجتماعی، تبعیت محض از ولی فقیه است و مصداق‌هایی که این تبعیت پیدا می‌کند، یعنی تبرا جستن از جریان فتنه و جریان انحرافی و هر جریانی که بخواهد در برابر ولی فقیه بایستد - حرکت جدیدی را آغاز کنیم و فکر کردیم که اگر این سنگر افتتاح نشود، آثار سوئی خواهد داشت که مهم‌ترین آن به فراموشی سپرده شدن این گفتمان و یا حداقل گسست و نوعی ابهام خواهد بود^(۱)».

دکتر زارعی در ادامه همین بحث می‌گوید: «بحث فقط این نبود که چرا این اتفاق (خانه‌نشینی) افتاده؟ بحث این بود که نتیجه این اتفاق، چه تحول اجتماعی‌ای را در بدنه مردم یا حامیان به وجود می‌آورد؟ و باید به نحوی کمک می‌کردیم که تبدیل به تهدید نشود، بلکه تبدیل به فرصت جدیدی برای نظام و انقلاب شود. لازم بود کسانی در این قضیه پا پیش بگذارند که خودشان به نحوی در ستادهای قبلی انتخاباتی پیشقدم بودند تا این، علامت درستی برای دوستان و همفکران ما باشد.»

او با اشاره به جلساتی که با برخی بزرگان نظیر آیت الله مصباح یزدی و آیت الله خوشوقت برگزار شد، می‌افزاید: «به تدریج این ایده با برخی از علما هم مطرح شد و دیدیم تحلیل آن عزیزان از این مسئله به مراتب عمیق‌تر از ماست و احساس اینک باید علم جدیدی برافراشته شود و دلایلی که برای آن می‌آوردند و مبتنی بر مبانی دینی و اعتقادی بود، به مراتب قوی‌تر از ما بود، لذا چند جلسه با علمای بزرگوار صحبت شد. شاید در برخی از جلسات احساس می‌کردیم که این مطلب از ما مطالبه می‌شود. حتی در یکی از جلسات یکی از عزیزان مطرح کردند که شما چرا این قدر تعلل کردید^(۲)؟»

خطر انحراف دومین خطر واجد توجه بود. دکتر غلامحسین الهام در مورد شکل‌گیری جریان جبهه پایداری می‌گوید: «این (جبهه پایداری) جریانی بوده است که نگذارند انقلاب دچار این انحرافات بشود. جلوگیری از انحراف گفتمانی در مسیر حرکت دولت و مجلس و در اصل نظام. اینها آمده‌اند با حفظ آگاهی و بصیرت یک تلاش گفتمانی انجام بدهند. لذا مطالعات و فعالیت‌های بعدی فرع این قضیه است. جریان جبهه پایداری یک جریان گفتمانی است که برای حفظ و استقامت بر ارزش‌های انقلاب اسلامی آمده است^(۳)».

۳- اینکه گفته می‌شود جبهه پایداری حزب نیست و یک جبهه است به چه

(۱) رجانیوز ۲ مهر ۹۰

(۲) رجانیوز ۲۶ شهریور ۹۰

(۳) رجا ۲۱ شهریور ۹۰

معناست؟ مگر جبهه پایداری چه تفاوتی با احزاب کنونی که در انتخابات هم شرکت می‌کنند، دارد؟

جبهه پایداری در بستر و شرایطی که در پاسخ به سوال (۲) توضیح داده شد و به واسطه آن احساس ضرورت‌ها تشکیل شد نه برای شرکت در انتخابات. زمان شکل‌گیری هم نشان‌دهنده همین مسئله است. علاوه بر اینکه ساز و کار حزبی رایج از اساس مورد قبول آیت الله مصباح یزدی نیست و ایشان اساساً اعتقادی به تحزب مطابق قالب‌های رایج ندارند. جبهه پایداری معتقد است "اخلاق قبیله‌ای" که رهبر انقلاب از آن ابراز نارضایتی کردند باید از فضای سیاسی کشور کنار برود و این "اخلاق قبیله‌ای" اتفاقاً ریشه در همین نوع تحزب دارد. نکته دیگر اینکه این جبهه دنبال عضو نیست بلکه دنبال گفتمان مشترک است و تفاوت آن با احزاب رایج نیز اتفاقاً در همین جاست.

دکتر زارعی در این خصوص می‌گوید: «خصوصیت جبهه پایداری این است که واقعاً جبهه است و محدود به همین چند نفر هیئت مؤسس نیست. این جبهه، یک جبهه گفتمانی است و از بدو تأسیس تا حالا، بسیاری از دوستانی که در جلسه‌ی اعلام رسمی هم نبودند، اظهار تمایل کردند. نکته مهم جبهه پایداری این است که نمی‌خواهد نقش حزب را ایفا کند و تشکل فراگیری شود که برود و همه ابزارهای قدرت و مجلس و دولت را فتح کند. این جبهه، چون جبهه گفتمانی است، بنایش بر این است که مبانی را روشن و تبیین کند و در جاهایی هم که لازم است، به شکل مصداقی وارد شود، اما بر خلاف احزاب که وقتی بحث مصداقی می‌کنند، نگاه‌شان این است که چه کسی عضو ما هست، جبهه پایداری چون جبهه است، نگاهش این نیست که چه کسی عضو ما هست، بلکه این نکته را در نظر می‌گیرد که چه کسی طرفدار این گفتمان است، می‌تواند این گفتمان را بهتر پیش ببرد و بهتر این عرصه را به نتیجه برساند و این به جبهه نوعی آزادمنشی می‌دهد که کمتر در قالب احزاب امکان‌پذیر است.»

وی همچنین می‌افزاید: «الان وقتی از بسیاری از دستجات و گروه‌های سیاسی در مورد عملکرد فردی یا مدیریت جایی سؤال می‌کنید، نرم‌افزارشان این جور کار می‌کند که این فرد چقدر به ما نزدیک است؟ عضو ما هست یا نه؟ اگر عضوشان بود، آنجا خوب دارد می‌چرخد و هیچ مشکلی وجود ندارد، اگر عضوشان نبود، بالعکس. ما باید این ادبیات را عوض کنیم. به نظرم این تأکیدی که رهبری معظم انقلاب فرمودند که ما باید برخوردها و رفتارهای قبیله‌ای را در سیاست و صحنه عمل اجتماعی حذف کنیم، ترجمانش این است که ما در هر جا و در هر مصداقی که صحبت می‌کنیم و نظر می‌دهیم و یا تعینی داریم، باید معیارمان، اصول و ارزش‌هایمان باشد. اگر بتوانیم این را جا بیندازیم، آینده انقلاب

اسلامی ان شاء الله درخشان تر از آنچه که تا حالا بوده، خواهد بود^(۱)».

در مورد مسئله تحزب آیت الله مصباح یزدی معتقدند امام هم نظر چندان مثبتی نسبت به این موضوع نداشته‌اند. علامه مصباح در این باره چنین می‌گویند: «از حدود یک قرن پیش تا به حال، چنین وانمود شده که اگر بخواهیم کار اجتماعی در قالب تشکل باشد، باید به صورت حزب باشد. از صدر مشروطیت تا به حال هم احزابی که تشکیل شده کارنامه‌های خوبی ندارند، حتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم احزابی که تشکیل شد، چندان چنگی به دل نمی‌زد. اگر به یاد داشته باشید، با این که مؤسسان حزب جمهوری اسلامی، مرحوم دکتر بهشتی، دکتر باهنر، مقام معظم رهبری و آقای هاشمی بودند، اما امام (قدس سره) خیلی تأکید نکردند که حزب تشکیل شود. ایشان فرمودند اگر می‌خواهید حزب داشته باشید، حزب جمهوری اسلامی باشد. این تعبیر تفاوت دارد با این که حتماً بروید حزب تشکیل بدهید. به هر حال، این گونه برای ما توجیه شده است که در مسائل سیاسی و اجتماعی، کار یا فردی و یا حزبی است. از کار حزبی هم که دل خوشی نداریم، لذا کار فردی انجام می‌دهیم. غافل از این که شکل سومی هم هست. هیچ کدام از این‌ها مدل اسلامی نیست؛ مدل اسلامی همان است که خود امام (قدس سره) به آن رسید، ولی متأسفانه در مورد آن پژوهش لازم و تلاش کافی انجام نگرفت.»

استاد، مدل کنونی تحزب را یک مدل غربی می‌دانند که با بینش‌های اسلامی اساساً سازگار نیست و به گروه‌گرایی و قبیله‌گرایی دامن می‌زند. علاوه بر اینکه در آن تعهدات حزبی فراتر از آرمان‌ها و مفاهیم گفتمانی قرار می‌گیرد و نسبت بدان ارجحیت پیدا می‌کند. در واقع تعلقات و تعهدات حزبی آرمان‌خواهی و انقلابی‌گری احزاب را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

آیت الله مصباح یزدی در خصوص الگوی مطلوب امام راحل می‌فرمایند: «اوایل نهضت، کسانی که به امام (قدس سره) علاقه داشتند و فدایی امام رحمه الله علیه بودند - به خصوص از تهران خدمت ایشان آمدند و عرض کردند که آقا! جان و مال ما در اختیار شما، شما بگویید که چه کار کنیم، شما روش کار را به ما یاد بدهید. این افراد چند هیأت سینه‌زنی و مذهبی داشتند؛ امام رحمه الله علیه فرمود بیایید این هیأت‌ها را به هم نزدیک کنید، ائتلاف کنید. هیأت‌ها جدا باشند، هر هیأتی سر جای خود و در محله خود باشد، هر کدام هم اعضای خود را داشته باشند، روش کار هیأت را هم خودتان انتخاب کنید، گوینده، منبری و مداح هیأت به انتخاب خودتان باشد، اما سعی کنید با هیأتی که در همسایگی شماست رابطه برقرار کنید، در مشترکات با هم همکاری کنید، بنشینید اصول مشترکی تنظیم کنید، یا این هیأت‌ها با حفظ استقلال داخلی خود، با هم در امور مشترک ائتلاف کنند^(۲)». مباحث مربوط به تحزب

در سایت شخصی آیت الله مصباح با تفصیل بیشتر وجود دارد و در حوصله این مجال نیست. شاید بتوان قالب و مدل جبهه پایداری را نزدیک به ایده‌ای که ایشان از آن با عنوان شکل سوم یاد می‌کنند، دانست.

۴- آیا اساساً جبهه پایداری قانونی است؟!

با توجه به توصیفی که از جبهه پایداری در پاسخ به سوال (۳) آمد، برابر قانون جبهه پایداری نیازی به مجوز ندارد. مسئله نیاز به قانون را برخی مخالفان و منتقدان جبهه پایداری نظیر آقایان بیادی^(۱) و غفوری‌فرد^(۲) مطرح کردند. تشبیه کردن جبهه پایداری به جبهه مشارکت و نتیجه گرفتن در خصوص لزوم اخذ مجوز هم به همین دلیل بی معنی است؛ چون جبهه مشارکت بر خلاف عنوان "جبهه" که برایش برگزیده شده بود، کارکرد حزبی داشت.

حمید فولادگر دبیر کمیسیون ماده ۱۰ احزاب در مجلس شورای اسلامی در مورد نیاز جبهه پایداری به اخذ مجوز می‌گوید^(۳): «با قانون فعلی احزاب، این جبهه نیاز به مجوز ندارد، فقط توصیه کردیم در صورتی که بخواهند در قالب حزبی طولانی مدت فعالیت داشته باشند بهتر است مجوز بگیرد.» در واقع با تعبیری که برخی منتقدین داشته‌اند، ۷+۸ نیز نیازمند مجوز خواهد بود و این منطقی نیست. البته ممکن است قانونی در مجلس تصویب شود که الزامات بیشتری را برای جریان‌ات سیاسی ایجاد کند اما بر مبنای شرایط قانونی کنونی نیازی به اخذ مجوز نیست.

۵- نسبت رایحه خوش خدمت و جبهه پایداری چیست؟ آیا رایحه برای ورود دوباره به عرصه سیاسی صرفاً تابلوی خود را عوض کرده است؟

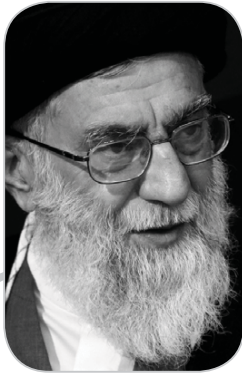
جریانی که سوم تیر حامی احمدی‌نژاد بود، محوریت اصلی جبهه پایداری را دارد. در

(۱) بیادی جبهه پایداری را جبهه ای غیر قانونی خواند. شفاف ۱۳ مهر ۹۰

(۲) غفوری فرد: آنها ابتدا می‌گفتند قصد ارایه لیست انتخاباتی را نداریم و برای احیای گفتمان انقلاب اسلامی به صحنه آمدیم، اما بعداً لیست هم ارایه دادند ولی باید توجه کنند که به لحاظ قانونی اگر بخواهند کار حزبی انجام بدهد باید مجوز داشته باشند که آنها چنین مجوزی ندارند. ضمن اینکه جبهه در اصطلاح متشکل از شخصیت‌های حقوقی و نه حقیقی است یعنی اینکه چند حزب در کنار هم یک جبهه تشکیل می‌دهند نه چند آدم. همین اتفاق برای جبهه مشارکت هم افتاد و زمانی که خواست مجوز بگیرد به نام حزب جبهه مشارکت مجوز گرفت و جبهه پایداری از این لحاظ هم با مشکلات قانونی مواجه است زیرا هنوز مجوز فعالیت از وزارت کشور دریافت نکرده است. جبهه متحد هم هنوز به این نام مجوز نگرفته و اگر بخواهد فعالیت انتخاباتی کند باید مجوز بگیرد. به این دلیل که این قانون برای همه یکسان است. خبرآنلاین ۹/۲۹

(۳) رجانیوز ۱۰ مرداد ۹۰

جریان سوم تیر نیز آیت الله مصباح یزدی و شاگرد ایشان یعنی حجت الاسلام و المسلمین آقاههرانی نقش به سزایی داشتند. بعدها ترکیب رایحه خوش خدمت شاید کمی محدودتر شد. بخشی از ترکیب رایحه خوش خدمت در ماجرای شکل‌گیری جریان انحرافی به سمتی دیگر رفتند و مسائلی از این دست که در توضیح سوال شماره (۲) مورد بررسی قرار گرفت، لزوم شکل‌گیری جریانی جدید را فراهم آورد. علاوه بر اینکه رویش‌های جریان انقلاب به بدنه جریان سوم تیر افزوده و اساسا جریانی متفاوت را رقم زده است.



محصولی در این خصوص می‌گوید: «رایحه‌ی خوش خدمت دوستانی بودند که در انتخابات قبلی طرف‌دار دولت بودند و عمل کردند. بعد از یک سری قضایا یک عده بر گفتمان ۳ تیر باقی ماندند و بعضی نماندند. البته از ۳ تیر تاکنون رویش‌ها بیش‌تر از ریزش‌هاست، چون ملاک ما افراد نیستند، بلکه ملاک گفتمان ۳ تیر است. وقتی مطالبات دانشجویی را می‌بینیم، می‌فهمیم رویش‌ها خیلی بالاست»^(۱).

رهبر انقلاب: این منشی که شما دارید - یعنی احساس تکلیف، شناخت تکلیف، و بعد پای فشردن بر آنچه که احساس شده لازم است و وظیفه شماست و ملاحظه چیزی را نکردن - جوهر نمایندگی است؛ این خیلی چیز باارزشی است.

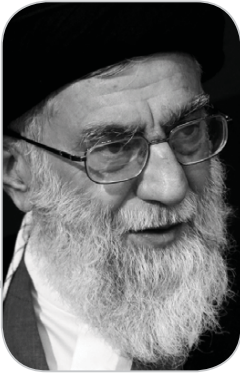
۶- فراکسیون انقلاب اسلامی در مجلس توسط برخی از چهره‌های کنونی جبهه پایداری بعد از فتنه راه‌اندازی شد. آیا تأییداتی از ناحیه رهبری نسبت به شکل‌گیری و مواضع این فراکسیون وجود داشته است؟

حجت الاسلام و المسلمین آقاههرانی در این خصوص می‌گوید: «حدود سی نفر از نمایندگان مجلس در دوران فتنه با مقام معظم رهبری دیدار کردند که در این دیدار ایشان فرمودند جلسات شما باید ادامه داشته باشد. این

جلسات منجر به شکل‌گیری فراکسیون انقلاب اسلامی مجلس شد و بعد از تشکیل این فراکسیون نیز جلسات ما ادامه یافت تا اینکه بعد از دوران دورکاری رئیس‌جمهور و نگرانی نیروهای حزب اللهی جمعی از اعضای فراکسیون انقلاب اسلامی، جبهه پایداری را تشکیل دادند تا از این طریق نیروهای جوان و حزب اللهی را سازماندهی کرده و علمی که در سوم تیر ۸۴ در حمایت از گفتمان رهبری برداشته شده بود بی‌عملدار نماند»^(۲).

(۱) رجانیوز ۱۶ مهر ۹۰

(۲) الف ۳ آبان ۹۰



در دیداری که اعضای کنونی فراکسیون انقلاب اسلامی در سال ۸۸ با رهبر انقلاب داشتند، از سوی آقای زارعی به نمایندگی متن مکتوبی در انتقاد از عملکرد سران قوا قرائت شد که مورد توجه رهبر انقلاب نیز قرار گرفت. در آن دیدار رهبر انقلاب تاییداتی نسبت به رویکردهای جمعی که خدمتشان رسیده بودند، داشتند.

رهبر انقلاب فرمودند: «این منشی که شما دارید - یعنی احساس تکلیف، شناخت تکلیف، و بعد پای فشردن بر آنچه که احساس شده لازم است و وظیفه شماست و ملاحظه چیزی را نکردن - جوهر نمایندگی است؛ این خیلی چیز باارزشی است. البته این کار در یک شرایطی آسان است، در یک شرایطی هم سخت خواهد بود. موضوعی که امروز شما ابراز می کنید - که همین پافشاری بر مبانی انقلاب و اصول انقلاب و ارزشهای انقلاب و اینهاست - اکثریت عظیمی از مردم طرفدار این هستند. حالا ممکن است سلائقی مخالف باشند، لیکن حرف دل عامه مردم و توده مردم و بسیاری از خواص، همین مبانی اصولی و ارزشهای اصولی است. گفتن اینها آنچنان پر هزینه نیست. البته گاهی چرا، به قول شما ممکن است به شما وکیل الدوله و چه و چه هم بگویند و از این حرفها بزنند؛ اینها خیلی چیزهای مهمی نیست و هزینه زیادی ندارد. یک وقت همین موضع، هزینه های زیادی را بر انسان تحمیل می کند؛ باید برای آن شرایط هم آماده بود. من آینده نگری نمی کنم، نمی خواهم هم بکنم، نمی توانم هم آینده نگری بکنم؛ اما شما برای همه شرایط آماده

رهبر انقلاب: این پایداری، این ایستادگی، این پافشاری بر مبانی، خیلی چیز خوبی است؛ اینها به عنوان یک سنتهایی در مجلس ها می ماند و به پیشرفت مجلس کمک می کند. بنابراین از اصرار بر امر صحیح و حق، ولو با هزینه هایی هم همراه باشد، شما هرگز نبایستی پشیمان باشید؛ که البته می دانم که پشیمان نیستید.

باشید و بیمناک از این نباشید که حالا اگر ما احساس تکلیفی کردیم و عملی انجام دادیم یا حرفی زدیم، این موجب می شود که فلان هزینه بر ما تحمیل شود؛ خیلی خوب، بشود؛ دیگر زندگی همین است؛ زندگی مجاهدانه همین است. اهمیت مجلس هم به خاطر همین است که می تواند تعیین کننده باشد؛ می تواند در امروز و فردای کشور تأثیر گذار باشد.»

ایشان همچنین در ادامه ضمن تاکید بر اهمیت مجلس افزودند: «خوب، توی مجلس آدمهای جورواجوری هستند؛ هر دوره ای هم که پیش می آید، وضع خاصی پیدا می کند؛ لیکن وقتی یک هسته ای مثل شماها، یک مجموعه ای مثل شماها در مجلس وجود دارد، این پایداری، این ایستادگی، این پافشاری بر مبانی، خیلی چیز خوبی است؛ اینها به عنوان

یک سنتهایی در مجلس‌ها می‌ماند و به پیشرفت مجلس کمک می‌کند. بنابراین از اصرار بر امر صحیح و حق، ولو با هزینه‌هایی هم همراه باشد، شما هرگز نبایستی پشیمان باشید؛ که البته می‌دانم که پشیمان نیستید.»

ایشان به کسانی اشاره کردند که آن‌گونه که باید در میدان حاضر نمی‌شوند. این بیان ایشان شاید به ساکتین فتنه یا کسانی که در مسیر دفاع از انقلاب کم‌کاری می‌کنند اشاره‌هایی داشت. ایشان فرمودند: «بحث، بحث اثبات و تثبیت آن حقی است که این کشور و این ملت برای آن قیام کرده. خوب، قبل از انقلاب، در دوران مبارزه و نهضت هم همین جور بود. یک عده‌ای بودند که حرف را قبول نداشتند، یک عده‌ای قبول هم داشتند - یا اجمالاً یا تفصیلاً - لیکن آماده نبودند بیایند توی میدان. آن وقت انسان به خاطر اینها خون دل می‌خورد. اینها می‌فهمیدند که دستگاه، دستگاه ظالمی است و باید در مقابل او ایستاد و باید مبارزه کرد؛ اما نمی‌آمدند دیگر، حاضر نبودند در سرهایش را قبول کنند. امروز هم همین جور است؛ خیلی‌ها هستند حرفها را قبول دارند، منتها حاضر نیستند بیایند توی میدان و در سرهایش را قبول کنند، تحمل کنند. اگر چنانچه کسی احساس می‌کند که واقعاً توی میدان است و با آن جبهه‌ای که به نظر او جبهه ناحق و باطل است، دارد می‌جنگد و مبارزه می‌کند، باید افتخار کند، باید خدا را شکر کند، باید این توفیق را مغتنم بشمارد و نگه دارد.»

۷- جایگاه مردمی جبهه پایداری چگونه است؟

از آنجا که رهبر انقلاب در دیدار با فراکسیون انقلاب اسلامی تصریح کردند اکثریت عظیمی از مردم طرفدار موضعی که حاضران در جلسه یعنی اعضای فراکسیون داشتند، هستند، می‌بایست پذیرفت این جبهه از بدنه مردمی و انقلابی خوبی برخوردار است و باید این بدنه را مثل سوم تیر پای کار انقلاب آورد.

وزن جبهه پایداری به گونه‌ای بود که همان بدو تولد روزنامه کیهان بدان اعتراف کرد و نوشت: «ناظران سیاسی می‌گویند وزن اجتماعی این جبهه از دیگر گروه‌های حاضر در ۷+۸ بسیار بیشتر است»^(۱). غفوری فرد که از منتقدان جبهه پایداری است می‌گوید: «اعضای جبهه پایداری در شهرستان‌ها فعالیت‌های زیادی می‌کنند و در بسیاری از شهرها که رفته‌اند با استقبال مواجه شده‌اند»^(۲). سروری معتقد است: «اگر سایر دوستان (اعضای جبهه پایداری) به ما ملحق نشوند، جبهه متحد اصولگرایی آسیبی جدی خواهد خورد»^(۳). جایگاه مردمی جبهه به گونه‌ای بود که در ترکیب ۸ نفره کمیته ۷+۸ دو نفر را از آن خود کرد.

(۱) کیهان ۳۰ تیر ۹۰

(۲) خبرآنلاین ۹/۲۹

(۳) رجانیوز ۲ آذر ۹۰

مهدی کوچک زاده در پاسخ به کسانی که متوهمانه در مورد بدون عقبه اجتماعی بودن جبهه پایداری سخن می گویند، می گوید: «خود این آقایان که عقبه اجتماعی جبهه پایداری را زیر سوال می بردند، بهتر از هر کس می دانند که قبل از تشکیل جبهه پایداری در کمیته ۷+۸ دو نفر به پایداری اختصاص داشت، از این رو اگر این جبهه دارای عقبه اجتماعی نیست، آنها به چه دلیل خود را ملزم کردند که دو جایگاه در کمیته ۱۵ نفره برای مجموعه‌ای که بعداً تشکیل شد، رزرو کنند؟^(۱)» به نظر می‌رسد ظرفیت مردمی جبهه پایداری همان ظرفیتی است که در سوم تیر فعال شد و این ظرفیت را با تلاش و برنامه‌ریزی می‌توان در صحنه‌ها حاضر کرد.

۸- علت این همه اصرار بر پایداری بر ارزش‌ها و آرمان‌ها چیست؟ این پایداری در ادبیات دینی چه جایگاهی دارد؟

حجت الاسلام و المسلمین رجبی قائم مقام موسسه امام خمینی (ره) در پاسخ به این سوال چنین می گوید: «پایداری بر آرمان‌ها و ارزش‌ها از دستورات صریح قرآن کریم به پیامبر اسلام صلی الله و علیه آله است در آیه ۱۲ سوره هود "فَأَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ" دستور به پیامبر اسلام صلی الله و علیه آله داده می‌شود که بر آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی و رساندن رسالت استقامت بورز، هم خودت و هم کسانی که پیروی از تو می‌کنند، امت هم مامور به پایداری است و یکی از دستوره‌های سنگینی که طبق روایات به پیامبر اسلام صلی الله و علیه آله داده شده است همین مسئله پایداری بر ارزش‌ها است. پیامبر صلی الله و علیه آله فرمود سوره هود مرا پیر کرد و از حضرت پرسیدند که چرا مگر چه محتوایی در سوره هود است؟ حضرت فرمودند به این دلیل که چنین آیه‌ای در سوره هود آمده است. حضرت امام (ره) می‌فرمودند که نکته‌ای مهم در بیان پیامبر صلی الله و علیه آله است؛ دستور به پایداری و مقاومت به پیامبر صلی الله و علیه آله در سوره‌های دیگر هم هست ولی چون در این سوره هم به خود پیامبر صلی الله و علیه آله و هم پیروان پیامبر دستور داده شده است که باید پایداری کنند، پیامبر به این جهت فرمودند که این سوره مرا پیر کرد. یعنی پایداری امت و تلاش پیامبر صلی الله و علیه آله برای پایداری امت و مردم بسیار مهم و طاقت فرسا برای پیامبر است.»

این عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم همچنین می‌افزاید: «یکی از وظایف سنگینی که پیامبر صلی الله و علیه آله برای آن بسیار زحمت کشید و نگرانش بود همین پایداری امت پیامبر بر ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی بود. در نظام مقدس جمهوری اسلامی که بر مبنای اسلام شکل گرفته است و می‌خواهد دستورات اسلام و ارزش‌های اسلام را پیاده و نهادینه کند طبعاً پایداری بر این آرمان‌ها یکی از وظایف بسیار مهم و اساسی است و بنابراین

جایگاه پایداری بر ارزش‌ها را می‌توانیم جایگاهی بسیار مهم و سرنوشت ساز برای حفظ، اسلام و حفظ انقلاب و آرمان‌های حضرت امام(ره) دانست^(۱)».



۹- چرا این همه با حضور ساکتین در لیست انتخاباتی مخالفت می‌شود؟

محصولی: این‌ها که در جریان فتنه موفق نبودند، مردود شدند یا ساکت بودند، آیا به عنوان یک معلم شما برای این سه غلط فرد را تشویق می‌کنید یا تنبیه؟ یعنی دو نفر الان اضافه شده‌اند به صورت تکی و نه از اضلاع نه گروه‌ها و نه جریان‌ها که در ۵+۶ گذشته نبودند، از آن موقع تا حالا سه مورد ابتلا پیش آمده و آنها رفوزه شده‌اند، حالا بگوییم بیاید شما را تشویق کنیم و به شما سهم ویژه بدهیم!

حضور چنین افرادی در مواقع بحرانی قطعا هزینه‌های نظام را بالا خواهد برد. حجت الاسلام و المسلمین رجبی در این خصوص می‌گوید: «بدون شک اگر خواص ساکت آن کسانی که در فتنه‌ها سکوت کرده‌اند، به خصوص فتنه ۸۸ که طراحی دشمن برای ریشه کن کردن انقلاب اسلامی بود، بخواهند در پست‌های کلیدی نظام قرار گیرند، طبعاً همین خطر در آنجا هم وجود دارد و در آنجا هم ممکن است در برابر صیانت از ارزش‌های انقلاب و هدایت نظام و جامعه به سوی تثبیت ارزش‌ها کوتاه بیایند و این کوتاه آمدن ضربه سنگینی را به نظام وارد نماید.»

وی همچنین می‌افزاید: «افرادی که با سکوت‌شان در فتنه‌ها دشمن را در اجرای نقشه‌هایش کمک کردند و بالاخره این سکوت موجب شد که دشمنان نظام خوشحال شوند و طمع کنند و بهتر بتوانند به طراحی‌های خودشان امیدوار شوند، هر میزانی که آن پست حساس تر باشد حضور این چنین افرادی در آنجا مخاطره آمیز تر خواهد بود.»^(۲)

۱۰- خدا توبه بندگان را می‌پذیرد؛ چرا شما توبه کسانی که اسمشان را ساکتین فتنه گذاشته‌اید نمی‌پذیرید؟

حجت الاسلام و المسلمین رجبی معتقد است توبه در چنین شرایطی در بلند مدت اثبات می‌شود. کسانی که

(۱) پایگاه اطلاع رسانی ۵۹۸ / ۲۳ آذر ۹۰

(۲) پایگاه اطلاع رسانی ۵۹۸ / ۲۳ آذر ۹۰

خطا کردند باید واقعا پشیمان شده باشند و خطای خود را اصلاح و جبران کنند. قائم مقام موسسه امام خمینی (ره) می گوید: «ممکن است برخی پشیمان هم نشده باشند و فکر کنند که سکوت شان در آن زمان صحیح بوده است و در ظاهر بیایند بگویند ما برگشته ایم. تعبیر دقیقی در آیه ۱۶۰ سوره بقره وجود دارد. این آیه شریفه می فرماید "الا الذین تابوا و اصلحوا و بینوا فاولئک اتوب علیهم" کسانی که نباید سکوت کرده و باید روشنگری می کردند اگر به اشتباه خود پی برند، صرف توبه و بازگشت کافی نیست بلکه علاوه بر آن باید خود را اصلاح کنند و روشنگری کنند. صرف بازگشت موجب نمی شود که ما بگوییم مشکلی نیست پس در پست های کلیدی قرار بگیرند. باید توبه کنند و آن مسیر گذشته را اصلاح کنند و اصلاح آن هم این است که در عمل و در دراز مدت مشخص می شود که آیا اینها واقعا پشیمان شده اند و تضمینی باشد که اگر در آینده در این چنین وقایعی و حوادثی قرار گرفتند حضور جدی و موضع شفاف داشته باشند و کسی که می خواهد در پست کلیدی نظام قرار بگیرد باید از دل و جان و از بن دندان مدافع ولایت و نظام باشد.»^(۱)

نکته دیگر اینکه چرا باید کسانی که در فتنه بد عمل کرده اند را تشویق کرد و سهم ویژه برایشان قائل شد؟ محصولی در این خصوص می گوید: «این ها که در جریان فتنه موفق نبودند، مردود شدند یا ساکت بودند، آیا به عنوان یک معلم شما برای این سه غلط فرد را تشویق می کنید یا تنبیه؟ یعنی دو نفر الان اضافه شده اند به صورت تکی و نه از اضلاع نه گروه ها و نه جریان ها که در ۵+۶ گذشته نبودند، از آن موقع تا حالا سه مورد ابتلا پیش آمده و آنها رفوزه شده اند، حالا بگوییم بیاید شما را تشویق کنیم و به شما سهم ویژه بدهیم!»^(۲)

آیت الله مصباح یزدی در این زمینه می فرماید: «برخورد با این مساله و جوه مختلفی دارد. در حد اینکه کسی اعتراف کرد که من پشیمان شدم ما باید از او بپذیریم و این را حمل بر صحت کنیم و بگوییم ان شاء الله پشیمان شده؛ اما مسئله این است که حالا که پشیمان شد و توبه کرد، توبه اش هم قبول شد، معنایش این است که ما او را مثل آن کسی که بصیرت داشت و فتنه را شناخت و فریاد زد و به کمک رهبری آمد، حساب کنیم و آن اعتمادی که به او داشتیم، به این فرد هم داشته باشیم، یا نه؟ این را گاهی در عرایضم عرض کرده ام که اگر ما یک امام جماعت عادل داشتیم و مدت ها پشت سرش نماز خواندیم، بعد فاسق شد، بعد از فسقش توبه کرد، قبول می کنیم توبه کرده و دیگر هم ما غیبتش را جایز نمی دانیم اما معنایش این نیست که به او اعتماد کنیم و کارهای مان را مجددا به دست او بدهیم. پس نمی توانیم همان جایگاه قبل را به او بدهیم تا مطمئن شویم که واقعا همه چیزش تغییر کرده. هر وقت تشخیص دادیم و واقعا ثابت شد که تصمیم دارد جبران کند، آن وقت البته این شخص می شود یک فرد صالحی که می توان به او اعتماد کرد و الا تا این ثابت نشده به

(۱) پایگاه اطلاع رسانی ۵۹۸/۲۳ آذر ۹۰

(۲) رجانیوز ۱۶ مهر ۹۰

صرف توبه کردن یا اظهار پشیمانی، معنی اش این نیست که ما بتوانیم در پست‌های حساس به او اعتماد کنیم و اختیارمان را به دست او دهیم و به او رأی دهیم.^(۱)

علاوه بر اینها به نظر می‌رسد مسئله تنها مصادیق موضع‌گیری بر سر فتنه و... هم نباشد. مرور عملکرد کسانی که به عنوان ساکتین فتنه می‌شناسیم نشان از یک زاویه با جریان انقلابی و ارزشی دارد. حتی از سوی بعضی از چهره‌های همین جریان گفته می‌شود ما بر سر ولایت فقیه و حدود آن با جبهه پایداری اختلاف داریم!^(۲)



فضای رقابت انتخاباتی باز است و هر جریانی می‌تواند در این فضا ورود پیدا کند. اما در ارائه لیست انتخاباتی اصولگرایان، باید گفتمان تعیین‌کننده باشد نه سهم احزاب. نگاه قبيله‌ای و حزبی انقلاب را از رشد و تعالی به سکون و ایستایی می‌کشاند و با سهم‌های از پیش تعیین شده، اجازه افزایش دایره مخلصین را نمی‌دهد.

۱۱- آیا این برخورد جبهه پایداری به معنی حذف بخش قابل توجهی از سرمایه اصولگرایی نیست؟

علی مطهری از کسانی است که این انتقاد را مطرح می‌کند. وی می‌گوید: «این نگاه تنگ‌نظرانه و سخت‌گیرانه، فقط خود را اصولگرا و انقلابی واقعی دانسته و بقیه را منحرف می‌داند، این نگاه جبهه پایداری، نگاه بسیار خطرناکی است. اعضای این جبهه بقیه اصولگرایان را یا مردودین فتنه یا خواص بی‌بصیرت می‌داند، بنابراین حکم به خروج بخش عظیمی از اصولگرایان از حوزه انقلاب می‌دهند و این اعتقاد، اعتقاد خطرناکی است.»^(۳)

اولا همین انتقاد متقابلا به علی مطهری وارد است که او نیز فقط خود و دوستانش را بر حق می‌داند و دامنه رفاقتش بیشتر در میان اصلاح‌طلبان گسترده است تا نیروهای ارزشی! ثانياً به نظر می‌رسد این تلقی ناشی از عدم فهم مواضع جبهه پایداری است. کسی نگفته می‌بایست شهردار تهران سریعاً عوض شود یا کسانی که گرایش‌هایی غیر از گرایش جبهه پایداری دارند، اصلاً حق فعالیت

(۱) هفته‌نامه ۹ دی - ۳ دی ۹۰

(۲) علی مطهری با تشریح نگرش سیاسیون کشور نسبت به ولایت فقیه و تاثیر آن بر عملکرد احزاب و جریان‌های سیاسی می‌گوید: «نسبت ولایت فقیه با احزاب و جریان‌های سیاسی بسیار حساس و کلیدی است، در بین سیاسیون دو نگاه نسبت به ولایت فقیه وجود دارد، عده‌ای معتقدند در هر موضوع و هر موضع‌گیری سیاسی باید استقلال فکری و اجرایی داشت و تنها در احکام حکومتی ملزم به اطاعت محض از ولی فقیه بود، این گروه التزام به ولایت فقیه را به معنای نظرخواهی از ولی فقیه در هر موضوعی و کشف مکنونات قلبی مقام رهبری نمی‌دانند. اما نگاه دوم معتقد به هماهنگی همه تصمیمات سیاسی خود با ولی فقیه هستند.» ایسنا ۹۰/۹/۲۸

(۳) شفاف ۱۰ مهر ۹۰

سیاسی نداشته باشند یا حذف شوند. بحث بر سر این است که نباید با نگاه حزبی و قبیله‌ای آرمان‌های انقلاب را جلوی پای مصالح ساختگی ذبح کرد. باید صحنه رقابت سیاسی کشور به گونه‌ای باشد که انقلابی‌ترها ورود بیشتری پیدا کنند و کسانی که مواضعشان درست نبوده در همین فضا ناگزیر به اصلاح مواضع اقدام کنند و به صف انقلابی‌گری بپیوندند. فضای رقابت انتخاباتی باز است و هر جریانی می‌تواند در این فضا ورود پیدا کند. اما در ارائه لیست انتخاباتی اصولگرایان، باید گفتمان تعیین کننده باشد نه سهم احزاب. نگاه قبیله‌ای و حزبی انقلاب را از رشد و تعالی به سکون و ایستایی می‌کشاند و با سهم‌های از پیش تعیین شده، اجازه افزایش دایره مخلصین را نمی‌دهد.

۱۲- اختلاف نظر بین آیت الله مصباح و آیت الله مهدوی کجاست؟



گاهی کسانی از شعار وحدت استفاده می‌کنند، معنایش این است که هرچه من می‌گویم، همه قبول کنید تا وحدت ایجاد شود. این نوع وحدت می‌شود عین دیکتاتوری.

آیت الله مصباح یزدی و آیت الله مهدوی کنی همواره متقابلاً همدیگر را تایید کرده‌اند و البته اختلاف نظرهایی هم خصوصاً در مورد اجرایی کردن وحدت دارند. در واقع اصل وحدت در میان این دو بزرگوار پذیرفته شده است، چنانکه اعضای جبهه پایداری نیز بر همین باورند اما "ارزش وسیله‌ای" یا "ارزش مطلق" بودن وحدت و نیز مدل و نوع مطلوب آن محل اختلاف است.

آیت الله مصباح در خصوص آیت الله مهدوی چنین می‌فرماید: «بنده خدمت حضرت آیت الله مهدوی کنی از سال اولی که آمدم قم ارادت داشتم و مدتی همسایه دیوار به دیوار در مدرسه بودیم و حجره‌مان با حجره آیت الله مهدوی کنی متصل به هم بود. سوابق خیلی طولانی داشتیم. اگر بخواهم در بین روحانیون مخلصی که برای

این انقلاب دل سوزاندند و باتقوا هستند، ۱۰ نفر را معرفی کنم، حتماً یکی‌اش ایشان است. در یکی دو سال اخیر تلاش خیلی زیادی شد تا جناب آیت الله مهدوی کنی رئیس مجلس خبرگان بشوند و این یکی از آثار ارادت ما بوده و هست و ان شاء الله خواهد بود. علاوه بر اینها عنایتی که امام به ایشان داشتند و پست‌هایی که در اوایل انقلاب ایشان عهده‌دار بودند، مسئولیت‌هایی که آن زمان پذیرفتنش بسیار سنگین بود، ابتدا مسئولیت کمیته را که هنوز هیچ خبری نبود به عهده گرفت، بعد نخست‌وزیری و مسئولیت‌های دیگر. به هر حال ایشان آدم ناشناخته‌ای نیست و ما قدر ایشان را می‌شناسیم و ارزششان را برای انقلاب درک می‌کنیم، اما همه ما می‌دانیم که خدا دو انسان را مثل هم نیافریده است. دو تا برادری که

در یک خانواده، از یک پدر و مادر و در یک مدرسه تربیت شده‌اند افکارشان صددرصد مثل هم نیست. بزرگان می‌گویند که این از تفاوت‌های خلقتی است و جزو زیبایی‌های خلقت و حکمت آفرینش است.^(۱)

بحث این دو بزرگوار اما چنانکه گفته شد بر سر چگونگی وحدت بود. آیت الله مصباح اولاً وحدت را "ارزش وسیله‌ای" می‌دانند نه "ارزش مطلق". ایشان می‌فرمایند: «وحدت، خودبه‌خود یک ارزش مطلق در کنار ارزش‌های الهی و انسانی نیست؛ بلکه ابزاری برای پیشرفت بهتر است. این قصه معروف را حتماً شنیده‌اید که پادشاهی در روزهای پایانی عمر خویش، ۱۲ پسرش را به حضور خواند و به هر یک از آنان چوبی داد و گفت: بشکنید، و آنان شکستند. پس از آن، ۱۲ چوب را روی هم گذاشت و به هر کدام گفت: بشکنید. چون نتوانستند، رو به آنان کرد و گفت: اگر پس از مرگ من با هم باشید، شکست نمی‌خورید، اما اگر پراکنده شوید، در مقابل دشمنان شکست خواهید خورد.»

ایشان این گونه نتیجه می‌گیرند: «پس، وحدت می‌تواند هدفی را تقویت کند، اما ممکن است آن هدف مطلوب یا نامطلوب باشد. کفار هم در جنگ احزاب برای این که ریشه اسلام را بکنند با هم متحد شده بودند، اما آیا این وحدت مطلوب بود و آن ایده‌آل اخلاقی تحقق پیدا می‌کرد؟! روشن است که وحدت، ابزار و به‌مثابه شمشیری دو لبه است. یعنی اگر وحدت در راه حق به کار برود مطلوب است و اگر در راه باطل محقق شود، مضر است. پس، ارزش وحدت و اتحاد، ارزشی ابزاری است. در واقع، ابتدا باید هدف مقدسی را در نظر گرفت و برای تحقق آن هدف برنامه‌ریزی کرد. سپس، باید تلاش کرد تا نیروهایی که می‌توانند در رسیدن به آن هدف مؤثر باشند هم‌سو شوند تا نیروهایشان جهت یافته و متراکم شود.»

آیت الله مصباح معتقدند وحدت می‌بایست حول حق شکل بگیرد و در مصداق انتخابات کنونی همان منشور اصولگرایی مورد توجه قرار گیرد. آیت الله مهدوی در مقابل فرموده بودند: «من نمی‌گویم آنهایی را که مخالف انقلابند، بیاوریم، ولی کسانی را که این اصول مشترک را دارند، باید جمع کنیم. جناب آیت‌الله مصباح گفته بودند: "وحدت نمی‌شود". ایشان وحدت را برده بود به وحدت فلسفی. گفتم: ما که وحدت فلسفی نمی‌خواهیم. نه فلسفی می‌خواهیم، نه شیمیایی. ما یک وحدت اجتماعی-سیاسی می‌خواهیم که در آن مشترکات را می‌گیرند و همکاری می‌کنند. در این انقلاب کسانی که امام، رهبری و قانون اساسی را قبول دارند، در بعضی از جنبه‌ها ممکن است تفاوت‌هایی داشته باشند. بیایم با هم باشیم، چون در این صورت است که هیچ نگرانی‌ای وجود ندارد و انقلابیون، در انتخابات، اکثریت را به دست خواهند آورد، ولی این جدایی‌ای که الان درست کرده‌اند،



خطرناک است. ممکن است نیتشان هم خیر باشد، من نمی دانم، ولی کار خوبی نمی کنند.^(۱)

در مقابل آیت الله مصباح می فرمایند: «مسئله وحدت و استفاده کردن از شعار وحدت در مواقع مختلف یک بحث گسترده ای دارد و مجال بیشتری می خواهد که اطراف آن سنجیده شود؛ گاهی کسانی از شعار وحدت استفاده می کنند، معنایش این است که هرچه من می گویم، همه قبول کنید تا وحدت ایجاد شود. این نوع وحدت می شود عین دیکتاتوری. چون اگر این کاری که می گویم قبول نکنید، من کنار می روم، دیگر وحدت نمی شود، شما تابع من شوید تا وحدت شود. گاهی وحدت را کسانی مطرح می کنند که شکست خورده اند و از چشم مردم افتاده اند، مردم به آنها اعتماد و اصلا توجهی ندارند. اینها برای اینکه بیایند خودشان را مطرح کنند، با شعار وحدت می آیند، برای اینکه در جامعه اصلا جای پایی پیدا کنند، بتوانند حرفی بزنند. گاهی طرح شعار وحدت از طرف منافقین است تا بتوانند در صفوف مؤمنین رخنه کنند و عامل نفوذی شوند و البته گاهی، وحدت روی اغراض صحیحی است و منظور وحدت با کسانی است که دلائل عقلی و شرعی ایجاب می کند که ما با آنها وحدت و هماهنگی داشته باشیم، این شکل از وحدت هم عقلی است و هم شرعی. خب آنهایی که فراست دارند، باید ببینند مدافعان شعار وحدت چه کسانی هستند و با چه انگیزه ای این موضوع را مطرح می کنند، چون شاید انگیزه همه آنها یکی نباشد. این یک مسئله مهمی است و البته مسئله طولانی است و به این آسانی در چند کلمه همه جوانب آن را نمی توان بررسی کرد.^(۲)

آیت الله مصباح: حمایت بنده هم از جریان جبهه پایداری به خاطر مبارزه اینها با فتنه و مبارزه با خط انحرافی است و نگرانم مبدا همراهان فتنه، نفوذی هایی در مجموعه اصولگرایان بفرستند و ما را در مقابل خطر بزرگتری قرار دهند، در بین افرادی که به عنوان اصولگرا مشهورند، بنده افرادی با این تفکر که روی اصول پافشاری بیشتری دارند را بیشتر قبول دارم.

در واقع آیت الله مصباح معتقدند نباید تلقی از وحدت به عنوان "ارزشی مطلق" باشد و به بهانه وحدت و با شعار وحدت راه برای کسانی که میانه درستی با اصول ندارند یا بعضا پایبندی کاملی به ولایت فقیه ندارند، باز شود. احساس خطری که از ترکیب ۷+۸ می شود

(۱) خبرآنلاین ۱۳ آذر ۹۰

(۲) هفته نامه ۹ دی - ۳ دی ۹۰

در همین راستاست.

زارعی در توضیح مباحث مطرح شده بین آیت الله مصباح و آیت الله مهدوی کنی می‌گوید: «در نظر بنده اختلافی بین نقطه و نظرات آیت الله مهدوی کنی و علامه مصباح یزدی وجود ندارد و تاکید آیت الله مهدوی کنی که بر منشور اصولگرایی است از منظر آیت الله مصباح هم همین است، یک مقدار اختلافات در ترکیبی است که می‌خواهد این را اجرا کند، می‌خواهد این را پیاده کند و از این منشور اصولگرایی می‌خواهند افرادی را انتخاب کند و مجلس را شکل بدهد، اختلاف نظرها در این زمینه وجود دارد و امیدواریم دوستانی که می‌خواهند بر این مبنا عمل کنند از هر جریانی، آن منشور را مبنا قرار دهند.» او همچنین می‌افزاید: «اگر ما از اصول عبور کردیم محافظه‌کاری نشان داده‌ایم و مصلحت‌سنجی کرده‌ایم، خب معلوم نیست که این به همین جاها ختم بشود و چه بسا که ادامه هم پیدا کند. تجربه انقلاب اسلامی ما نشان می‌دهد که ما هر زمان به اصول تاکید کردیم و اصولی کار کردیم افراد را با حق سنجیدیم نه حق را با افراد، توفیقات فراوانی را خداوند نصیب کشورمان کرده است ولی هر جایی که مصلحت‌سنجی کردیم، گروه‌گرایی کردیم و اشتباه افراد را مبنا قرار دادیم آسیب دیده‌ایم، امیدواریم که در انتخابات هرگز دچار این اشتباهات نشویم.»^(۱)

۱۳- نظر جبهه پایداری در مورد آیت الله مهدوی و آیت الله یزدی چیست؟

اعضای جبهه پایداری برای شخصیت این دو بزرگوار احترام قائل هستند؛ اگر چه ممکن است انتقاداتی نیز داشته باشند. زارعی در این خصوص می‌گوید: «ما آیت الله مهدوی کنی و آیت الله یزدی را قبول داریم. این افراد از علمای بزرگ ما هستند، هم‌چنین آیت الله مصباح از شخصیت‌های ارزشمندی است که ما ایشان را قبول داریم البته بحث ما، بحث علما نیست، بحث ما در شیوه‌ی اجرا و پیاده‌سازی منشور اصولگرایی است.»^(۲)

حجت الاسلام و المسلمین رسایی نیز در این خصوص می‌گوید: «معرفی آیت الله مصباح یزدی به معنای تقابل با آیت الله مهدوی کنی نیست اما در هر صورت هر گل یک بویی دارد. آقای مهدوی کنی یک بو و رایحه خوشی دارد و آقای مصباح یزدی یک رایحه و عطر خاص خودش را دارد!»^(۳)

(۱) پایگاه اطلاع رسانی ۵۹۸ - ۲۸ آذر ۹۰

(۲) شفاف ۲۶ آذر ۹۰

(۳) ایلنا ۲۱ آبان ۹۰

۱۴- نسبت آیت الله مصباح و جبهه پایداری چگونه است؟ آیا آیت الله مصباح جهتگیری‌های پایداری را قبول دارد؟

آیت الله مصباح یزدی رهبر معنوی جبهه پایداری هستند و اعضای این جبهه با مشورت و راهنمایی‌های ایشان کار را پیش می‌برند. حتی چنانکه در پاسخ به سوال (۲) گفته شد پیشنهاد نام جبهه پایداری هم از سوی آیت الله مصباح بود. خود ایشان در تشکیل جمعی از دلسوزان پیشقدم شدند و هم‌اکنون نیز نزدیکان ایشان در موسسه امام خمینی (ره) جزو اعضای جبهه پایداری به شمار می‌روند. از این جمله می‌توان به حجت الاسلام جلالی مسئول دفتر آیت الله مصباح و حجت الاسلام روانبخش دبیر سیاسی هفته‌نامه پرتو یا چهره‌هایی چون حجت الاسلام و المسلمین نبویان و حجت الاسلام و المسلمین سقایی بی‌ریا اشاره کرد.

آیت الله مصباح در مصاحبه با نشریه ۹ دی در خصوص نسبتشان با جبهه پایداری چنین فرمودند: «بنده هیچ وقت نگفتم که با جبهه پایداری کاری ندارم؛ چیزی که گفتم این بود که من لیدر اینها نیستم، بلکه لیدر همه ما رهبر معظم انقلاب است. من نه یک آدم سیاسی به معنای رایج اهل سیاست هستم، نه ایجاد حزب کردم، نه کسی به من سر سپرده و نه من توقعی از کسی دارم که سرسپرده من باشد. دوستانی هم که در جبهه پایداری هستند و من آنها را می‌شناسم، از خیلی دوستان دیگری که آنها را می‌شناسم، افکارمان به هم نزدیک‌تر است؛ خب این دوستانی که اسم جریان فکری خودشان را جبهه پایداری گذاشته‌اند، گاهی با من مشورتی می‌کنند، چیزی می‌پرسند و من هم چیزی که در نظر هست، به آنها می‌گویم. با اینها ارتباط داریم و این افرادی که بعضی از آنها را می‌شناسم و امروز به عنوان چهره‌های شاخص جبهه پایداری مشهورند، از خیلی‌ها سالم‌تر می‌دانم. اما این به معنای آن نیست که اینها همیشه این‌طور بمانند و من هم همیشه همین نسبت و رابطه را با آنها داشته باشم. در حال حاضر جهت‌گیری درستی دارند، من هم حمایت‌شان می‌کنم ولی در آینده آنها چطور می‌شوند، من درباره امروزشان قضاوت می‌کنم و الا احتمال خطا و تغییر درباره همه و از جمله دیگر افرادی که امروز به عنوان جبهه پایداری شناخته نمی‌شوند هم هست. ولی من نه حزبی دارم و نه آنها از من توقعی دارند و نه من از آنها توقعی دارم که حرف مرا گوش کنند و نه آنها تکلیفی دارند که هر چه من بگویم عمل کنند. ما با اینها دوستیم، رفیقیم، اصل مسئله این است که دخالت من در کارهای سیاسی به خاطر مسائل دینی و فرهنگی است؛ اصلاً حمایت بنده هم از جریان جبهه پایداری به خاطر مبارزه اینها با فتنه و مبارزه با خط انحرافی است و نگرانم مبادا همراهان فتنه، نفوذی‌هایی در مجموعه اصولگرایان بفرستند و ما را در مقابل خطر بزرگ‌تری قرار دهند، در بین افرادی که به عنوان اصولگرا مشهورند، بنده افرادی با این تفکر که روی اصول پافشاری بیشتری دارند

را بیشتر قبول دارم^(۱)». آیت الله مصباح برخی چهره‌های جبهه پایداری را شخصا توصیه به کاندیداتوری کردند و جهت گیری‌های اساسی جبهه پایداری دقیقا همان جهت گیری‌های استاد است.

۱۵- ماجرای دیدار آقای زاکانی و فدایی با آیت الله مصباح یزدی چیست؟ چرا آنجا آیت الله مصباح فرمودند من لیدر جبهه پایداری نیستم؟

آقای زاکانی و فدایی طی دیداری به محضر آیت الله مصباح آمدند و درخواستشان از ایشان این بود که به جبهه پایداری دستور دهند به ۷+۸ پیوندند. مسئول دفتر آیت الله مصباح در توضیح این دیدار چنین می‌گوید: «در این دیدار بیش از یک ساعت فقط آقای فدایی گزارش دادند که روند شکل‌گیری ۷+۸ چگونه بوده است و آیت‌الله مصباح هم در این مدت سکوت کردند، بعد از گذشت این زمان آیت‌الله مصباح عذرخواهی کردند که باید برای یک سخنرانی در جمع دانشجویان حاضر شوند، آقای زاکانی هم بعد از بازگشت ایشان از سخنرانی ۱۰ دقیقه صحبت کردند.»

حجت الاسلام و المسلمین جلالی می‌افزاید: «علامه مصباح در این دیدار فرمودند "شکی در ضرورت وحدت با کسانی نیست که با معیار، اصول و ارزش‌های ما هم‌خوانی دارند، بلکه مطلوب هم هست، اما باید بدانید که خیلی از چیزها را که روی کاغذ می‌نویسیم، در عمل اجرا نمی‌شود، معلوم نیست شما آنچه را که امضا کردید و بدان پایبند هستید، بتوانید در صحنه اجرا محقق کنید."»

وی با بیان اینکه "در این دیدار آقایان فدایی و زاکانی از آیت‌الله مصباح خواستند تا به اعضای جبهه پایداری امر کنند که در جلسات شرکت کنند"، می‌افزاید: «آیت‌الله مصباح فرمودند "من ولایتی بر این افراد ندارم، بلکه ما چند نفر هم‌فکر و در عرض هم، عضو یک جبهه هستیم، بنابراین، بر اینها سلطه‌ای ندارم که بخواهم امر کنم، خودتان با دوستانان بنشینید و دوستانه حرف بزنید، خودتان گفتید با برخی از افرادی که در ۷+۸ حضور دارند، موافق نبودید اما توانستید آنها را هماهنگ کنید، حالا چرا نتوانید دوستان خود را متقاعد کنید."»

جلالی می‌گوید: «آیت‌الله مصباح همچنین علت حمایت خود از جبهه پایداری را این چنین توضیح دادند که "نزدیک‌ترین افراد از جهت فکری، مبانی، اصول و ارزش‌ها همین جمع جبهه پایداری است و به همین جهت من در جلسه آن‌ها شرکت و سخنرانی کردم، چون این افراد را صادق و البته نزدیک به فکر خودمان دانستم." آیت‌الله مصباح همچنین گفتند که "تمام هم و غم من از تأسیس جبهه پایداری این بود که دوستانی که از جریان آقای

احمدی نژاد سر قضیه مشایی سرخورده شده بودند، به دامن جریان انحراف نیافتند، بنابراین، پرچم این جبهه را برافراشته کردیم تا اینها را جذب کنیم و به دام آنها نیافتند.^(۱)»
 در واقع اینکه آیت الله مصباح فرمودند من لیدر جبهه پایداری نیستم در پاسخ به کسانی بود که برای تحت فشار قرار دادن ایشان و پیگیری این درخواست که ایشان به جبهه پایداری امر به وحدت با ۷+۸ کنند، خدمتشان رسیده بودند. آیت الله مصباح البته چنین مسئله‌ای را نپذیرفتند و در مقابل با بیانی معنادار به آنها گفتند شما که با ۷+۸ توانستید وحدت کنید چرا با دوستانتان در جبهه پایداری نمی‌توانید وحدت کنید؟! محتوای این دیدار از سوی شرکت کنندگان در جلسه برای بهره‌برداری‌های سیاسی و بدون هماهنگی با دفتر آیت الله مصباح یزدی منتشر شد.

۱۶-دعوی شما همان دعوی مشهور میان "وحدت" و "خلوص" است. رهبری هم فرموده‌اند راه ایجاد خلوص حذف افراد ضعیف الایمان نیست. چرا خلاف فرمایش ایشان عمل می‌کنید؟

در توضیح سوال باید گفت رهبر انقلاب در یکی از دیدارها با دانشجویان فرمودند: «... یک سؤال دیگر این است که بعضی‌ها میگویند وحدت، بعضی‌ها میگویند خلوص؛ شما چه می‌گوئید؟ من می‌گویم هر دو.» ایشان در ادامه توضیح دادند: «خلوص که شما مطرح می‌کنید - که ما بایست از فرصت استفاده کنیم و حالا که غربال شد، یک عده‌ای را که ناخالصی دارند، از دایره خارج کنیم - چیزی نیست که با دعوا و کشمکش و گریبان این و آن را گرفتن و با حرکت تند و فشارآلود به وجود بیاید؛ خلوص در یک مجموعه که اینجوری حاصل نمی‌شود؛ ما به این، مأمور هم نیستیم.»

رهبر انقلاب از صدر اسلام شاهد آوردند و فرمودند: «در صدر اسلام، خوب، با پیغمبر اکرم یک عده بودند؛ سلمان بود، اباذر بود، ابی‌بن‌کعب بود، عمار بود، کی بود، کی بود؛ اینها درجه‌ی اول و خالص‌ترینها بودند؛ عده‌ای دیگر از اینها یک مقداری متوسط تر بودند؛ یک عده‌ای بودند که گاهی اوقات پیغمبر حتی به اینها تشر هم میزد. اگر فرض کنید پیغمبر در همان جامعه‌ی چند هزار نفری - که کار خالص‌سازی خیلی آسانتر بود از یک جامعه‌ی هفتاد میلیونی کشور ما - میخواست خالص‌سازی کند، چه کار می‌کرد؟ چی برایش می‌ماند؟ آن که یک گناهی کرده، باید می‌رفت؛ آن که یک تشری شنفته، باید می‌رفت؛ آن که در یک وقتی که نباید از پیغمبر اجازه‌ی مرخصی بگیرد، اجازه‌ی مرخصی گرفته، باید می‌رفت؛ آن که زکاتش را یک خرده دیر داده، باید می‌رفت؛ خوب، کسی

نمی‌ماند. امروز هم همین جور است. اینجوری نیست که شما بیایید افراد ضعیف‌الایمان را از دایره خارج کنید، به بهانه‌ی اینکه می‌خواهیم خالص کنیم؛ نه، شما هر چه می‌توانید، دایره‌ی خلصین را توسعه بدهید؛ کاری کنید که افراد خالصی که می‌توانند جامعه‌ی شما را خالص کنند، در جامعه بیشتر شوند؛ این خوب است. از خودتان شروع کنید؛ دور و بر خودتان، خانواده‌ی خودتان، دوستان خودتان، تشکل خودتان، بیرون از تشکل خودتان. هر چه می‌توانید، در حوزه‌ی نفوذ تشکل خود، برای بالا آوردن میزان خلوصهای فردی و جمعی تلاش کنید؛ که نتیجه‌ی آن، خلوص روزافزون جامعه‌ی شما خواهد شد. راه خالص کردن این است.»

بهتر است برای رسیدن به پاسخ صحیح، پرسش را این گونه بازتعریف و خرد کنیم: مقصود از اینکه افراد ضعیف‌الایمان را از دایره نباید خارج کرد، دقیقا چیست؟ تعبیر دایره به چه معناست و چه حدودی دارد؟ طبیعتا خارج کردن افراد ضعیف‌الایمان مراتب دارد. آیا بدین معنی است که می‌بایست جریان انحرافی، نادمین اصلاح طلب فتنه یا ساکتین فتنه را پیش‌نماز و رهبر و لیدر قرار داد یا با آنها وحدت انتخاباتی کرد؟ یا در طرف مقابل آیا باید همه آنها را صحنه سیاسی کشور حذف کرد و از حقوق اولیه برای فعالیت سیاسی و عهده‌داری مشاغل دولتی محروم ساخت؟ اساسا این بیان از سوی رهبری در چه بستری و ناظر به چه شرایطی مطرح شد و مقصود از آن چه بود؟

پرسش دیگر اینکه با توجه به فرض بودن ضرورت رسیدن به خلوص، روش رسیدن چگونه باید باشد؟ و نظر رهبری در این خلوص چیست؟ آیا از انتخابات به عنوان بستری برای رسیدن به خلوص بیشتر باید بهره برد یا نه باید همواره ترکیبی ثابت از جریانات مختلف ولو آنکه انحرافی، نادم فتنه یا ساکت فتنه باشند را در لیست اصلی و آرمانی اصولگرایی پذیرا باشیم و برای همیشه بر روی مسئله خلوص خط تیره بکشیم؟

پاسخ به این سوالات نیازمند مرور اجمالی فضای روزهای بعد از فتنه است. آن روزها که آتش فتنه ۸۸ با حضور پرشور مردم در صحنه فرو می‌نشست، زوال فتنه اول با هشدارهایی در باب فتنه دوم همراه شد؛ هشدارهایی که خاستگاهی منطقی و درخور داشت اما کمی که گذشت خواه ناخواه محملی برای موج سواری دیگران فراهم آورد. آن روزها عملا فتنه‌گران دیگر در درون نظام تعریف نمی‌شدند. به عبارت دیگر اکثریت اصلاح‌طلبان حذف شده بودند. در چنین فضایی هر جریانی می‌کوشید تا جریان مقابل را به تلاش برای ایجاد فتنه دوم متهم کند و رقیب را مثل اصلاح‌طلبان از صحنه خارج نماید. در واقع یک فضای حذفی در کشور شکل گرفته بود. مصادیقی هم برای فتنه دوم مطرح شد مثل "هاشمی و جریان او"، "ساکتین فتنه" و "جریان انحرافی".

مقصود از "دایره" در بیان رهبری اصل فعالیت سیاسی در کشور و عهده‌داری مسئولیت‌های

عادی در نظام بود. در واقع تعبیر این بود که نباید افراد را به خاطر اینکه انتقاداتی به آنها داریم

از حقوق قانونی‌شان و از امکان فعالیت سیاسی و مشاغل دولتی‌شان محروم کنیم. این مسئله منافی اینک مراقبت کنیم آنها در جایگاه‌های کلیدی قرار نگیرند، یا اینکه آنان را در رأس وحدت‌های انتخاباتی قرار ندهیم، نبوده و نیست.

عبارت رهبری این است: «اگر فرض کنید پیغمبر در همان جامعه‌ی چند هزار نفری - که کار خالص‌سازی خیلی آسانتر بود از یک جامعه‌ی هفتاد میلیونی کشور ما - میخواست خالص‌سازی کند، چه کار می‌کرد؟ چی برایش می‌ماند؟ آن که یک گناهی کرده، باید می‌رفت؛ آن که یک تشری شنفته، باید می‌رفت؛ آن که در یک وقتی که نباید از پیغمبر اجازه‌ی مرخصی بگیرد، اجازه‌ی مرخصی گرفته، باید می‌رفت؛ آن که زکاتش را یک خرده دیر داده، باید می‌رفت؛ خوب، کسی نمی‌ماند.»

در واقع این حکایت، حکایت پشت بامی را ماند که گروهی از یک طرف آن افتادند و گروهی دیگر از طرف دیگر! برخی در صد در صدی جریانات رقیب برآمدند و تلاش کردند آنان را از حقوق قانونی خود نیز محروم کنند و مخالف خود را ضدانقلاب کنند؛ برخی هم با رقیبان نشستند و فال حافظ گرفتند و برای حضور در پست‌های کلیدی بفرما زدند! این هر دو اشتباه کردند.

اما خلوص چگونه باید به دست آید؟ تعبیر رهبری در مورد خلوص این است: «چیزی نیست که با دعوا و کشمکش و گریبان این و آن را گرفتن و با حرکت تند و فشارآلود به وجود بیاید.» دقیقاً مشخص است که رهبر انقلاب چه نوع مواجهه‌ای را با افراد ضعیف الایمان نفی می‌کنند.

دستور رهبری این بود که: «شما هر چه می‌توانید، دایره‌ی خلصین را توسعه بدهید؛ کاری کنید که افراد خالصی که می‌توانند جامعه‌ی شما را خالص کنند، در جامعه بیشتر شوند؛ این خوب است.» به نظر می‌رسد اگر اصل ضرورت حرکت به سمت خلوص فرض باشد که در بیان رهبری نیز چنین است، وحدت‌های کلیشه‌ای که در آن همیشه سهمی یکسان حتی برای نادمان و ساکتین فتنه دیده می‌شود، در جهت عکس فرمایش رهبری است و انقلاب را از رسیدن به خلوص بیشتر باز می‌دارد. در واقع انتخابات باید محلی باشد برای افزایش دایره مخلصین و وارد کردن حزب‌اللهی‌هایی که تا کنون به دلیل همین ساز و کار حزبی، سهم‌خواهانه و غیرانقلابی در بیرون گود نشسته بودند. باید امکان معرفی اینها به جامعه وجود داشته باشد نه اینکه به بهانه وحدت، انقلابیون را از حقوق خود محروم کنیم و به گونه‌ای عمل کنیم که باز درب مجلس بر همان پاشنه قبلی بچرخد. البته بقیه حق حضور در فعالیت‌های سیاسی دارند و می‌توانند خود را به انتخاب مردم بگذارند.

"وحدت حول حق" به منزله پذیرفتن تلازم وحدت و خلوص است. بالاخره وحدت

چارچوب و اصولی می‌خواهد که اتفاقاً در منشور اصولگرایی ذکر شده اما در عمل

کوچکترین توجهی بدان نشده. در واقع در ساحت نظر مدعای جبهه پایداری از سوی ۲۴

۷+۸ خیلی پیشتر از اینها پذیرفته شده است اما در ساحت عمل به گونه‌ای دیگر عمل شده و حرف آیت الله مصباح نیز اتفاقاً همین است.

رهبر انقلاب هم در دیدار مورد اشاره با دانشجویان از وحدت تعریف داشتند. ایشان فرمودند: «منظور من اتحاد بر مبنای اصول است. بنابر این وحدت با کیست؟ با کسی که این اصول را قبول دارد. به همان اندازه ای که اصول را قبول دارند، به همان اندازه ما با هم مرتبط و متصلیم.»

دکتر غلامحسین الهام در این خصوص می‌گوید: «وحدت با حفظ مبانی همان خلوص است، وحدت با عبور از مبانی یعنی اینکه صرفاً ما یک کار سیاسی بکنیم که این رقیبمان رای نیاورد اما اصالت برای پایه‌های ارزشی نباشد این یک نوع سیاسی کاری است. سیاسی کاری را در این موضوع ما قبول نداریم و حداکثر تلاشمان را می‌کنیم که حداکثر وضعیت موجود را در حداکثری حفظ بکنیم یعنی از حداکثری پایین نمی‌آریم ولی خب حداکثر ممکن است که نقطه ۱۰۰ نباشد و ممکن است که نقطه ۸۰ باشد ما سعی می‌کنیم که از نقطه ۸۰ به نقطه صفر برنگردیم. ما از اصول کوتاه نمی‌آییم»^(۱).

دکتر زارعی نیز در این خصوص می‌گوید: «اینکه هدف وسیله را توجیه می‌کند در واقع استراتژی کسانی است که مادی گرا هستند و به جریان‌های مارکسیستی اعتقاد دارند. ما فکر می‌کنیم جریان فکر اسلامی و اندیشه شیعی ایجاب می‌کند که برای رسیدن به هدف استفاده از هر ابزاری مباح نیست و ما نمی‌توانیم برای اینکه فقط وحدت را حفظ کنیم با هر کسی همکاری کنیم. در این صورت اصلاً آن هدف محقق نمی‌شود، این اشکالاتی بود که ما قبلاً هم مطرح کردیم الان دیگر فکر نمی‌کنم که تکرار کردن آن مفید به فایده باشد چون برخی‌ها که متوجه نبودند، متوجه شدند و برخی‌ها که متوجه نشدند دیگر متوجه نخواهند شد، اما امیدواریم در مجموع منشور اصولگرایی مبنای کار قرار بگیرد و اشتباهات کمتر صورت بگیرد ما هم به عنوان جبهه پایداری هر کجا احساس کنیم که آدم‌های اصولی وجود داشته باشند بر حسب تکلیف و وظیفه احساس می‌کنیم آن بار مسئولیت نمایندگی مجلس باید روی دوش آنها قرار بگیرد، آدمهایی که وابستگی دارند به جریانهای قدرت و ثروت، افرادی که عملکرد آنها در امتحانات اجتماعی و مخصوصاً در فتنه و در جریان انحرافی مثبت نبوده یا قوی نبوده یا شفاف نبوده، خب این اشتباه را نباید دوباره مرتکب شد امیدواریم همین‌ها معیار باشد ان‌الله همه دوستان و گروه‌ها هم به درستی بتوانند ادای وظیفه بکنند.»^(۲)

۲۵ (۱) رجانویز ۲۱ شهریور ۹۰

(۲) پایگاه اطلاع رسانی ۲۸ آذر ۹۰

۱۷- رهبر انقلاب در دیدار با اعضای فراکسیون انقلاب در سال ۸۸ هم تذکراتی به اعضای این فراکسیون دادند و گفتند باید اغماض‌هایی را انجام داد ولو اینکه این اغماض‌ها انتقاداتی را متوجه آدم کند. چرا جبهه پایداری برای رسیدن به وحدت حاضر به اغماض نیست؟


در توضیح سوال باید گفت در دیدار با اعضای کنونی فراکسیون انقلاب اسلامی بعد از طرح انتقادات حاضرین نسبت به سه قوه و تجلیل متقابل رهبری از پافشاری حاضرین بر روی اصول ایشان فرمودند: «اما اینکه شما چه کار کنید، به نظر من قضیه را دو بخش کنیم؛ یکی نسبت به دولت، یکی نسبت به مجلس. در مورد دولت، خوب، این اشکالاتی که شما گفتید، ممکن است بعضی‌اش وارد باشد؛ منتها باید جمع‌بندی کرد. من این را بارها گفته‌ام؛ اثبات و نفی ما نسبت به اشخاص، ناشی است از جمع‌بندی‌ای که ما نسبت به این آدم یا نسبت به این دولت یا نسبت به این جریان داریم. این به معنای این نیست که هیچ نقطه منفی‌ای در این جایی که ما داریم تأییدش می‌کنیم، نیست؛ خوب، چرا، نقطه منفی هم هست؛ منتها من وقتی مقایسه می‌کنم بین آن نقطه منفی و آن نقاط مثبت، می‌بینم که آن نقاط مثبت ترجیح پیدا می‌کند. خوب، نتیجه جمع‌بندی می‌شود این. به نظر من باید اینجوری عمل کرد. شما هم تذکراتان را بدهید. اگر منکری می‌بینید، نهی از منکر کنید؛ اگر چنانچه معروفی هست که زمین مانده، امر به معروف کنید؛ اما این موجب نشود که آدم این منکر را یا این نقطه منفی را بهانه قرار بدهد و راهش را جدا کند، یا فرض کنید که فاصله ایجاد شود، یا تعارض کند، یا تخریب کند؛ کما اینکه بعضی‌ها هم همین جورند. از همه جا به بنده مراجعات گوناگون هست؛ بعضی می‌آیند یک نقطه منفی را در یک شخصی، در یک دولتی می‌گیرند، آن را مستمسک و دلیل قرار می‌دهند برای اینکه باید با او معارضه کرد، باید با او مخالفت کرد، باید با او دشمنی کرد، باید چه کرد. این درست نیست؛ باید جمع‌بندی کرد؛ بله، این اشکالات، برخی هست؛ برخی کوچک هم نیست، ممکن است بزرگ هم باشد؛ منتها در عین حال باید در جمع‌بندی ملاحظه کرد، دید که این جمع‌بندی نتیجه‌اش چه می‌شود. به نظر ما در این جمع‌بندی، آن نقاط مثبت غلبه دارد بر نقاط منفی. آنی که ما تا حالا فهمیدیم، این است. خوب، دارد کار می‌شود، دارد زحمت کشیده می‌شود، دارد شعارهای انقلاب گسترش پیدا می‌کند؛ اینها چیزهای خوبی است؛ اینها چیزهایی است که کشور به اینها احتیاج دارد؛ اگرچه چیز منفی‌ای هم ممکن است باشد و هست.» این فرمایشات ایشان در واقع بیشتر ناظر به دولت بود و موید روند برخورد صحیح اعضای جبهه پایداری با دولت.

رهبر انقلاب ادامه دادند: «در مورد مسائل داخل مجلس و رئیس خودتان، به نظر من این اشکالات را تذکر بدهید، مانعی ندارد؛ منتها اینجا هم شما سعی کنید بیش از آن مقداری که حد و حق این اشکالات است، برایش حساب باز نکنید. اولاً راه حمل بر صحت را به کلی و در مواردی نبندید؛ چون ممکن است واقعا در برخی از این چیزهایی که آقایان گفتند، راه‌های حمل بر صحت وجود داشته باشد. انسان کاری را انجام می‌دهد؛ ممکن است

یک تحلیلگری از دور بنشیند این کار را تحلیل کند، بگوید بله، هدف این بود و با این نقشه انجام گرفت، که در واقع این نباشد. در مورد خود ماها هم این مسئله مشاهده می شود. آدم یک چیزی می گوید، یک حرکت کوچکی انجام می دهد، می بیند تحلیلگرهای آن طرف دنیا می گویند که بله، هدف این بود. ما می بینیم که نه، این نبوده؛ متها خوب، تحلیلگر تحلیل سیاسی می کند. بنابراین گاهی اینجوری است؛ یک چیزی است، یک حرکتی است، یک حرفی است، کاری است، کسی انجام می دهد و از روی یک غفلتی است، از روی یک اختلاف در دیدگاهی است که این انجام می گیرد، نه اینکه از روی غرضی یا روی نقشه‌ای باشد. پس راه حمل بر صحت را نباید بست؛ باید این راه را باز گذاشت.» این عبارات نیز

مشخصا در مورد مجلس و قضاوت‌هایی که در خصوص عملکرد کلی مجلس، برخی نمایندگان یا هیئت رئیسه مجلس می شود، بود. در اینجا این تعبیر وجود نداشت که در مجموع نقاط مثبت غلبه دارد بر نقاط منفی و... بلکه تعبیر رهبری این بود که ضمن تذکر اشکالات راه حمل بر صحت بسته نشود. ممکن است بعضی اشتباهات از روی غرض و عناد نباشد.

ایشان پس از طرح این مسائل نکاتی در خصوص وحدت فرمودند که مقصود سوال هم بیشتر در این عبارات است. رهبر انقلاب تاکید کردند: «ثانیا این مجموعه اصولگرا و انقلابی که امروز در مجلس هستند و بحمدالله در کشور هم اکثریت قاطعی دارند- به دلیل همین انتخابی که انسان می بیند انجام گرفته؛ خوب، این نشانه این است که مردم این جهت گیری و این راه را دوست می دارند- حتی المقدور نگذارید متشتت شود. این وحدت مهم است. البته ما در سطح کشور هم معتقد به وحدتیم، در این مجموعه معتقد به ارزشها و اصول هم معتقد به وحدتیم؛ این را باید حفظ کرد، ولو با یک اغماض‌هایی. بعضی از اغماض‌ها



رهبرانقلاب می فرمایند
برای مدیریت مشکلات
کنونی مجلس شما هم
تلاش کنید؛ من هم
متقابلا تذکر می دهم. این
بدین معنی نیست که
در انتخابات به گونه‌ای
عمل شود که باز همین
مشکلات در مجلس
پیش بیاید! اساسا تعمیم
بیان رهبری به انتخابات
درست نیست.

ممکن است اعتراض برخی دیگر را متوجه انسان نکند؛ خوب، بکند؛ ولی آدم باید ببیند حق چیست. یک جاهایی باید برخی اغماض‌ها را برای یک مصلحت بزرگتری انجام داد؛ که حالا در این مورد بحث ما، مصلحت اتحاد و اتفاق و با هم بودن و یک حرف زدن و یک صدا داشتن و اینهاست. در سایه همین یک صدا داشتن، ای بسا بتوان همان کسی را که شما می گوید این مواضع را گرفته- که نباید می گرفت- نزدیک کرد به مواضعی که مورد نظر شماست. البته ما هم یک مواردی که به نظرمان رسیده، سفارش می کنیم.» بعد از این

رهبر انقلاب از برخی برخوردهایی مجلس با دولت نظیر تکه پاره کردن کابینه در هنگام دادن رأی اعتماد به وزرا، تصویب قوانین بدون در نظر گرفتن امکانات لازم یا محل بودجه و کشاندن بیش از حد وزرا به مجلس صریحا انتقاد کردند.

به نظر می‌رسد سند اشکال، همین پاراگراف پایانی که از بیانات رهبری نقل شد، باشد. این پاراگراف از بیان رهبری چنان که واضح است هم دلالت بر مجموعه اصولگرایان در مجلس دارد و هم دلالت بر کلان کشور و ارتباط بین قوا و... چنانکه مثال ایشان بعد از ذکر لزوم انجام برخی اغماض‌ها به ارتباط قوا و همان ضرورت مماشات مجلس با دولت که پیشتر هم رهبری بر آن تاکید کرده بودند اما از سوی برخی اصولگرایان مجلس مورد توجه قرار نگرفته بود، برمی‌گردد.

سوال اول که به روشن شدن موضوع کمک می‌کند این است که این بیانات مقام معظم رهبری ناظر به طرح چه مباحثی از سوی اعضای فراکسیون انقلاب اسلامی مطرح شد؟ مثلا مقصود از "همان کسی را که شما می‌گویید این مواضع را گرفته که نباید می‌گرفت" چه کسی است؟ در متن قرائت شده توسط آقای زارعی چه مسائلی مطرح شده بود که رهبری این گونه پاسخ دادند؟ علاوه بر این موضع اعضای کنونی فراکسیون انقلاب اسلامی در آن روزها چگونه بود و در واقع رهبری در واکنش به چه نوع مواجهه‌ای سخن از ضرورت اغماض به میان آوردند؟ سوال آخر اینکه با درک این فضا چقدر بیانات رهبری به فضای قبل از ورود اصولگرایان به مجلس و وحدت در انتخابات قابل تعمیم است؟

متن قرائت شده در محضر رهبر انقلاب که به قلم حجت الاسلام و المسلمین رسایی نوشته شده بود، حاوی انتقادات تندی علیه ریاست مجلس و مدیریت فراکسیون اصولگرایان مجلس است. چندی از استعفای اعتراض آمیز روح‌الله حسینیان در انتقاد به عملکرد هیئت رئیسه می‌گذرد. همان استعفایی که در آن حسینیان تاکید کرده بود: «امروز خود را ناتوان تر از همیشه می‌یابم. هر اقدامی آغاز کردیم با رقابت پیچیده پارلمانتاریست‌های حرفه‌ای نقش بر آب شد. جناح اصلاح طلب نزد رئیس عزیزتر و ارزشی‌تر شدند و هر روز ما مطرودتر و بی‌خاصیت‌تر. من خود را موجودی شکسته خورده و سرخورده می‌بینم وقتی می‌بینم ریاست کمیته دفاع از فلسطین مجلس یکی از فتنه‌گرانی است که از بانیان اتهام تقلب در انتخابات بود. وقتی می‌بینم مجلس اصولگرا نماینده‌ای را برای این کمیته انتخاب می‌کند که تا دیروز علناً از یکی از سران فتنه دفاع می‌کرد و یک روز از عمرش را در راه مبارزه نگذرانده و تنها با تاجران کویتی می‌نشیند و برمی‌خیزد و رسالتش توزیع آدامس در بین نمایندگان است.»^(۱) این استعفانامه در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۸۸ منتشر شد و دیدار اعضای فراکسیون انقلاب اسلامی با رهبری در تاریخ ۲۱ بهمن ۱۳۸۸ انجام شد. یعنی با فاصله زمانی حدود یک ماه از استعفای روح‌الله حسینیان. در این فضا حتی اعضای کنونی فراکسیون انقلاب اسلامی درصدد

خروج از فراکسیون اصولگرایان مجلس بودند.

در قسمت‌هایی از متنی که خطاب به رهبری توسط آقای زارعی قرائت شد، چنین می‌خوانیم: «جمع حاضر که خود در انتخاب آقای لاریجانی به عنوان رئیس مجلس نقش موثری داشتند بر این گمان بودند که با این انتخاب، برادر علی سابق سپاه و یا آقای لاریجانی صدا و سیما را به کرسی ریاست مجلس می‌نشانند، همان لاریجانی ای که در دفاع از اندیشه حزب الله و جبهه ولایتمدارن آنچنان پیش رفت که در محافل دگراندیشان اصلاح طلب، علیه او شعار سیمای لاریجانی تعطیل باید گردد سر می‌دادند. سوگمنده این تصور خیلی زود نقش بر آب شد آنگاه که بر پیشخوان دکه مطبوعات، جملات آقای لاریجانی را دیدیم که به تیر یک نشریات زنجیره ای همسو با خط نفاق جدید بویژه در مخالفت با دولت تبدیل شد و یا در ایام کودتای پس از انتخابات دهم، همواره مواضع دو پهلوئی او مورد استقبال آنان قرار گرفت!»

نویسندگان نامه می‌افزایند: «متأسفانه استمرار رقابت انتخابات نهم ریاست جمهوری با رئیس دولت فعلی در این سال‌ها و عطش حاکم شدن نظرات و سیاست‌هایی که از نظر آقای لاریجانی برای اداره کشور موجه جلوه می‌کند از یک سو و طمع استفاده از همراهی جمعیت کوچک اما تاثیرگذار نمایندگان اقلیت سیاسی در مواقع مختلف به ویژه در تصویب طرح‌ها و لوایح و انتخاب هیئت رئیسه از سوی دیگر، در کنار بهانه قرار دادن این نکته که رئیس مجلس باید ارتباطش را فراگیر و نسبت به کل مجلس تعمیم دهد، اندک اندک یک تبانی با جریان اقلیت سیاسی ای را به وجود آورد که به عقیده ما این اقلیت سیاسی در حوادث فتنه سال‌های پس از ارتحال امام امت، ضمن فاصله گرفتن با خط ایشان از جمله خواص مردود شده اند و هر چند باید با آنها کار کرد و تا وقتی در برابر خط ولایت قرار نگرفته اند، می‌توانند در اجزای به تناسب توانایی‌هایشان حضور یابند، اما به دلیل اختلافات مبنایی که بین این دو تفکر وجود دارد، بر اساس اساسنامه فراکسیون اصولگرایان، ما باید همواره فاصله خود را با آنها حفظ کنیم.»

در ادامه این نامه نویسندگان به مشتت شدن اصولگرایان در مجلس اشاره می‌کنند و می‌نویسند: «بر ما نیک روشن شده که وجود روحیه معامله‌گری در ریاست محترم مجلس، اندک اندک این جایگاه را به وادی تعامل با اندیشه‌ها و نحله‌های مختلف فکری و سیاسی در مجلس پیش برده تا جایی که جریان اصولگرایی مجلس علیرغم برخورداری از اکثریت آرا، به اقلیتی مشتت تبدیل شد به طوری که اکنون نمی‌توان نتیجه تصمیمات مجلس در خصوص حوادث و وقایع مختلف و از جمله درباره طرح‌ها و لوایح مهم و اساسی کشور را پیش بینی کرد و به همین دلیل تصمیماتی را از سوی مجلس اصولگرا شاهدیم که خود نمایندگان اصولگرا و اکثریت حامیان آنها در جامعه را انگشت به دهان می‌کند.»

نویسندگان نامه می‌افزایند: «تغییر در رفتار ریاست محترم مجلس از همان وقتی برایمان

عجیب بود که می‌دیدیم آقای لاریجانی با استفاده از شیوه‌هایی خاص به دنبال همراه کردن نمایندگان محترم با خود است؛ داستان پر سر و صدای اعطای وام صد میلیونی به نمایندگان که متأسفانه به دلیل عدم مدیریت صحیح و با توجه به وجود مشکلاتی که حل آنها وظیفه هیئت رئیسه بود و نه نمایندگان تا دامن آنها از آلوده شدن به انواع و اقسام اتهامات مصمون ماند و شأن آنها حفظ شود، آغاز ماجرا بود.»

در این این همچنین آمده است: «حاکم شدن خوی اشرافی و ریخت و پاش در بخش‌های مختلف اداری و ظاهری مجلس، بر خلاف دوره دکتر حداد عادل و مشی دولت فعلی که توانسته برخی از ارزش‌های مرده را مجددا زنده کند و همچنین عدم توجه به تذکرات خصوصی و عمومی برخی از نمایندگان، روز به روز این حس را در ما بیشتر تقویت می‌کند. متأسفانه علیرغم گذشت بیش از یک سال و چهار ماه از شهریور سال قبل و علیرغم تذکر چندباره نمایندگان هنوز گزارش عملکرد مالی مجلس در سال ۸۷ و همچنین سال ۸۸ که بر اساس آیین نامه داخلی تا شهریور ماه هر سال باید ارائه شود، ارائه نشده است و از تذکرات چندین باره ما نیز با بی تفاوتی رد می‌شوند.^(۱)»

از اینجای نامه به بعد نویسندگان نامه نکاتی را در خصوص تعامل نداشتن مجلس و دولت مطرح می‌کنند که همین نکات به نوعی از سوی رهبر انقلاب مثلاً در مورد برخورد غلط مجلس با وزیرای دولت تایید و مجددا مطرح می‌شود.

نتیجه اینکه بیان عبارت "حتی المقدور نگذارید متشتت شود" از سوی رهبری ناظر به وضعیتی است که اعضای فراکسیون انقلاب اسلامی توضیح دادند در اثر عملکرد ریاست مجلس ایجاد شده است. رهبر انقلاب در مقابل از اعضای فراکسیون می‌خواهند به نوبه خودشان برای از بین رفتن این تشتت کمک کنند. در بیان رهبری مقصود از "همان کسی را که شما می‌گویید این مواضع را گرفته که نباید می‌گرفت"، علی لاریجانی ریاست مجلس است. ایشان می‌فرمایند تلاش کنید با اغماض و اتحاد، مواضع علی لاریجانی را به خود نزدیک کنید و بعد هم می‌فرمایند متقابلاً سفارش‌هایی که به نظرشان می‌رسد به ریاست مجلس انتقال خواهند داد.

پس از درک نقطه نظر رهبر انقلاب سوال این است که آیا بیان ایشان که در فضای کنونی مجلس و برای حل تشتت کنونی مطرح شده است را می‌توان به انتخابات مجلس و لزوم اغماض برای روی کار آمدن دوباره علی لاریجانی تعمیم داد؟! قطعاً چنین نیست. رهبر انقلاب می‌فرمایند برای مدیریت مشکلات کنونی مجلس شما هم تلاش کنید؛ من هم متقابلاً تذکر می‌دهم. این بدین معنی نیست که در انتخابات به گونه‌ای عمل شود که باز همین مشکلات در مجلس پیش بیاید! اساساً تعمیم بیان رهبری به انتخابات درست نیست.

حمید رسایی در پاسخ به علیرضا زاکانی که با استناد به این بیانات رهبری تلاش



حمیدرسایی: مامی گوئیم
الان وقت وحدت نیست.
وحدت را یک ماه دیگر
هم می‌شود انجام داد.
اگر آنها استراتژی‌شان
عوض شد و جدی
آمدند در صحنه، ما هم
استراتژی خودمان را
عوض می‌کنیم... اگر ما
وحدت کرده بودیم، فشار
اینها به آقا و نظام بیشتر
می‌شد.

کرده بود لزوم پیوستن جبهه پایداری به ۷+۸ را اثبات نماید، چنین می‌نویسد: «بی شک اگر توصیه رهبری معظم انقلاب اسلامی نبود، اعضای فراکسیون انقلاب اسلامی قصد داشتند تا در انتقاد از عملکرد غیراصولگرایانه این فراکسیون و به‌ویژه ریاست آن، در همان روزها از این فراکسیون خارج شوند و تنها بیانات رهبری معظم انقلاب ما را از این تصمیم بازداشت. با این حساب آیا می‌توان توصیه به وحدت حول ارزش‌ها را و لو با اغماض به ساز و کار پرائنقاد ۷+۸ در انتخابات آتی تعمیم داد. به‌ویژه که در روزهای اخیر، امام خامنه‌ای در جمع دانشجویان کرمانشاه برای اولین بار به صراحت عنوان کردند: "ما با حزب مطلقاً مخالفی نداریم و معتقدیم حزب با وحدت جامعه منافاتی ندارد به شرط آنکه با نگاه درست ایجاد شود. اگر حزبی برای کانال‌کشی و کادرسازی و هدایت فکری جامعه در زمینه‌های سیاسی، دینی، عقیدتی و دیگر عرصه‌ها به وجود آید و قصد خود را در دست گرفتن قدرت قرار ندهد، کاری خوب و مورد تأیید است که البته اینگونه احزاب، اگر در رقابتهای سیاسی هم وارد شوند، به طور طبیعی برنده میشوند ولی برخی احزاب مانند احزاب کنونی غرب در واقع باشگاههایی برای کسب قدرت هستند و سعی می‌کنند از هر طریق از جمله زد و بند سیاسی به قدرت برسند که ما اینگونه حزب را تأیید نمی‌کنیم اما اگر کسانی با همین نگاه دنبال تشکیل حزب باشند، جلوی آنها را نمی‌گیریم.»^(۱)

۱۸- گفته می‌شود آیت الله مهدوی از سوی رهبری مأموریت به ایجاد وحدت داشته‌اند و ایشان حتی از آقای مهدوی در یک برهه دلجویی کرده‌اند. با این توصیف ایستادن جلوی آقای مهدوی ایستادن در مقابل رهبری نیست؟ گفته می‌شود آقای حداد هم از قول رهبری نقل قولی مبنی بر ضرورت وحدت داشته‌اند.

رهبر انقلاب هیچ‌گاه مأموریتی برای ایجاد وحدت به آیت الله مهدوی کنی ندادند. ماجرای اظهار نظر ایشان در مورد وحدت که آقای حداد هم به آن اشاره کرده‌اند، به

مدتها قبل برمی گردد. قبل از خانه نشینی احمدی نژاد جمعی در مورد وحدت اصولگرایان خطاب به رهبر انقلاب نامه نوشتند که از جمله این افراد مهندس محصولی بود. آن زمان هنوز مسئله جریان انحرافی در این سطح مطرح نبود. رهبر انقلاب از احمدی نژاد خواستند همکاری کند تا جریان وحدت اصولگرایان تحقق پیدا کند. آن زمان آقایان حداد عادل، عسکراولادی و ولایتی به پیشنهاد رئیس جمهور مأمور پیگیری وحدت شدند و جامعین هم محور قرار گرفتند. بعد از مسئله خانه نشینی احمدی نژاد راه اینها از رئیس جمهور جدا شد و کسانی که حامی احمدی نژاد بودند اما با جریان انحرافی زاویه داشتند هم نادیده گرفته شدند. کم کم از آن وحدت که یک اصل کلی و مورد قبول همه بود و حتی صادق محصولی هم در آن دخالت داشت، ترکیب غیر قابل توجیه شکل گرفت که با عنوان ۷+۸ مشهور شد. رهبری هیچ گاه تاییدی نسبت به این ساختار نداشتند.



حمید رسایی در این خصوص می گوید: «ما واقعا هیچ کدی، نشانه‌ای، پیامی نداریم که آقا گفته باشند همه بروید در ۷+۸. بله آقا فرموده‌اند وحدت خوب است. مگر ما می‌گوییم بد است؟ ما بیشتر دلمان برای وحدت می‌سوزد. ما می‌گوییم این شکل و این قالب، وحدت به دنبال خودش نمی‌آورد. اینها قطعا سرمایه می‌گذارند بر روی عباسپور و کاتوزیان و... البته این مسئله در تهران است. در شهرستان‌ها خیلی جاها مشکلی نیست. اصلا بعضی نمایندگان شهرستان دنبال این نیستند که در لیستی قرار بگیرند.»

لنکرانی: کسی نباید بگوید رهبری علنی این را گفتند ولی پشت پرده چیز دیگری گفتند. این خیلی کار زشتی است که بعضی‌ها در این ایام دنبال می‌کنند و فضای کشور را به این سمت می‌برند که اشتباه‌ها و خطاهای خودشان را تبدیل به هزینه برای نظام کنند، خیلی کار بدی است.»

از سوی جبهه پایداری گزارشی به رهبر انقلاب به صورت شفاهی داده شد که اگر آقا نظری مبنی بر نهی داشتند، مطرح کنند. مقام معظم رهبری هم در دیدارهایی که چهره‌های مختلف با ایشان داشته‌اند یا در جواب نامه اعضای جبهه پایداری از ورود این جبهه به عرصه انتخابات نهی نکردند و فرمودند در حال رصد وضعیت کشور هستند. آقای علم‌الهدی این مسئله را از رهبری می‌پرسد، از ایشان برای کاندیداتوری سوال می‌کند و توضیح می‌دهد که کاندیداتوری ممکن است اختلاف‌هایی ایجاد کند. رهبری در پاسخ به سوال ایشان صرفا می‌فرمایند در حال رصد وضعیت کشور هستند.

در مورد آیت الله مهدوی کنی هم ماجرا به حضور چند

الله مهدوی کنی در منزل ایشان مربوط می‌شود. در این دیدار خانواده حجت الاسلام و السلمین پناهیان هم بلافاصله بعد از حضور رهبر انقلاب در جریان قرار می‌گیرند و با حضور آنها خطبه عقد میان پسر حجت الاسلام میرلوحی و دختر حجت الاسلام پناهیان هم توسط رهبر انقلاب جاری می‌شود.

در آن دیدار آیت الله مهدوی با گلایه در مورد مسائل انتخابات طرح بحث می‌کند و از احتمال کناره‌گیری خود از دخالت در مسائل انتخابات سخن می‌گوید. رهبری در خصوص مسائل مطروحه قریب به این عبارات می‌فرماید شما هستید دیگر! ناز می‌کنید ولی ما ناز آقای مهدوی را هم می‌خریم. در این جلسه آقای پناهیان حضور داشته است. همین آقای پناهیان مصاحبه می‌کند و می‌گوید اگر کاندیدا شوم در لیستی که در آن ساکتین فتنه حضور داشته باشند، نمی‌روم. این نشان می‌دهد تلقی آقای پناهیانی که در آن جلسه بوده هم چیزی نیست که برخی برای مصادره کردن نظر و رأی رهبری بیان می‌کنند.

مگر در انتخابات‌های قبل نگفتند نظر رهبری با ناطق است؟ مگر نگفتند نظر رهبری با قالیباف است؟ از این آسمان به ریسمان بافتن‌ها چه کسی تا کنون سود برده؟ دشمن نمی‌گوید این چه کشوری است که مردم در آن هر بار دقیقا بر عکس نظر رهبرشان عمل می‌کنند؟! آیا این انتساب‌ها به رهبر انقلاب در عمل وهن ایشان و انقلاب نیست؟

رهبری هیچ‌گونه تاییدی نسبت به ساز و کار کنونی ۷+۸ نداشته‌اند و به همین نسبت هیچ‌گونه نهی‌ای در مورد ورود جبهه پایداری نداشته‌اند. تاکید ایشان بر روی وحدت و نقل قول‌هایی که از سوی آقای حداد عادل بعضا شده است نیز مربوط به قبل از خانه‌نشینی احمدی‌نژاد و فضای آن موقع است نه فضای کنونی. با وجود اینکه برخی تلاش کردند از رهبری بیانی مبنی بر ضرورت وحدت در این شرایط و نهی از ورود جبهه پایداری در عرصه انتخابات بگیرند، ایشان اما هیچ بیانی در این راستا نداشتند. البته نظر ایشان برای جبهه پایداری فصل الخطاب بوده و هست.

علاوه بر اینکه بر فرض دستور رهبری بر وحدت بوده باشد. باید ساز و کار وحدت فراهم شود. نه اینکه برخی ساز و کاری را ببندند و حرف خود را مطلق تلقی کنند. در واقع اگر با این فرض هم بخواهیم قضاوت کنیم، بر هم زندگان وحدت دوستان ۷+۸ هستند. آیت الله مصباح یزدی در این خصوص می‌فرماید: «گاهی کسانی از شعار وحدت استفاده می‌کنند، معنایش این است که هر چه من می‌گویم، همه قبول کنید تا وحدت ایجاد شود. این نوع وحدت می‌شود عین دیکتاتوری. چون اگر

این کاری که می‌گوییم قبول نکنید، من کنار می‌روم، دیگر وحدت نمی‌شود، شما تابع من شوید تا وحدت شود.^(۱)»

۱۹- آیا احتمال وحدت جبهه پایداری با ۷+۸ وجود دارد؟ آیا جبهه پایداری در تهران و استان‌ها به یک شکل عمل می‌کند یا ممکن است تصمیم متفاوتی بگیرد؟ آیا جبهه پایداری لزوماً در همه مناطق لیست خواهد داد؟

جبهه پایداری با بررسی استراتژی جریان انحرافی و جریان فتنه و نیز بسته به اقتضای هر استان در مورد نحوه حضور خود تصمیم خواهد گرفت. حمید رسایی در این خصوص تصریح می‌کند: «ما می‌گوییم الان وقت وحدت نیست. وحدت را یک ماه دیگر هم می‌شود انجام داد. اگر آنها استراتژی‌شان عوض شد و جدی آمدند در صحنه، ما هم استراتژی خودمان را عوض می‌کنیم. واقعا تا الان وقتش نبود. اگر ما وحدت کرده بودیم، فشار اینها به آقا و نظام بیشتر می‌شد. می‌پرسیدند اینها وحدت در برابر چه کسی کردند. خودتان به خودتان نمی‌خندید؟ باید از طرف مقابل هم پس اجازه بدهیم کسی بیاید. وقتی وحدت کردید هم که نمی‌توانید به هم بزنید.»

جبهه پایداری معتقد است با شیوه ۷+۸ شاید بشود در آن بالا وحدت کرد ولی در پای صندوق بین بدنه جریان اصولگرایی وحدت ایجاد نمی‌شود. در واقع حتی اگر ضرورت ارائه لیست مشترک و وحدت را بپذیریم و مسائلی چون ضرورت ایجاد رقابت برای ایجاد مشارکت حداکثری در فقدان حضور جدی اصلاح‌طلبان را در نظر نگیریم، باید بگوییم وحدت این گونه که در ۷+۸ پیگیری می‌شود، ممکن نخواهد شد و بدنه انقلابی پای این وحدت نخواهد آمد. علاوه بر اینکه خروجی وحدت روی افراد همان خروجی مجلس هشتم می‌شود؛ یعنی وقف دانشگاه آزاد و یک سال و ۴ ماه معطلی طرح نظارت.

چنانکه گفته شد جبهه پایداری به اقتضای استان تصمیم می‌گیرد. در تهران چون حضور چهره‌های اصلاح‌طلب جدی نیست و ارائه لیست توسط جریان انحرافی هم بعید به نظر می‌رسد و یا در استان‌هایی که به همین نسبت حضور فتنه‌گران جدی نیست جبهه پایداری به گونه‌ای تصمیم خواهد گرفت و در استان‌های دیگری که حضور رقیب اصلاح‌طلب جدی است، به گونه‌ای دیگر.

نکته دیگر اینکه جبهه پایداری با توجه به شأن گفتمانی خود برای کاندیداهایی که از آنها حمایت می‌کند شرایط و حداقل‌هایی قائل است و لزوماً قصد ارائه لیست در همه مناطق را ندارد. در واقع جبهه پایداری بنا نیست با این رویکرد که بتواند بعداً بگوید چند درصد رأی آورده، اکنون از هر کسی حمایت کند و عنوان جبهه پایداری را پای کسانی که

واقعا در فضای این گفتمان نیستند، قربانی نماید. ورود جبهه پایداری به فضای انتخابات سیاسی کارانه نیست. اگر جبهه پایداری احساس کند جایی کاندیداها در سطحی نیستند که بخواهند مورد حمایت مستقیم پایداری قرار بگیرند، صحنه فعالیت را برای سایر جریان‌ها باز خواهد گذاشت و از معرفی کاندیدا پرهیز خواهد نمود.

در واقع جبهه پایداری برای ارائه لیست در هر استان پارامترهای مختلفی را لحاظ خواهد کرد که از جمله آنها اقتضاء شرایط استان با توجه به حضور کاندیداهای رقیب و نیز شرایط کاندیداهای اصولگرا خواهد بود.

۲۰- آیا برخوردی که برخی اصولگرایان خصوصا اعضای رهپویان و اینارگران با بیانات رهبری داشته‌اند، نوعی سوء استفاده از فرمایشات ایشان نیست؟



همین طور است. درست به همین دلیل بود که دکتر لنکرانی در همایش جبهه پایداری در استان فارس از خطر تحمیل گری، دروغ گویی و هزینه از رهبری برای منافع شخصی سخن به میان آورد. لنکرانی تصریح کرد: «بنده گمان می‌کنم این عنوانی که برای این همایش انتخاب شده که "لیک یا خامنه‌ای" است، برای همه ما الزاماتی را به بار می‌آورد؛ مهم‌ترین الزام این است که ما در صحنه عمل اجتماعی اعلام می‌کنیم که رهبر معظم انقلاب اسلامی، ما برای خودمان، گروه‌مان و نظرم‌ان استقلالی قائل نیستیم، ما افتخارمان این خواهد بود که بتوانیم منویات شما را دنبال کنیم و بتوانیم ببینیم که شما انگشت اشارات‌تان کجاست و ما همان را دنبال کنیم. افتخارمان این است که ما جزو تحمیل‌گران به شما و جزو آن گروهی نباشیم که بخواهیم منویات خودمان را به شما تحمیل کنیم، بلکه جزو آن‌هایی باشیم که برای شما معونه (کمک‌کار) هستند نه هزینه.»

محصولی: داور باید مرضی‌الاطراف باشد نه اینکه اول هفت نفر به عنوان داور انتخاب شود، بعد بیایند و بگویند نفرات دعوا را تعیین کنیم، به نظر شما جالب نیست؟ حتما هست!

وی افزود: «خیلی بد است که یک عده‌ای از رهبری

برای خودشان هزینه می‌کنند و برای رهبری و نظام هزینه ایجاد می‌کنند. خوب دارید یک کاری می‌کنید، بروید کار خودتان را بکنید، چرا هر کاری می‌کنید، می‌گویید که ما طبق نظر رهبری عمل می‌کنیم. بعضی وقت‌ها هم دروغ گفته می‌شود، متأسفانه بعضی ادعاهای کاذب را ما در این ایام می‌شنویم، وقتی از آنها می‌پرسیم که چرا این کار را

می کنید، پاسخ می دهند به ما گفته اند؛ این که دلیل نشد. رهبر معظم انقلاب در دیدار دو سال پیش با دانشجویان صریح فرمودند که کسی از قول من حرف خصوصی نقل نکند. من آنچه که لازم باشد مردم بدانند، خودم بیان می کنم. کسی نباید بگوید رهبری علنی این را گفتند ولی پشت پرده چیز دیگری گفتند. این خیلی کار زشتی است که بعضی ها در این ایام دنبال می کنند و فضای کشور را به این سمت می برند که اشتباه ها و خطاهای خودشان را تبدیل به هزینه برای نظام کنند، خیلی کار بدی است.»

لنکرانی ادامه داد: «ما داریم بلند اعلام می کنیم که وظیفه ما در جبهه پایداری انقلاب اسلامی این است که خودمان را برای رهبری هزینه کنیم. رهبری اگر فرمودند نظر من این است، ما باید خودمان را با نظر رهبری تطبیق دهیم، نه اینکه بخواهیم نظر رهبری را یک طوری توجیه کنیم که کارهای خودمان در این وسط به نتیجه برسد. اینها برای ما بار تکلیفی دارد و باید خودمان را با این شاقول تنظیم کنیم.»^(۱)

متأسفانه این نوع بهره برداری جناحی از مواضع رهبری مسبوق به سابقه است. مگر در انتخابات های قبل نگفتند نظر رهبری با ناطق است؟ مگر نگفتند نظر رهبری با قالیباف است؟ از این آسمان به ریسمان بافتن ها چه کسی تا کون سود برده؟ دشمن نمی گوید این چه کشوری است که مردم در آن هر بار دقیقاً بر عکس نظر رهبرشان عمل می کنند؟! آیا این انتساب ها به رهبر انقلاب در عمل وهن ایشان و انقلاب نیست؟

سوء استفاده ها از فرمایشات رهبری در حالی بود که ایشان هر بار تصریح می کردند من نظری در مورد کاندیداها ارائه نکرده و نخواهم کرد. این سوء استفاده ها اما به جایی رسید که ایشان صریحاً واکنش نشان دادند و فرمودند رهبری مواضع درگوشی ندارد. ایشان تصریح کردند: «مبادا کسی تصور کند که رهبری برخلاف آنچه به عنوان نظر رسمی مطرح می کند، مواضع دیگری دارد که به برخی خواص می گوید. چرا که این تصور مطلقاً درست نیست و اگر کسی چنین نسبتی بدهد، گناه کبیره کرده است. مواضع و نظرات اینجانب صریحاً اعلام می شود و نه جایز و نه شایسته است که رهبری، مواضع دیگری جز این مواضع علنی و صریح داشته باشد.»

۲۱- آیت الله مهدوی در جایی گفته اند نظر رهبری پافشاری بر اصول و قانون اساسی و انقلاب و اسلام و رهبری است و حتی گفته اند اصلاح طلب هایی که اقرار به اشتباه کرده اند هم نباید طرد شوند. ایشان گفته اند اگر رهبری را قبول دارید حرف رهبری این است و باید به آن عمل کنید.

بیان آیت الله مهدوی این است: «من می گویم اگر رهبر را قبول دارید، ایشان می گویند

هر کس آمد و گفت من این اصول و قانون اساسی و انقلاب و اسلام و رهبری را قبول دارم، حتی اگر اختلاف سلیقه با من هم دارد، نباید از انقلاب طرد شوند. پرسیدیم اصلاح طلب‌ها چطور؟ گفتند اگر آمدند و اقرار به اشتباه کردند، مسئله‌ای نیست، ولی نه اینکه بگویند ما می‌خواهیم بیاییم در انتخابات و از نان پخته شده استفاده کنیم. بیایند و بگویند ما در برهه‌ای اشتباه کردیم و حالا هم فهمیده‌ایم و دیگر نمی‌خواهیم آن اشتباهات را تکرار کنیم.^(۱) اگر رهبری این گونه گفته‌اند چرا آقای مهدوی دایره وحدت را گسترده‌تر نمی‌کنند که در آن اصلاح طلبانی که اقرار به اشتباهشان کرده‌اند هم بگنجند؟! رهبری فرمودند اینها نباید طرد شوند. نگفتند اصول را کلا کنار بگذارید و بروید با اینها وحدت کنید! و بعد آنها را هم در رأس وحدت قرار دهید!

۲۲- آیا ۸+۷ به منویات مقام معظم رهبری در عمل توجه کرده است؟

خیر. مگر مقام معظم رهبری فرمودند سران قوا در انتخابات دخالت نکنند؟ ایشان در دیدار هشتم خرداد ماه با نمایندگان مجلس فرمودند: «من می‌خواهم سفارش کنم که مسئولین کشور مراقب باشند احترام انتخابات را نگه دارند. هم مجلس، هم دولت، هم قوه قضائیه، احترام انتخابات را نگه دارند. اگر کسی به انحای مختلف دخالت کند، هیچ روا نیست، جایز نیست. باید مردم بر طبق روال قانونی ببینند، تشخیص بدهند، بشناسند و انتخابات انجام بگیرد.» چرا و با کدام منطق یکی از سران قوا در ترکیب ۸ نفره باید نماینده داشته باشد و بقیه سران قوا نداشته باشند؟! مگر رهبری از تعبیر صاحبان ثروت و قدرت استفاده نکردند؟ مهندسی محصولی در این خصوص می‌گوید: «ما می‌گوییم رهبری فرمودند که قوا در انتخابات دخالت نکنند و احترام انتخابات را داشته باشند. خب اگر یکی از روسای قوا یک نماینده داشته باشد روسای قوای دیگر هم می‌توانند مدعی داشتن نماینده باشند و این درست نیست و ما روی این موضع مقام معظم رهبری تاکید داریم و از این اصل کوتاه نمی‌آییم؛ شاید از افراد کوتاه بیاییم و بگذریم، شاید از ترجیحات کوتاه بیاییم اما از مواضع رهبری و منویات ایشان و از اصول کوتاه نمی‌آییم.»^(۲)

مرتضی آقاتهرانی نیز می‌گوید: «ما دوست داریم اعضای جبهه متحد به اصولی که خودشان گفتند و منشوری که تدوین کردند پایبند باشند. اصل اولیه مورد قبول ما هم تبعیت بدون چون و چرا از مقام ولایت است اما ممکن است ما احساس کنیم خواسته‌های مقام معظم رهبری در مواردی تامین نشده که البته دوستان می‌گویند تامین شده است.»^(۳) در واقع

(۱) خبرآنلاین ۱۳ آذر ۹۰

(۲) خبرآنلاین ۹۰/۷/۱۶

(۳) خبرآنلاین ۹۰/۸/۳۰

از فضای موجود چنین برمی آید که برخی اصل وحدت و منویات رهبر انقلاب را به نفع خود و برای رسیدن به مصالح خود یا مصالح جریاناتی خاص مصادره کرده‌اند و حاضر به کوتاه آمدن از اشتباهاتی که اتفاقا با اصول خودشان یعنی منشور اصولگرایی در تناقض است هم نیستند.

۲۳- چه انتقادات دیگری به ۷+۸ و نحوه شکل‌گیری آن وارد است؟

یکی از مشکلات به نحوه شکل‌گیری گروه مرضی‌الاطراف برمی‌گردد. مهندس محصولی می‌گوید: «در دوره قبل، قرار این بود که غیر از جبهه متحد کسی لیست ندهد و یکی از اعضای ۵+۶ بنده حقیر بودم. شش نفر به عنوان اجرایی داشتیم و پنج نفر که با اجماع شش نفر برای حکمیت انتخاب شده بودند؛ حکم یعنی داور و داور دعوای بین آن‌هایی را که اختلاف دارند، حل می‌کند. منتهی داور باید مرضی‌الاطراف باشد نه اینکه اول



محصولی: بعد می‌بینیم که یکی از آقایان آمده و بر خلاف واقع، اخباری را منتشر کرد. خب باز هم ما چیزی نگفتیم که این مسائل چطور بوده است. اگر بخواهیم بگوییم یک جمله کافی است که نوار مذاکرات آن جلسه را منتشر کنند.

هفت نفر به عنوان داور انتخاب شود، بعد بیایند و بگویند نفرات دعوا را تعیین کنیم، به نظر شما جالب نیست؟ حتما هست! یعنی چند نفر اول به عنوان حکم تعیین شوند، بعد اضلاع را تعریف کنند، در حالی که این اضلاع باید حکم را تعیین کنند، چون می‌خواهند به حکم آن‌ها پایبند باشند. این مسئله در ۵+۶ اتفاق افتاد و با اجماع سه ضلع پنج نفر را به عنوان حکم انتخاب کردند.^(۱)

مسئله دیگر که عمده‌ترین مسئله نیز هست، حضور برخی چهره‌ها در رأی ترکیب ۷+۸ است. آقاه‌تهرانی می‌گوید: «صحبتی که افراد جبهه پایداری دارند این است که حضور برخی افراد در کمیته ۷+۸ چه توجیهی دارد. ما معتقدیم حضور آنان با ساختاری که خود آقایان قبلا بیان کردند همخوانی ندارد.^(۲)»

روح الله حسینیان می‌گوید: «یکی از کسانی که ما نسبت به حضورش در ۸+۷ اعتراض داریم، آقای باهنر است.

ما باهنر را اصولگرا می‌دانیم، اما معتقدیم در مرکزیت جبهه اصولگرایی که می‌خواهد اصولگرایی واقعی را به مردم معرفی کند، باید کسی باشد که در جریان فتنه حداقل نمره ۱۷

و ۱۸ کسب کرده باشد.^(۱) جبهه پایداری معتقد است از این نوع وحدت ترکیبی متفاوت از ترکیب مجلس هشتم حاصل نخواهد شد.

پاسخ آیت الله مهدوی کنی هم به اشکالات فوق در نوع خود قابل توجه است. آیت الله مهدوی کنی می گوید: «...منظور این است که می گویند فلانی این جا هست نباید باشد و این که فلانی باید باشد و من می گویم که نباید از سوابق افراد نبش قبر کنند، چون نبش قبر در اسلام حرام است. پس مقصود من این بود که نبش قبر نکنند بلکه جنبه های مثبت افراد را بنگرند تا از نیروهای مفید بتوانیم استفاده کنیم. همانطور که مقام معظم رهبری در جذب حداکثری تاکید داشتند بتوانیم نیروهای خوب را جذب و بعضی نقاط ضعف را با کار جمعی اصلاح کنیم.»^(۲)

محمد جواد ابطحی در مقابل می گوید: «برخی ها معتقدند که جبهه پایداری خرده گیری می کند، اما در واقع این طور نیست، زیرا ما معتقدیم نباید غفلت کرد، چون اگر غفلت کنیم احتمال دارد کسانی که هیچ گونه اعتقادی به خط مشی اصولگرایی ندارند به نام اصولگرایی در مجلس روی کار بیایند و تیشه به ریشه اصولگرایی بزنند»^(۳).
رئیس مجلس خبرگان در خصوص تناقض بین منشور اصولگرایی و شاکله ۷+۸ نیز معتقد است: «قبول دارم هر کس که مردود است نباید در ترکیب ۷+۸ قرار گیرد، اما باید دید مردود چه کسی است!»^(۴)

۲۴- اگر وحدت با این سیاق مورد قبول نیست، چرا همین اعضای جبهه پایداری در ماجرای انتخابات مجلس هشتم به وحدت تن دادند؟

حجت الاسلام و المسلمین جلالی با یادآوری روایت "المؤمن کیس" و با بیان اینکه مومن از یک سوراخ دوبار گزیده نمی شود، در این خصوص می گوید: «ما یک مرتبه در مجلس هشتم سرمان کلاه رفت، در این مجلس به دنبال لیست واحد بودیم و نتیجه آن را هم در قانون نظارت بر نمایندگان و وقف دانشگاه آزاد دیدیم.»^(۵)

قاسم روانبخش نیز معتقد است: «ساز و کار جبهه متحد اصول گرایی در انتخابات مجلس هشتم موجب شد که اصول گرایانی که در سال ۸۴ در ابتدا از فردی غیر از احمدی نژاد حمایت می کردند، موفق به حضور در مجلس هشتم بشوند و مع الاسف در موارد متعددی با اقلیت مجلس یعنی اصلاح طلبان نیز به تفاهم می رسیدند ولی در برابر دولت موضع داشتند.»

(۱) رجانیوز ۱۳ آبان ۹۰

(۲) خبرآنلاین ۹۰/۸/۲۹

(۳) ایسنا ۹ آذر ۹۰

(۴) خبرآنلاین ۹۰/۷/۱۳

(۵) رجانیوز ۱۱ آبان ۹۰

وی همچنین می‌افزاید: «گذشته از این برخی از آن‌ها در مواردی، غیر ولایی بودن خود را به نمایش گذاشتند. سازماندهی بدنه عظیم اصول‌گرایی در کشور منهای احزاب سیاسی می‌تواند مجلسی را رقم بزند که دغدغه اصلی آن موفقیت‌های حزبی نیست بلکه عملیاتی کردن دغدغه‌های رهبری و رفع نگرانی‌های معظم له برای کشور است. از این رو همه نیروهای ارزشی و اصولگرایان واقعی در کشور باید برای تحقق این امر مهم یعنی مجلسی که نمایندگان آن مدرس گونه باشند تلاش کنند»^(۶).



جبهه پایداری حتی در صورت جدی شدن انتشار لیست جداگانه، تصمیمی برای معرفی کاندیدا در همه استان‌ها ندارد. در استان‌ها هم اولویت بر روی وحدت است و این جبهه می‌کوشد بر سر چهره‌های اصولگرا و مورد قبول با سایر جریان‌ها به اتفاق نظر برسد.

در خصوص وحدت در آن برهه باید متناسب با شرایط روز کشور قضاوت کرد. شرایطی که در آن لاریجانی یک چهره انقلابی و اصولگرا به شمار می‌آید و هنوز شناخت این چنینی از خیلی از چهره‌ها وجود نداشت. با این حال باید پذیرفت که ثمره آن نوع وحدت چنین مجلسی شد.

۲۵- آیا درخواست‌های جبهه پایداری از ۷+۸ و بسنده نکردن به سهمیه دو نفره در ترکیب ۸ نفر، نشانه سهم‌خواهی نبود؟

با این نوع اتهام‌زنی می‌شود خیلی از انقلابیون را در طول تاریخ متهم کرد! نمی‌شود گروه قابل توجهی را حذف کنیم، به جای تن دادن به منشور اصولگرایی و اصول‌گفتمانی، به ساز و کار حزبی و قبیله‌گرایی تن دهیم و بعد وقتی دلسوزان گفتمان انقلاب از این وضعیت ابراز نارضایتی کردند، راهکارهایشان را برای اصلاح ارائه کردند و خواستند برای اصلاح پیشقدم شوند، آنان را سهم‌خواه بخوانیم. جبهه پایداری یک حزب نیست. جبهه‌ای است که معتقد است باید برای احیای گفتمانی که می‌رود تا به پای منافع حزبی و قبیله‌ای قربانی شود، قیام کرد. اصل برای جبهه پایداری هم حفظ اصول و محور قرار گرفتن منشور اصولگرایی است. اگر در جایی برای دفاع از حق حضور خود اقدامی کرد نیز تنها برای حفظ اصول بود.

کسانی که در ارتباط به چهره‌های جبهه پایداری هستند، می‌دانند بسیاری از چهره‌های این جریان با اصرارها و التماس‌های مداوم دلسوزان انقلاب حاضر به کاندیداتوری شده‌اند. اساساً یک مشکل در این جریان عدم تمایل چهره‌هایش به کاندیداتوری بود. در آخر

هم بسیاری چهره‌ها نظیر محصولی، الهام، لنکرانی، پناهیان، سعید قاسمی و... کاندیدا نشدند و روح الله حسینیان هم با اصرارهای فراوان در روز آخر ثبت نام کرد. انتصاب سهم خواهی و قدرت طلبی به این جریان با چنین شرایطی روا نیست.

۲۶- چرا جبهه پایداری با وجود دعوت‌های فراوانی که انجام شد، وارد مکانیزم ۷+۸ نشد و تلاش نکرد این مکانیزم را از داخل با کمک جریان‌هایی چون ایثارگران و رهپویان اصلاح کند؟

برخلاف آنچه وانمود می‌شود، چندان استقبالی از جبهه پایداری وجود نداشت. صادق محصولی می‌گوید: «ما با این آقایان یعنی با این هفت نفر جلسه داشتیم، بعد از جلسه از ما خواستند مطالب جلسه را به خاطر اینکه بعضی از دوستان کمیته هفت نفره حرف‌هایی را گفتند و فضای جلسه را خراب کردند و ما نتیجه نگرفته‌ایم، شما دیگر این‌ها را طرح نکنید، چون موجب خدشه وارد شدن به وحدت می‌شود و شما چیزی نگویند و ما هم گفتیم چشم. بعد می‌بینیم که یکی از آقایان آمده و بر خلاف واقع، اخباری را منتشر کرد. خوب باز هم ما چیزی نگفتیم که این مسائل چطور بوده است. اگر بخواهیم بگوییم یک جمله کافی است که نوار مذاکرات آن جلسه را منتشر کنند و ببینند چیزی خلاف وحدت گفته ایم یا نه؟ استدال قوی تر از این هست؟ مردم خود قضاوت می‌کنند.»^(۱)

برای درک آنچه در جلسه فوق‌الذکر گذشته است، بد نیست رجوعی به روایت آقای عسگراولادی از جلسه داشته باشیم. عسگراولادی در این جلسه احمدی‌نژاد را تشبیه به مصدق می‌کند و می‌گوید: «گفتم در روز ۲۸ مرداد که من شاهد بودم، وقتی عده‌ای جمعیت لُشوش از میدان‌های قزوین و گمرک و میدان امین‌السلطان حرکت کردند و آمدند جلوی سبزه‌میدان، یک تعدادی هم فاحشه‌های منطقه بدنام همراه اینها بودند. عرض کردم این لُشوش و این گروه تا سبزه‌میدان که آمدند شعارشان این بود: "هم شاه، هم مصدق". وقتی در سبزه‌میدان دیدند از بازار که مرکز حمایت از جبهه ملی و مصدق بود، هیچ خبری نشد شعار را عوض کردند و شد: "مرگ بر مصدق، جاوید باد شاه" و از آنجا به جانب شمال تهران حرکت کردند و رفتند باختر امروز و کیهان را آتش زدند و هیچ کار دیگری به نفع دکتر مصدق در آن روز، غیر از سرهنگ ممتاز انجام نشد.»

عسگراولادی می‌گوید: «بعد من عرض کردم که شرایط ما نباید تکرار گذشته باشد. بعضی از آقایان به شدت بنده را محکوم کردند که به ما توهین و ما را با فاحشه یکی کردی و صحبت‌هایی از این قبیل آنجا کرد. مطلقاً چنین چیزی از صحبت من در نمی‌آمد.»^(۲)

(۱) رجانویز ۱۶ مهر ۹۰

(۲) خبرآنلاین ۹۰/۸/۲۱

به نظر می‌رسد این عبارات ولو آنکه راوی آن آقای عسگر اولادی باشد، نشان دهنده فضای جلسات برگزار شده باشد. علاوه بر اینکه آخرین پیشنهاد جبهه پایداری که شکل‌گیری ترکیب ۲+۲ برای حل اختلافات بود در نهایت بی‌پاسخ ماند.

جبهه پایداری معتقد است از کوزه همان تراود که در اوست. وقتی در رأس وحدت ترکیب اعضا این گونه بسته شده است، هر میزان تلاش شود، در لیست‌ها نیز همین فضا تسری پیدا خواهد کرد. علاوه بر اینکه آقایان زاکانی و فدایی هیچ‌گاه حاضر به روشن کردن مرزبندی خود با جریان قالیباف نشدند. به عبارت دیگر در نفی برخی جریانات مورد انتقاد جبهه پایداری طبیعی بود که همراه نباشند. در چنین شرایطی حضور جبهه پایداری صرفاً در حکم مشروعیت بخشیدن به وحدتی باطل بود.

موضع آیت‌الله مهدوی که در رأی وحدت بودند هم چیزی نبود که پنهان باشد. او در گفتگو با مجله پاسدار اسلام، با اشاره به اینکه یکی از اعضای جبهه پایداری، به وی گفته است "ما شما را خیلی قبول داریم"، گفت: «من هم به او گفتم "شما می‌خواهید مرا مثل بودا کنید!" بودا یک مجسمه است و بودائی‌ها می‌روند و پایش را می‌بوسند و از این کارها، ولی حرفش را گوش نمی‌کنند. شما هم می‌گویید آیت‌الله مهدوی کنی را قبول داریم، آدم خوبی است، ولی به حرفش گوش نمی‌دهیم. آیت‌الله مهدوی بودایی به درد نمی‌خورد. اگر قبول دارید که مهدوی آیت‌الله است و آدم خوبی هم هست، حرفش را بپذیرید. من هم حرف تحمیلی و زوری که نمی‌زنم. حرفی است که همه جا می‌پسندند. می‌گویم آقا بیاید همه با هم باشیم، همدیگر را حذف نکنیم. من مطمئنم مقام معظم رهبری هم این را می‌پسندند که همه با هم باشیم. خیلی از سختگیری‌ها را باید کنار بگذاریم.»^(۱)

در واقع آیت‌الله مهدوی نظرشان این است که همه باید به رأی ایشان تمکین کنند و حق همان است که ایشان می‌گویند. در چنین شرایطی حتی بر فرض وحدت، لیست‌نهایی با ترکیب کنونی مجلس واقعا متفاوت خواهد بود؟! همین بحث‌هایی که اکنون مثلا در مورد باهنر وجود دارد، بر سر چهره‌های لیست هم وجود خواهد داشت و موضع آقای مهدوی یا آقایان فدایی و زاکانی هم طبعاً متفاوت از موضع کنونی‌شان نخواهد بود. اصلاح لیست‌ها با حضور در ترکیب ۷+۸ حداقل در شرایط کنونی کمی خیالبافانه به نظر می‌رسد.

۲۷- آیا شکستن وحدت به بالا آمدن اصلاح‌طلبان و جریان انحرافی نمی‌شود؟ آیا جبهه پایداری عملاً سلامت انتخابات را فدای سلامت افراد نمی‌کند؟

محمدحسین صفارهرندی در انتقاد نسبت به جبهه پایداری چنین می‌گوید: «امیدوارم کسانی که خودخواهی‌های شخصی راهبرشان شده و حرف‌هایی می‌زنند که امیدها را

ناامید می‌کنند، سر عقل بیایند و از تحلیل‌های غلط و گفتارهای به هم‌زننده اجتماع ملت دست بردارند... دوستان جبهه پایداری که تعدادی از آنها از دوستان همکار بنده بودند اشتباه می‌کنند؛ کسانی که می‌گویند سالم بودن نفرات را تضمین کنیم ممکن است سالم بودن انتخابات تضمین نشود؛ ما تجزیه می‌شویم و از آن تجزیه نفعی نخواهیم برد... جبهه پایداری یکی از سالم‌ترین و قوی‌ترین گفتمان را روی دست گرفتند ولی این ایراد را به این جبهه وارد می‌کنم که به اسم سلامت گفتمانی سازوکارهایی که مربوط به تاکتیک است را نباید اصلی کرد که در این صورت جمع شکسته می‌شود و ما ضرر می‌کنیم.^(۱)

این سوال یک پیش‌فرض اصلی دارد و آن اینکه حضور اصلاح‌طلبان و جریان انحرافی در انتخابات جدی است و با درگرفتن رقابت میان اصولگرایان، احتمال پیروزی آنان افزایش می‌یابد. این پیش‌فرض هنوز اثبات نشده است. اتفاقاً در جبهه پایداری با این تحلیل که حضور اصلاح‌طلبان و جریان انحرافی در انتخابات چندان جدی نخواهد بود، مسئله ارائه لیست جداگانه جدی‌تر شد.

نکته دیگر اینکه همان‌طور که گفته شد جبهه پایداری در استان‌ها و پایتخت بسته به شرایط و فضای عمومی استان تصمیم خواهد گرفت. جبهه پایداری حتی در صورت جدی شدن انتشار لیست جداگانه، تصمیمی برای معرفی کاندیدا در همه استان‌ها ندارد. در استان‌ها هم اولویت بر روی وحدت است و این جبهه می‌کوشد بر سر چهره‌های اصولگرا و مورد قبول با سایر جریان‌ها به اتفاق نظر برسد. البته در صورت احراز صلاحیت‌های لازم در کاندیدایی و تشخیص ضرورت حضور جداگانه و حمایت مجزا، جبهه پایداری در آن استان برای حضور مستقل آمادگی دارد. در واقع تمام ملاحظات در استان‌ها نیز مد نظر قرار خواهد گرفت. چرا که مسئله برای جبهه پایداری حفظ و تعالی گفتمانی است نه کسب قدرت.

نکته دیگر اینکه جبهه پایداری هم معتقد به سلامت افراد است و هم معتقد به سلامت گفتمان و اتفاقاً معتقد است ۷+۸ این هر دو را پای منافع حزبی و قبیله‌ای قربانی کرده است. تجربه نشان داده که در مجلس برخی از همین کسانی که آقایان اصولگرا می‌دانند و معتقدند باید مورد وحدت قرار گیرند، از اصلاح‌طلبان به مراتب بدتر عمل کرده‌اند یا بعضاً در مواردی کوشیده‌اند در مجلس با اصلاح‌طلبان ائتلاف کنند یا حمایت آنان را جلب کنند. در واقع حضور اینان نسبت به اصلاح‌طلبان چندان هم ارجحیتی ندارد.

به نظر می‌رسد اگر جبهه پایداری بتواند جدی در صحنه حاضر شود و لیستی محکم و قوی ببندد، با توجه به پایگاه و وزن اجتماعی‌اش می‌تواند پیروز صحنه باشد و همزمان از خطر ارتجاع و انحراف جلوگیری کند. بر خلاف آقای صفار هرنندی جبهه پایداری حاضر نیست از ترس انحراف به ارتجاع پناه ببرد.

۲۸- آیا انشاق در جبهه اصولگرایی پروژه دشمن نیست؟

سوال؛ آیا کاهش مشارکت عمومی در انتخابات پروژه دشمن نیست؟! اگر اصلاح طلبان و جریان انحرافی حضور جدی در انتخابات نداشته باشند و بخواهد صرفاً یک لیست واحد حکومتی برای مجلس ارائه شود و بعد هم مشارکت به حداقل برسد، پازل چه کسی کامل شده است؟! چرا برخی با تلاش‌هایشان برای از میدان خارج کردن جبهه پایداری در پازل دشمن بازی می‌کنند و می‌خواهند انتخابات را از وجه مردمی خارج و به گونه‌ای حکومتی و دستوری در بیاورند؟

روح الله حسینیان می‌گوید: «ما اصلاً قبول نداریم انشاق در جبهه اصولگرایی از استراتژی‌های دشمن برای انتخابات آتی باشد.» وی با بیان اینکه ۲ سلیقه و نظر در جبهه اصولگرایی وجود دارد، می‌افزاید: «اگر اصلاح طلبان سازماندهی شده در انتخابات نیابند آیا این صحیح است یک گروه لیستی را ارائه کند و همه مردم موظف به تبعیت از این لیست باشند؟ این به نظر ما مصلحت نیست و حتماً باید رقابتی بین اصولگرایان در شرایطی که اصلاح طلبان نباشند، وجود داشته باشد.»

رئیس فراکسیون انقلاب اسلامی با بیان اینکه اینک انتخابات آتی مجلس باید با مشارکت بالا و قوی برگزار شود، می‌گوید: «ما تلاش می‌کنیم تا شرایطی پیش نیاید تا در صورت عدم حضور اصلاح طلبان انتخاب برای مردم راحت‌تر باشد. ما مدعی نیستیم که وکیل یا قیم مردم هستیم بلکه معتقدیم باید خود را در معرض رای مردم قرار بدهیم و هر کسی که بیشتر مورد اقبال مردم قرار گرفت نماینده مردم شود.»^(۱)

برخی با سرهم کردن اخبار بی‌ربط و باربیط امنیتی می‌کوشند تا نتیجه مطلوب خود را بگیرند، غافل از اینکه با همان مبادی استدلالی آنها فارغ از صحت و عدم صحتشان می‌شود ضرورت رقابت اصولگرایان و ایجاد فضای پرشور انتخاباتی را نتیجه گرفت. این فضا هر چه که باشد از حکومتی شدن لیست انتخاباتی بهتر است.

۲۹- کشاندن رقابت به درون اصولگرایان موجب می‌شود اصولگرایان همدیگر را تخریب کنند و حرف‌هایی به زبان بیاورند که به ضرر نظام تمام شود. حتی ممکن است اصرار نظام فاش شود!

آیت الله مهدوی کنی می‌گوید: «من از اول هم گفته و دو بار هم با آنها ملاقات کرده‌ام که این کار را نکنید، به ضرر کشور است. این همان چیزی است که دشمن می‌خواهد و بین ما را هم دائماً شکرآب خواهد کرد. وقتی دوگانگی پیش آمد، از آن حرف‌هایی

(۱) شفاف ۲۸ آذر ۹۰



گاه مصلحت‌ها بهانه‌اند برای منفعت‌ها! موضوعیت با منفعت‌هاست و مصلحت‌ها تنها پوششند و برای فریب افکار عمومی تدارک دیده شده‌اند. حتی هاشمی هم وقتی در سال ۸۴ کاندیدا شد از بحرانی بودن فضا و مصلحت‌ها سخن می‌گفت. گاه مصلحت‌های نادرستی به جریان آرمانی تحمیل می‌شود که اساسا موضوعیت ندارد. گاه حتی دشمن هم در تراشیده شدن این مصلحت‌ها همراهی می‌کند. گاه برخی به اسم مصلحت می‌کوشند تا نظر و رأی خود را به امام تحمیل کنند چنانکه امام راحل ناگزیر به نوشیدن جام زهر شد.

در می‌آید. بسیاری از حرف‌هایی که در این سایت‌هاست، ممکن است دروغ باشد، ولی می‌گویند. ما اگر با هم باشیم و بگوییم هیچ اختلافی نداریم، می‌توانیم به اینها بگوییم حرف بیخود نزنید و هیچ دعوایی هم نمی‌شود.^(۱)

حسین شریعتمداری هم طی سرمقاله‌ای در روزنامه کیهان به همین مسائل اشاره کرد. وی توضیح داد که جان کین ایجاد اختلاف بین اصولگرایان را توصیه می‌کند. وی نوشت کین می‌گوید: «اختلاف این گروه‌ها (گروه‌های اصولگرا) با یکدیگر در شرایط عادی و فضای آرام، بروز چندانی ندارد ولی در شرایط حساس نظیر انتخابات که پای ورود به مراکز تصمیم‌گیری در میان است، این اختلاف‌ها می‌تواند به نقاط بحرانی نزدیک شود. گروه‌های حامی نظام در این حالت و در گرماگرم اختلاف با یکدیگر، برای نشان دادن برتری و حقانیت خود، اسرار نظام را فاش می‌کنند.»

شریعتمداری ادامه داد: «در توضیح دستور العمل جان کین باید گفت؛ از آنجا که این گروه‌ها و یا به قول جان کین، رهبران آنها سابقه سیاهی در کارنامه فعالیت سیاسی و اجتماعی خود ندارند- و یا به ندرت دارای چنین سوابقی هستند- در جریان درگیری و اختلاف با یکدیگر، برای غلبه بر حریف، از کیسه نظام مایه می‌گذارند و برخی از اسرار نظام را فاش می‌کنند که هرچند، به خودی خود، ناروا و مخدوش نیست ولی باید از نگاه نامحرمان پنهان بماند. حضرت امام (ره) در این باره خطاب به جوانان پرشور و انقلابی می‌فرمودند (نقل به مضمون)؛ فرزندان حزب اللهی من از مسائلی سؤال نکنید که اگر مسئولان در پی پاسخ آن باشند، اسرار جمهوری اسلامی ایران در اختیار نامحرمان قرار می‌گیرد و آسیب‌های جدی به نظام وارد خواهد آمد.»

وی تصریح کرد: «جان کین می‌گوید؛ اگر گروه‌های

طرفدار نظام هوشیاری به خرج داده و هیچ سری از اسرار نظام را هم فاش نکنند، کمترین

نتیجه درگیری و اختلاف آنان، متهم کردن یکدیگر به ناکارآمدی و ارائه دلیل برای اثبات برتری خویش است و در این حالت، مردم نسبت به کارآمدی و مدیریت آنان دچار تردید می شوند و زمینه برای رویکرد به گروه‌های حریف فراهم می آید!

شریعتمداری همچنین افزود: «از نگاه جان کین که در آموزه‌های "جین شارپ" و "رابرت هلوی" نیز دیده می شود، اختلاف گروه‌های حامی نظام با یکدیگر در صورت تداوم می تواند به پرخاشگری هر یک علیه دیگری منجر شود. بعید نیست گروه‌های یاد شده در مخالفت با یکدیگر تا آنجا پیش بروند که حریف اصلی را در "حلقه خود" - منظورش در میان اصولگرایان - تعریف کنند. در توضیح بیشتر نظر مشترک جان کین، جین شارپ و رابرت هلوی باید گفت؛ حالت یاد شده به احتمال زیاد - و نزدیک به یقین - با غفلت از دشمن اصلی همراه خواهد بود، ضمن آن که به قول "شارپ" سوابق مردمی گروه‌های حامی نظام را نیز به زیر سؤال می کشد و آنان را در نگاه مردم "قدرت طلب" معرفی خواهد کرد!»

وی ادامه داد: «سیاه نمایی" و ایجاد تردید نسبت به آینده نظام یکی دیگر از شاخصه‌هایی است که دشمن در اختلاف میان جریان‌های حامی نظام - اینجا اصولگرایان - به آن امید بسته است. چرا که اکثر شخصیت‌های اصلی گروه‌های اصولگرا در مدیریت کشور - با ضریب اثر و جایگاه متفاوت - نقش داشته اند و از این روی هنگامی که با هم درگیر می شوند و علیه یکدیگر موضع گرفته و کارآمدی طرف مقابل را زیر سؤال می برند، بی آن که بخواهند و متوجه باشند، علیه نظام دست به سیاه نمایی زده اند! و بعید نیست این توهم را پدید آورند که مدیران نظام از قدرت و توان تدبیر امور برخوردار نیستند! و...»^(۱)

نکته اول اینکه فضای رقابت مانند ریاست جمهوری نیست که قرار باشد کاندیداها با یکدیگر در صدا و سیما مناظره کنند که نگران افشا شدن اسرار نظام باشیم. علاوه بر این مشخص نیست اعضای جبهه پایداری و ۷+۸ کدام اسرار را ممکن است فاش کنند! در واقع کمی سرمقاله برادر شریعتمداری مانند سایر استدلال تراشی‌های امنیتی، خیال‌پردازانه نیز هست.

نکته دوم اینکه در رأس یک جریان آیت الله مهدوی است و در رأس جریانی دیگر آیت الله مصباح. فعلا هم این جریان ۷+۸ است که باب تخریب و شبهه‌افکنی را گشوده و الا جبهه پایداری صرفا با تذکر مواضع برخی چهره‌های ۷+۸ حضور آنها را به نقدی اصولگرایانه نشسته بود. اگر واقعا مشکل تخریب است، دو بزرگواری که در رأی دو جریان هستند، فضا را مدیریت کنند و آقای مهدوی خصوصا با تذکر به رسانه‌های آقای قالیباف باب این تخریب‌ها را ببندند.

نکته سوم اینکه با تعبیری که آقای شریعتمداری دارند، باید برای همیشه باب رقابت

میان اصولگرایان و اساسا رقابت در جمهوری اسلامی را بست! که این طبعاً ممکن نیست. در انتخابات دهم هم که اتفاق نظر زیادی بین جریان‌ها مختلف بر روی احمدی‌نژاد بود، آقای محسن رضایی کاندیدا شد و البته آن روز آقای شریعتمداری هیچ وقت احساس دغدغه نکردند که مبادا اصرار نظام فاش شود و...!

نکته چهارم اینکه سیاه‌نمایی در مورد وضعیت کشور یا اثبات ناکارآمدی جریان رقیب هم اصولاً ربطی به اینکه طرفین اصولگرا باشند یا اصلاح‌طلب ندارد! و باز هم این مسئله بیشتر در انتخابات‌های ریاست جمهوری موضوعیت دارد تا مجلس! در کل به نظر می‌رسد آقای شریعتمداری می‌بایست به جای اینکه از سرمقاله خود ضرورت کناره‌گیری جبهه پایداری را نتیجه می‌گرفتند، به جای پاک کردن صورت مسئله، بهبود وضعیت اخلاق سیاسی در رقابت‌های انتخاباتی را خواستار می‌شدند و گرنه با استدلال ایشان باید اساساً باب انتخابات را در ایران تخته کرد!! حتی امام راحل هم هنگام دو دسته شدن جامعه روحانیت و مجمع روحانیون چنین تعبیری نداشتند که آقای شریعتمداری امروز دارند. بد نیست ایشان هم به خط امام (ره) بازگردند!

۳۰- علت عدم حضور آیت الله خوشوقت در همایش اعلام موجودیت جبهه پایداری چه بود؟

در پیام مکتوب آیت‌الله خوشوقت که در همایش اعلام موجودیت جبهه پایداری قرائت شد، چنین می‌خوانیم: «بسم الله الرحمن الرحیم. بدین وسیله به استحضار می‌رسانم دوستان جبهه پایداری انقلاب اسلامی از این جانب جهت سخنرانی در جلسه‌ای که به منظور اعلام موجودیت جبهه تشکیل می‌شد دعوت کردند اما چون قبل از دعوت آن عزیزان وعده زیارت مرقد مطهر حضرت رضا (ع) را داده بودم امکان اجابت نبود ولی بعد از مراجعت انجام وظیفه خواهم کرد. انشاءالله.»^(۱)

ایشان نه تنها هم نظر با اعضای جبهه پایداری هستند، بلکه در برهه‌هایی با عتاب از آنان عدم شرکت در جلسات ۷+۸ را خواستار شده‌اند.

۳۱- اگر همه یک جور باشند و مثل هم باشند، اساساً هیچ حرکتی شکل نمی‌گیرد. برای همین می‌بایست دنبال لیستی با گرایش‌ها مختلف بود.

کسی نگفته همه در مجلس باید عضو جبهه پایداری باشند. عملاً هم چنین مسئله‌ای رخ نخواهد داد. در یک انتخابات طبیعی گرایش‌ها مختلف درصدهای متفاوتی را نصیب



خود می‌کنند و البته مردم تعیین می‌کنند کدام جریان زلال‌تر و دلسوزتر است و می‌بایست از اکثریت برخوردار شود. منتهی طبیعتاً مدعیان اصولگرایی باید کسانی را برای انتخاب شدن به مردم پیشنهاد دهند که با منشور اصولگرایی تطابق داشته باشند.

۳۲- گفته می‌شود می‌بایست برای رسیدن به مصلحت‌هایی از نظرهای خودمان تنازل کنیم. آیا تنازل از اصول پذیرفته است؟ چرا؟

فدایی در پاسخ به کسانی که برآوردها از حضور و تاثیرگذاری جریان انحرافی را غیر واقعی و برای رسیدن به مقاصد انتخاباتی می‌دانستند تلویحاً پذیرفت که این تاثیرگذاری و حضور اکنون وجود ندارد و اساساً جریان انحرافی اکنون وزن و جایگاهی ندارد.

مسئله شناخت مصلحت‌هاست. گاه مصلحت‌ها بهانه‌اند برای منفعت‌ها! موضوعیت با منفعت‌هاست و مصلحت‌ها تنها پوششند و برای فریب افکار عمومی تدارک دیده شده‌اند. حتی هاشمی هم وقتی در سال ۸۴ کاندید شد از بحرانی بودن فضا و مصلحت‌ها سخن می‌گفت. گاه مصلحت‌های نادرستی به جریان آرمانی تحمیل می‌شود که اساساً موضوعیت ندارد. گاه حتی دشمن هم در تراشیده شدن این مصلحت‌ها همراهی می‌کند. گاه برخی به اسم مصلحت می‌کوشند تا نظر و رأی خود را به امام تحمیل کنند چنانکه امام راحل ناگزیر به نوشیدن جام زهر شد.

دکتر لنکرانی در این خصوص بیان زیبایی دارد. او می‌گوید: «یکی از تقابل‌ها و مناظراتی که در طول تاریخ بین مدعیان دین و دین باوری وجود داشت، این بود که

عده‌ای از دین باورها معتقد بوده‌اند برای اینکه از دین خدا دفاع کنند، لازم است که در پاره‌ای از مواقع، مصالحی را رعایت کنند و به دلیل رعایت این مصالح فکر می‌کردند که باید از برخی اصول و باورهای شان کوتاه بیایند. به این گمان که با این کوتاه آمدن و با این تنازل می‌توانند در آینده از دین خدا دفاع کنند.»

وی می‌افزاید: «در قضیه عاشورا و کربلا یکی از بارزترین گفت‌وگوها و مناظرات، مناظراتی است که عده‌ای به سیدالشهدا علیه السلام فشار می‌آوردند که شما بالاخره دنیا را می‌بینید و از وضعیت مطلع هستید، کوفیان را می‌شناسید و می‌دانید که کوفی وفاندارد و می‌دانید که این نامه‌هایی که نوشته‌اند، نامه‌های درستی نیست، تازه حتی اگر درست باشد، در برابر این دستگاہ پلید اموی، کاری نمی‌شود کرد و آنها سپاه ده هزاران نفری

دارند، شما قیام نکنید. از این جنس مصلحت اندیشی از همان لحظه‌ای که حضرت تصمیم گرفتند که در ماه رجب سال ۶۰ هجری از مدینه خارج شوند، در تاریخ می‌بینیم تا صبح عاشورا. حتی لحظات آخر باز عده‌ای مصلحت اندیشی می‌کنند و به سید الشهداء علیه السلام می‌گویند که شما کوتاه بیاید. اصولاً یکی از مواردی که در کربلا و واقعه عاشورا بسیار باید مورد تحقیق قرار گیرد، همین نکته است.»

دکتر لنکرانی ادامه می‌دهد: «اما سید الشهداء علیه السلام مکرر حساب را روشن می‌کردند و می‌گفتند که این صحنه، صحنه رفتن نیست، چون رفتن از این صحنه، لطمه‌ای به اسلام می‌زند که دیگر اسلامی باقی نخواهد ماند. فرمودند که اینجا دیگر صحنه‌ای نیست که مثل برادرم حسن علیه السلام، من جایی برای مذاکره و صحبت داشته باشم، جای این را داشته باشم که بروم و صحنه نیرو را تغییر دهم، صحنه نبرد همین جاست و این صحنه، صحنه قابل تغییر نیست، این صحنه باید شکل بگیرد، چون اگر شکل نگیرد، اسلام باقی نمی‌ماند؛ از اینجا معلوم می‌شود که یک جاهایی است که نباید مصلحت اندیشی‌های این چنین کرد، ولو اینکه نتیجه‌اش شهادت، هتک حرمت و آبرو و خون دادن باشد، یک جایی می‌رسد که باید این اتفاقات رخ دهد و جای مصلحت اندیشی نیست و گرنه حضرت سید الشهداء علیه السلام اهل تدبیر بودند.»

وی می‌گوید: «برای همین سپاه کوچک خود میمنه و میسره، مشخص کردند، همین ۷۲ نفر، که گفته می‌شود حدود ۳۸ اسب بیشتر نداشتند و بقیه پیاده بودند، همان سپاه کوچک را هم منظم کردند و نگفتند که خوب اینها که ما را می‌کشند، پس اینجا بایستیم تا کشته شویم، نه، همان جا هم تدبیر و برنامه‌ریزی کردند و طبق بالاترین فنون جنگی زمان، جنگیدند، پشت خیمه‌ها را محصور کردند که از پشت به آنها حمله نکنند و خلاصه کاملاً با تدبیر عمل کردند.»

لنکرانی این گونه نتیجه می‌گیرد: «معلوم می‌شود که تدبیر با مصلحت اندیشی بی‌جا دو موضوع جداگانه است، ما نمی‌گوییم دفاع از انقلاب، اسلام و آرمان‌ها باید بی‌تدبیرانه باشد، اما می‌گوییم بر اساس مصلحت اندیشی نباید باشد، اگر هم قرار است مصلحتی اندیشیده شود، مبنای آن، منافع و مضار اشخاص نباید باشد. بله، در اسلام داریم که امام جامعه اسلامی می‌تواند تصمیم گرفته و بر اساس مصلحت، حج را هم تعطیل کند، مسجدی را خراب کند، حکمی از احکام الهی را بگوید فعلاً انجام نشود، اینها وجود دارد و جزو اختیار امام مسلمین است اما در مبنای هیچ کدام از این تصمیم‌گیری‌ها نباید منافع و مضار شخص دخیل باشد، نباید مدعیانی که خودشان مأموم هستند و مدعی هستند که ما مطیع امام هستیم، خواسته خود را تحمیل و به آن امام بخواهند فشار بیاورند و تصمیمی را به او تحمیل کنند.»

وی ادامه می‌دهد: «برادر عزیزم حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا پناهیان این موضوع را در سال ۸۸ خیلی خوب تحت عنوان تحمیل گران شکافتند. کسانی که

در طول تاریخ تلاش کردند که نظرات خود را به امام معصوم علیه السلام تحمیل کنند. در کربلا هم کوفیان آمده بودند که نظر مصلحت اندیشانه خودشان را به امام مسلمین تحمیل و کاری کنند که سیدالشهدا علیه السلام راهی جز این نداشته باشد که حرف آن‌ها را بپذیرد و دوباره کاری کنند که ماجرای امام حسن علیه السلام رخ دهد که صلح را به ایشان تحمیل کردند.»

لنکرانی همچنین می‌گوید: «ما یک انتخابات بزرگی در پیش رو داریم؛ اهمیت انتخابات در این است که بعد از جریان فتنه و فتنه‌گری‌ها بر گزار می‌شود. دشمن به آن امید بسته و امید دارد که انتخابات را به یک چالش برای نظام تبدیل کند و بتواند آبروی از دست رفته‌اش را در این انتخابات جبران کند. انواع و اقسام جریان‌های انحرافی و فتنه‌گر در تلاش هستند که در این انتخابات حضور پیدا و با حضور خودشان مجدداً برای نظام چالش درست کنند. حالا ما باید چه کنیم؟ آیا می‌توانیم مثل برخی از طریق مذاکره و لابی‌های سیاسی و توسل به کانون‌های قدرت و ثروت وارد انتخابات شویم؟» وی ادامه می‌دهد: «آن کسی که ادعای دفاع از انقلاب اسلامی و ارزش‌ها و پایبندی به ولایت فقیه را دارد، باید نگاهی به آن مسیر باشد. خودش را در همه اعمال اجتماعی با این شاخص بسنجد که این کاری که من می‌کنم، مطابق ارزش‌ها و باورها است یا نه، آیا سیاسی کاری می‌کنم یا مطابق آرمان‌ها حرکت می‌کنم. اگر مصلحتی باید اندیشیده شود، آن مصلحت اندیشی که ما باید به آن اعتماد کنیم، خود رهبری است. ما حق نداریم که به بهانه‌ی مصلحت اندیشی که گمان می‌کنیم مصلحت اندیشی است و برخی از آن هم مصلحت اندیشی کاذب است، بخواهیم برای حفظ آبرو و عزیز شدن خودمان و احیاناً به قدرت رسیدن خودمان از اصول و مبانی کوتاه بیایم.»



محصولی: استراتژی

آنهایی که جزو ساکتین در فتنه بودند این است که ما را به ساکتین در برابر انحراف متهم کنند ولی اگر ما جز ساکتین انحراف بودیم، پس چرا الان در خارج از مجموعه و جز مغضوبین هستیم؟

دکتر لنکرانی می‌گوید: «اگر حواس‌مان را جمع نکنیم، می‌بینیم ما هم می‌رویم در لشکر کوفیان؛ تفاوت در این است که ما مبنای کارمان چیست؟ اگر مبنای مصلحت اندیشی ما این شد که ما مصلحت اندیشی می‌کنیم تا خودمان در قدرت بمانیم، حجتی نداریم. اگر ما مصلحت اندیشی می‌کنیم به‌خاطر اینکه فکر می‌کنیم این کار درست است، در حالی که رهبری مسیر دیگری را نشان می‌دهند، خب این چه مصلحتی است که ما داریم. بزرگ‌ترین لطف خداوند به ما وجود رهبر معظم انقلاب است که با روشن بینی،

هوشیاری، مکرراً در عرصه‌های مختلف راه‌نمایی‌های بزرگوارانه می‌کنند، تا ما راه را گم نکنیم.^(۱)»

کسانی که امروز دم از تنازل برای مصلحت‌ها می‌زنند در انتخابات ۸۴ هم تنازل کردند. خیلی جاهای دیگر هم تنازل کردند. کدام نتیجه حاصل شد؟ اساساً مسئله تنازل نیست. آقایان هنوز حاضر نیستند مرز خود را با امثال قالیباف مشخص کنند. در مورد احمدی‌نژاد از همان روز اول تا کنون با صراحت گفتند و نوشتند اما در مورد قالیباف هیچ وقت نخواستند دو کلمه نقد بر زبان جاری کنند. اینان اصلاً حق را قائل نیستند که بخواهند از آن تنازل کنند! تنازل بهانه است. علاوه بر اینکه این تنازل‌ها هم مطابق میل آقایان تعریف می‌شود. اینان که در نسبت با جریان قالیباف می‌توانند تنازل کنند چرا در نسبت با جبهه پایداری یا حتی احمدی‌نژاد تنازل نمی‌کنند؟!»

۳۳- آیا برجسته کردن تاثیرگذاری جریان انحرافی و فعالیتش در مورد انتخابات واقعی است یا فضا سازی برای ساختن مصلحت‌ها و نتیجه‌گیری انتخاباتی است؟

فدایی در پاسخ به کسانی که برآوردها از حضور و تاثیرگذاری جریان انحرافی را غیر واقعی و برای رسیدن به مقاصد انتخاباتی می‌دانستند تلویحاً پذیرفت که این تاثیرگذاری و حضور اکنون وجود ندارد و اساساً جریان انحرافی اکنون وزن و جایگاهی ندارد. وی اما توضیح داد که در آینده ممکن است این تاثیرگذاری ایجاد شود و چون در آینده ممکن است ایجاد شود، باید سریعاً وحدت کرد!

وی گفت: «فرق است بین فعل جریانی که اتفاق افتاده است و ما با آن مواجه هستیم و آنچه که بالقوه وجود دارد و فعلیت آن در آینده است، جریان فتنه عمل کرد و خسارت و ظلم بزرگی را به نظام کرد و طبعاً ما و ملت ما باید جلوی او می‌ایستاد و هزینه هم پرداخت شد. ما الان نسبت به آنچه که در آینده اتفاق خواهد افتاد صحبت می‌کنیم، آیا جریان انحراف مثل جریان فتنه خسارتی را به بار نخواهد آورد؟ منظور ما هم وزن دانستن نبود ولی در آینده امکان حضور جریان فتنه و جریان انحرافی در مجلس چگونه پیش بینی و ارزیابی می‌کنید.»

فدایی ادامه داد: «اگر به نتیجه برسیم که جریان انحراف مجدداً سرمایه‌گذاری گسترده‌ای کرده و برای حوزه‌های انتخابیه تک نماینده برنامه ریخته است و به زعم خودش بتواند دو سوم کرسی‌ها مجلس را در دست بگیرد و در مواضع کلی کشور دخالت و تأثیر داشته باشد، تحلیل شما نسبت به موضوع تغییر خواهد کرد. به نظر می‌رسد رویکرد مردم نسبت

به فتنه چون روشنگری پیدا کرده‌اند خط شفاف است.^(۱) مشابه همین سوال را متقابلا از آقای فدایی و دوستانشان که آسمان به ریسمان می‌بافند تا قالیچه مصلحت اندیشی‌شان همه جا پهن شود، باید پرسید. اگر خبری از حضور جدی این جریان‌ها در عرصه انتخابات نشد، آن گاه تکلیف اصولگرایان با یک لیست تحمیلی چه خواهد بود؟ در واقع اگر خطرهای بالقوه آقای فدایی بالفعل نشد، تکلیف چیست؟ آقای فدایی و دوستانشان از ترس جریانی این چنین به اصطلاح خودشان تن به تنازل داده‌اند که اساسا جریان بودن آن و اینکه جریان انحرافی واقعا چقدر بدنه دارد، محل تردید جدی است.

۳۴- آیا کسانی که دم از تنازل می‌زنند به انتقادات و نقصان‌های مطرح در مورد ساکتین اعتقاد دارند و تسامح می‌کنند یا اصولا این انتقادات را چندان هم واقعی نمی‌دانند و برجسته کردن این انتقادات را بلاموضوع یا توطئه قلمداد می‌کنند؟

چنان که گفته شد اینان اصل انتقادات را چندان باور ندارند. آقای فدایی با بیانی کنایه آمیز که در آخر مشخص می‌شود چه کسانی را مقصود خود دارد، می‌گوید: «می‌خواهند جامعه را دو قطبی و دیو و دلبر و سیاه و سفید کنند و در سایه دو قطبی کردن در فضای جامعه التهاب سیاسی ایجاد کنند و البته دو قطبی کردن جامعه مشی و مرام جریان انحرافی است که می‌خواهد بگوید جامعه دو بخش است؛ عده زیادی محروم و مستضعف و عده‌ای سرمایه‌دار و زالو صفت هستند. و بعد نیروهای انقلاب را در این تابلو الصاق کند و تقابل اجتماعی به وجود آورد تا در انتخابات رای بیاورد و برای اینکه حرفش را پیش ببرد و این مسیر را جلو ببرد امکانات مثبت صورت گرفته در دولت همچون یارانه‌ها را مصادره کند و بگوید ما این کار را کردیم. حتما غلط و ناصحیح است و حتما اغراض سیاسی است که می‌خواهند از ظرفیت انقلاب برای اغراض سیاسی استفاده کنند و بعد هر کسی را هم که از آن‌ها انتقاد کرد به جریان فتنه بچسبانند و این را در جامعه القا کنند.^(۲)»

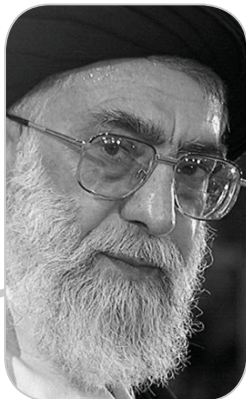
در واقع آقای فدایی اظهاراتی که در مورد برخی ساکتین مطرح می‌شود را چسباندن آنان به جریان فتنه می‌داند و معتقد است این کار با اغراض سیاسی صورت می‌پذیرد. فضا دیو و دلبر و سیاه و سفید نیست. همه ممکن است خطاهایی داشته باشند. اعضای جبهه پایداری هم خطاهایی داشته‌اند. به این ترتیب آقایان در نقش و کیل مدافع ساکتین با جعل عبارت ساکتین انحراف می‌کوشند تا با هم تراز قرار دادن این دو گروه ساکتین، اشتباهات ساکتین

(۱) شفاف ۱۶ مهر ۹۰

(۲) شفاف ۱۶ مهر ۹۰

فتنه را تخفیف دهند و عادی کنند.

۳۵- اعضای جبهه پایداری ساکتین انحراف بوده‌اند و به همین دلیل تفاوت چندانی با ساکتین فتنه ندارند.



فدایی می‌گوید: «از حواشی که ممکن است جریان فتنه را تقویت کند این روزها با عنوان اهل سکوت و تردید یاد می‌شود که به فتنه کمک کردند خب همینطور عده‌ای در تقویت جریان انحراف هم با سکوت و تردید منجر به تقویت انحراف شدند و می‌شوند.»^(۱)

مهندس محصولی در پاسش به این شبهه می‌گوید: «استراتژی آنهایی که جزو ساکتین در فتنه بودند این است که ما را به ساکتین در برابر انحراف متهم کنند ولی اگر ما جز ساکتین انحراف بودیم، پس چرا الان در خارج از مجموعه و جز مغضوبین هستیم؟»

وی می‌افزاید: «بینید آنهایی که در جریان ماجرا هستند، خودشان بهتر می‌دانند اعضای جبهه پایداری از اولین روزهایی که این موضوع انحراف پدیدار شد، نه امروز و دیروز و چند ماه پیش، بلکه از چند سال پیش جلوی این جریان انحرافی ایستادند. موارد متعددی دارد. به عنوان مثالی که در رسانه‌ها هم مطرح شده، نماینده دولت در مجلس، یک چک‌هایی در بین برخی نمایندگان مجلس پخش می‌کرد، برای اینکه در حوزه انتخابیه خودش خرج کند. تنها کسی که در واکنش به این موضوع یک سیلی محکم به گوش نماینده دولت گذاشت، آقای زارعی از اعضای جبهه پایداری بود که البته آن فرد از آقای زارعی شکایت کرد و وی به دادگاه رفت برای اینکه معتقد بود این گفتمان و گفتمان ۳ تیر این چیزها را ندارد. این برای چند سال پیش است و موضوع جدیدی نیست. از کسانی

رهبر انقلاب: حادثه‌ی مجلس، مرا ناراحت کرد، من به خدا پناه می‌برم، صریح و روشن در این جلسه به رئیس جمهور اهانت شد؛ بالاخره ایشان نفر دوم کشور است، سابقه نداشته است. این یک ظلم است. مجلسی که عصاره‌ی فضائل ملت است، باید این‌طور رئیس جمهور مملکت را هو کنند؟ این چه عصاره‌ی فضائلی است؟!

که در دولت هستند، برسید که وقتی در دولت ماجرای مکتب ایرانی و منشور کوروش و... پیش آمد، چه کسانی بلکه تنها چه کسانی بودند که در مقابل اینها ایستادند و استدلال کردند و فرمایش حضرت امام را به عنوان سند آوردند؟ کسی نبود جز اعضای جبهه پایداری.»

محصولی می گوید: «البته استراتژی افرادی که در فتنه ساکت بودند، این است که به جای عذرخواهی از عملکردشان و جبران گذشته‌شان، به اعضای جبهه پایداری بگویند که شما هم ساکتین انحراف هستید، در حالی که اعضای جبهه پایداری بیشترین مقابله را با جریان انحرافی داشتند و هزینه اش را هم پرداخت کردند.»

وی ادامه می‌دهد: «شما ببینید در سایت‌ها از جریان انحرافی تا ساکتین فتنه و اصحاب فتنه و ضد انقلاب خارج از کشور همگی با یک رویکرد واحد در صدد تخریب جبهه پایداری هستند و حتی بعضی از گروه‌هایی که نسبتاً اصولگرا هستند، به خاطر نگاه حزبی فقط شایعات و شائبه‌ها را علیه جبهه پایداری در رسانه‌های خودشان مطرح می‌کنند و اخبار مثبت جبهه مانند بیانیه‌ها و پاسخ به شایعات را سانسور می‌کنند. بنابراین هیچ کس به اندازه دوستان جبهه و در راس آن حضرت آیت الله مصباح و حضرت آیت الله خوشوقت که هدایت‌گر معنوی این جریان هستند، در مقابل انحراف نایستاده و اعلام موضع نکرده است. اشراف و شناخت این بزرگواران از انحراف و اعلام مواضع صریح‌شان بیانگر موضع جبهه پایداری است و اعضای جبهه نه تنها ساکت نبودند، بلکه بیشترین مقابله را در برابر جریان انحرافی داشته‌اند و این موضع‌گیری‌ها حتی در بیانیه اعلام موجودیت و بیانیه دوم جبهه نیز کاملاً مشهود است.»^(۱)

حجت الاسلام و المسلمین قاسم روانبخش نیز می‌گوید: «کسانیکه در پشت پرده با جریان‌های انحرافی قدیم و جدید و جریان‌های فتنه وحدت دارند، برای تخریب جبهه پایداری این شایعات را پخش می‌کنند در حالیکه ما عملکردمان هم در ایام فتنه و هم در مقابل جریان انحرافی واضح و روشن است.»

وی می‌افزاید: «اولین چهره شاخصی که بر علیه جریان انحرافی موضوع گرفت و در مناسبت‌های مختلف با سخنرانی‌های شجاعانه و روشنگرانه این جریان را رسوا نمود، حضرت علامه مصباح یزدی بود حال برخی که تا دیروز دستشان در دست فتنه‌گران و جریان‌های انحرافی سابق بوده است و امروز نیز برخی از همانها در پشت پرده با جریان انحرافی در ارتباطند و تا کنون هیچ‌گونه موضع‌گیری شفاف در مقابل جریان فتنه و انحرافی نداشته‌اند، قد علم کرده‌اند و اعضای جبهه پایداری را به این نوع مسائل متهم می‌کنند در حالیکه موسس جبهه پایداری شخصیتی بزرگ و مطهری زمان می‌باشد.»

دبیر سیاسی هفته‌نامه پرتو ادامه می‌دهد: «یک ضرب المثلی در عرب داریم که می‌گویند این مطلب آن قدر عجیب و خنده‌دار است که "مما تضحک به الثکلا" از آن چیزهایی است که مادر بچه مرده را هم به خنده وامی‌دارد. عجیب است که جبهه پایداری که اساس آن برای مقابله با جریان انحرافی و جریان فتنه شکل گرفته است الآن متهم به همکاری با جریان انحرافی شده و حامیان فتنه ادعا می‌کنند که در بعضی از استانها نامزدهایشان

مشترک است و از سوی جریان انحرافی حمایت می‌شوند! لذا توصیه می‌کنم که این طالبان قدرت برای تخریب مخالفین خود، لااقل انصاف داشته باشد. حرفی را بزنند که کسی یک هزارم درصد احتمال صحت آن را بدهد.»



وی دکتر لنکرانی، دکتر الهام و آقای محصولی را قربانی انحراف لقب می‌دهد و می‌گوید: «حتی آقای دکتر لنکرانی را از مدیر مسئولی یک نشریه هم عزلش کردند و او را تحمل نکردند که یک نشریه پزشکی که تخصص وی می‌باشد را اداره کند، آن وقت برخی ادعا می‌کنند که آقای لنکرانی با جریان انحرافی همفکر است! آقای حسینیان، دکتر آقا تهرانی، دکتر زارعی، دکتر کوچک زاده، دکتر بی‌ریا و ... کدام یک موضع شفافی در مقابل جریان انحرافی نداشته‌اند؟! اصلاً آقای دکتر بی‌ریا به خاطر همین جریان انحرافی از دولت استعفا کرد و بیرون آمد.»^(۱)

زاکانی: بنده انتصاب
جبهه پایداری را به
جریان انحرافی یک جفا
می‌دانم.

نکته آخر اینکه جعل اصطلاح ساکتین انحراف یک جعل اصطلاح سیاسی است که با واقعیت بیرونی تطبیق نمی‌کند ولی جعل اصطلاح ساکتین فتنه را رهبر انقلاب انجام داده‌اند. حمید رسایی در این خصوص می‌گوید: «برخی از آنها که در فتنه ۸۸ و حوادث بعد از مهر ساکتین فتنه و خواص مردود روی پیشانی‌شان خورده، فکر می‌کنند که این اصطلاحات را ما جعل کردیم و بعد با ابزار رسانه‌ای متوجه آنها ساختیم. برای همین چون می‌خواستند به طوری خودشان را از این مخمصه نجات دهند به سمت جعل اصطلاح رفته‌اند و در روزهای اخیر واژه‌هایی مانند ساکتین انحراف و ساکتین اختلاس را به کرات در رسانه‌های خودشان بکار می‌برند تا به نوعی انتقام بگیرند در حالی که اینطور نیست که هر جعل اصطلاحی در جامعه با مقبولیت مواجه شود.»

وی می‌افزاید: «ساکتین فتنه یا خواص مردود یک فحش سیاسی نیست که ما آن را جعل و خلق کرده باشیم، اینها یک واقعیات سیاسی بود که قبل از ما توسط یک منبع مورد اعتماد مردم وضع شد و در دهان‌ها افتاد. این اصطلاحات را رهبری بکار بردند و برخی از همین سیاسیون را با آن نواختند، یعنی این سیاسیون با رفتاری که داشتند شدند مصداق سخن رهبری. برای همین هم در جامعه گرفت و هنوز هم دامن برخی را رها نکرده. ولی اصطلاحاتی مثل ساکتین انحراف و واقعیات سیاسی نیست بلکه فحش سیاسی است.»

۳۶- آقای محصولی و اصلا خود دولت هم در ماجرای فتنه سکوت کرد. اگر این گونه باشد آنها هم ساکتین فتنه هستند.

دولت در ماجرای فتنه متهم انتخابات بود و تداوم حضور پررنگ او در صحنه به تداوم تقابل موسوی - احمدی نژاد دامن می زد. حمید رسایی در پاسخ به این سوال می گوید: «آقای محصولی در انتخابات وزیر کشور بود. متهم انتخابات بود. طبیعی بود که آقای محصولی خیلی حرف نمی زد. چون وزیر کشوری بود که انتخابات را برگزار کرده بود. آقا هم به احمدی نژاد فرموده بودند برای اینکه تب فتنه بخوابد، شما خیلی موضع نگیرید. همان یک جلسه هم که در ولیعصر آمد حرف و حدیث هایی ایجاد شد.»

۳۷- آیا اعضای جبهه پایداری در برخورد با جریان انحرافی و عملکرد دولت منطق مشخص و متفاوتی داشتند؟

قطعا چنین است. حتی رهبری به اعضای فراکسیون انقلاب اسلامی تاکید کردند: «به قول شما ممکن است به شما و کیل الدوله و چه و چه هم بگویند و از این حرفها بزنند؛ اینها خیلی چیزهای مهمی نیست و هزینه زیادی ندارد. یک وقت همین موضع، هزینه های زیادی را بر انسان تحمیل می کند؛ باید برای آن شرایط هم آماده بود...»^(۱)

در مقابل رهبر انقلاب بر خوردهای عتاب آلودی با کسانی که اتفاقا ادعای ولایتمداری و عدالتخواهی دارند، به واسطه برخورد غلطشان با دولت داشته اند. ایشان بعد از ماجرای وزیر ورزش و دو دو گفتن نمایندگان با ناراحتی در جمعی از نمایندگان تصریح کردند: «حادثه ای مجلس، مرا ناراحت کرد، من به خدا پناه می برم، صریح و روشن در این جلسه به رئیس جمهور اهانت شد؛ بالاخره ایشان نفر دوم کشور است، سابقه نداشته است. این یک ظلم است. مجلسی که عصاره ی فضائل ملت است، باید این طور رئیس جمهور مملکت را هو کنند؟ این چه عصاره ی فضائلی است؟!»

ایشان ادامه دادند: «قبلاً هم چند بار به آقای لاریجانی تذکر داده ام که نگذارید رابطه ی مجلس و دولت به تنش کشیده بشود... آقای لاریجانی و هیئت رئیسه مقصر این قضایا هستند... مخالفت با مسئولان عیب ندارد. دو نوع است: منطقی و مثبت، یک روش آن است که بیاید نظر کارشناسی خود را بدهید و رد بکنید؛ نوع دوم آن، کینه جویانه است.»

در اینجا رهبر انقلاب حتی تعریضی به احمد توکلی داشتند و فرمودند: «آقای توکلی! انتقادهای شما از نوع دوم و کینه جویانه است.» رهبر انقلاب استیضاح آقای صالحی را مثال زدند و از توکلی انتقاد کردند. ایشان در ادامه خطاب به علی لاریجانی فرمودند: «آقای

لاریجانی! این بساط هوچی گری را در مجلس جمع کنید.»

روح الله حسینیان می گوید: «من رهبری را هیچ وقت به این ناراحتی ندیده بودم.» رهبر انقلاب فرمودند: «مجلس رذالت نشان داد.» جبهه پایداری هیچ وقت علاقمند نبوده و نیست به سبک آقایان عمل کند.

حتی رهبر انقلاب در خصوص خانه نشینی رئیس جمهور همان زمان که احمدی نژاد هنوز در خانه بود در جمعی از مسئولین ضمن برشمردن ویژگی های او قریب به این مضمون تاکید کردند که حتی اگر او خواست خودش را از پرتگاه پایین بیاورد، نباید گذاشت. عملکرد خیلی از کسانی که امروز مدعی هستند همان روزها که احمدی نژاد درست عمل می کرد هم قابل قبول نبود. آنها با انتقادات و تخریب های گاه و بیگاهشان به فاصله گرفتن احمدی نژاد از جریان انقلاب و نزدیک تر شدن مشایی به او کمک کردند.

جریان جبهه پایداری و شخص آیت الله مصباح در نسبت با احمدی نژاد یک سیر را پشت سر گذاشتند. روزی استاد می گفت: «اگر شمشیر را غلاف می کنیم به خاطر هراس نیست، دندان روی جگر می گذاریم.» و اشاره به سکوت امیرالمومنین می کرد. گاه آیت الله نماینده می فرستاد تا با احمدی نژاد بحث کند و این روند از همان روزهای نخست که کم کم بحث حضور زنان در ورزشگاه شکل گرفت، آغاز شد. وقتی هم که حجت برداشته شد، مواضع استاد و شاگردان او علنی تر شد. استاد و شاگردانش در طلب اصلاح بودند، اما برخی از همان نخست همه تلاش خود را به کار بستند تا احمدی نژاد و دولت را زمین بزنند و این خلاف صریح دستور رهبری بود.

صادق محصولی در جمع دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) در پاسخ به این که چرا زودتر از این ها نسبت به انحراف اعلام موضع نکرده اید، چنین می گوید: «از کسانی مانند آقای فتاح که در سپاه هستند یا آقای صفارهرندی و متکی که در دولت نهم نیز حضور داشتند پرسید که مواضع جبهه پایداری از قبل چگونه بوده است و قطعا آن ها پاسخ خواهند داد که اعضای جبهه پایداری بیشترین ایستادگی را در مقابل انحراف داشتند.»

وی با بیان این که «شاخص ما رهبری است و به دنبال عمل به تکلیف خودمان هستیم» تصریح می کند: «ما به دنبال اصلاحیم و نه تضعیف. به دنبال این نیستیم که ضد انقلاب از فعالیت های ما سوءاستفاده کند در داخل دولت چه من و چه آقای لنگرانی در مقابله با تفکر انحرافی هم نظر بودیم.»^(۱)

کسی که در مجلس به صورت نماینده دولت سیلی زد، زارعی بود و کسی که سال و نیم قبل از خانه نشینی احمدی نژاد بریا مناظره درباره مشایی در برابر جوانفکر حاضر شد، رسایی. مواجهه جبهه پایداری و آیت الله مصباح با دولت یک منطق مشخص داشت. آقاتهرانی در همان ایام خانه نشینی خدمت استاد مصباح رسید. ایشان حتی بیاناتشان در جلسات اخلاق

هیئت دولت را هم خدمت استاد ارائه می‌دادند و نظر ایشان را جویا می‌شدند. در آن برهه از استاد کسب تکلیف کردند و گفتند شما با این صراحت علیه احمدی‌نژاد سخن می‌گویید. تکلیف ما در دولت چیست. آیت الله مصباح با نهیب خطاب آقای آقاتهرانی قریب به این مضمون می‌فرمایند شما به من چه کار دارید. من یک وظیفه دارم و شما یک وظیفه دیگر. من باید اینجا محکم بایستم و شما باید آن طرف تلاش کنید احمدی‌نژاد برگردد و روند خود را اصلاح کند.

منطق جبهه پایداری و جریان آیت الله مصباح در مواجهه با جریان انحرافی و دولت منطق مقام معظم رهبری بود که فرموده بودند حتی اگر احمدی‌نژاد خواست خودش را از پرتگاه پایین بیندازد نباید بگذاریم.

۳۸- آیا جبهه پایداری با برنامه‌ریزی جریان انحرافی تشکیل شده است؟

رضا حسینی قطب آبادی نماینده شهر بابک در مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «جریان انحرافی بعد از افشا شدن ماهیتش برای آنکه افکار عمومی را از اقدامات خود منحرف کند، جبهه پایداری را طراحی کرد. البته ممکن است برخی که به این جریان پیوسته باشند از پشت پرده آن بی‌خبر باشند، اما جبهه پایداری برای محفوظ نگاه داشتن مشایی و جریان انحرافی به وجود آمده تا افکار عمومی را متوجه خود کند تا آن‌ها کار خود را برای کسب کرسی‌های مجلس و تغییر قانون اساسی دنبال کنند.»^(۱)

برای پاسخ دادن به حرف و حدیث‌هایی از این دست به نظر می‌رسد مرور اظهار نظرهای سایر منتقدان جبهه پایداری که در این خصوص نظری متفاوت دارند کفایت کند. صفار هرنندی می‌گوید: «وسوسه‌هایی که برخی افراد مطرح می‌کنند که دست جبهه پایداری با جریان انحرافی است درست نیست و دروغ است.»^(۲)

زاکانی تصریح می‌کند: «این مسئله آشکار است که در جبهه پایداری با جریان انحرافی موضع دارند و حمایت اعضای این جبهه از بخش خدمتگزار دولت است. بنده انتصاب جبهه پایداری را به جریان انحرافی یک جفا می‌دانم؛ ما باید امید داشته باشیم که ظرفیت جبهه پایداری به انسجام اصولگرایان کمک کند.»^(۳)

شجونی می‌گوید: «اگر جبهه پایداری تحت عنایت آیت اله مصباح یزدی باشد این مایه افتخار آنهاست و بنده با تمام وجود تاکید می‌کنم خیانت بزرگی است که اگر کسی بخواهد انحراف را به ارادتمندان آیت اله مصباح نسبت بدهد و بخواهد اینگونه روحانیت را

(۱) خبرآنلاین

(۲) شفاف ۲۷ مهر ۹۰

(۳) فارس ۹/۸/۹۰

ضایع کند... جبهه پایداری هیچ رابطه ای با جریان انحرافی ندارد. امثال آقای مصباح، آقای خوشوقت، آقای آقا تهرانی، آقای الهام، آقای رسایی، آقای حسینان، اینها خوشان بانیان گفتمان ضد انحراف و ضد فتنه‌اند و اگر کسی به این بزرگواران تهمت اتصال به جریان کثیف انحرافی را بزند، مثل اینست که خود در حال خلق یک فتنه جدید است. دشمنان مصباح دشمنان مقام معظم رهبری هستند.^(۱)»

۳۹- علی مطهری معتقد است "جریان انحرافی محصول عملکرد موسسین جبهه پایداری است."^(۲) لطفا در این خصوص توضیح دهید.

اتفاقا می‌توان به جرأت گفت جریان انحرافی محصول عملکرد نادرست آقای مطهری و

امثال ایشان است. آن روز که احمدی‌نژاد زمام ریاست جمهوری را در دست گرفت از همه جریان‌ها و از جمله جریان احمد توکل‌ی برای کابینه مشورت گرفت. چه شد که این قدر آغوش او برای اصولگرایان بسته شد و برای جریان انحرافی باز؟ غیر از این بود که مشایی شبانه‌روز در کنار او ایستاد و تا پاسی از شب کار کرد اما برخی اصولگرایان تا توانستند دولت را به اسم عدالتخواهی و اصولگرایی تخریب کردند و بارها و بارها هم مورد نهب رهبری قرار گرفتند؟

۴۰- آقای زارعی در جایی گفته‌اند من وجود داشتن جریان انحرافی را قبول ندارم. در مورد موضع ایشان توضیح دهید.

این خبر که بعدا تکذیب شد، متأسفانه از سوی خبرگزاری فارس منتشر شده بود. فارس در خبر خود به نقل از زارعی آورده بود: «جریان انحرافی به صورت سازمان یافته نبوده و دارای مبانی فلسفی نیست بلکه نوعی القائات است که در داخل کشور ایجاد شده است... هیچ سندی در خصوص انحرافی بودن برنامه‌های مشایی وجود ندارد و تا کنون نیز استناداتی به مجلس در این زمینه ارائه نشده است.^(۳)»

در پی انتشار این خبر و استقبال گسترده رسانه‌های مخالف جبهه پایداری از آن، دکتر زارعی تکذیبیه‌ای صادر کرد و در پی آن فارس از ایشان عذرخواست. در متن عذرخواهی فارس چنین می‌خوانیم: «همانگونه که در توضیحات آقای علی اصغر زارعی نماینده محترم

(۱) رجانیوز ۱۷ مهر ۹۰

(۲) شفاف ۱۰ مهر ۹۰

(۳) فارس ۵ آذر ۹۰

مردم تهران در مجلس شورای اسلامی آمده است، سخنان وی در زنجان به دلیل سوء برداشت خبرنگار به صورت نادرست منتشر شده، به گونه‌ای که از صحبت‌های وی، حمایت از جریان انحرافی برداشت می‌شود. خبرگزاری فارس با تأکید بر سابقه آقای زارعی در موضع‌گیری علیه جریان انحرافی که هم در مصاحبه‌ها و عملکردهای شخصی وی و هم در قالب بیانیه‌های جبهه پایداری علیه جریان انحرافی منعکس شده است، به دلیل انعکاس اشتباه این خبر از آقای زارعی عذرخواهی می‌کند.^(۱)

متأسفانه از این اخبار کذب در این ماهها کم علیه جبهه پایداری منتشر نشد. متن کامل تکذیبیه دکتر علی اصغر زارعی بدین شرح است: «خبرگزاری فارس در تاریخ ۵ آذر ۹۰ خبری را روی خروجی خود قرار داد که در حقیقت القاکننده این نکته بود که اینجانب نه تنها انتقادی به جریان انحرافی ندارم بلکه اساساً معتقد به انحراف این جریان نیستم! این خبر بلافاصله با استقبال دو جریان تخریب‌گر جبهه پایداری یعنی سایت‌ها و رسانه‌هایی که مدافع مردودین و ساکتین فتنه ۸۸ شده‌اند و دوم رسانه‌هایی که مدافع جریان انحرافی اند، مواجه شد. هر دو جریان علیرغم اختلافی که در ظاهر دارند، در یک تیر به توافق رسیدند که علی اصغر زارعی گفته است "سندی برای انحراف مشایی نداریم!"

اینجانب هر چند بلافاصله در تماس با خبرگزاری فارس نسبت به این خبر اعتراض کردم و مدیر عامل محترم وعده داد خبر مذکور اصلاح شود و خبرگزاری هم آن را اصلاح کرد اما مجدداً در ذیل خبر اصلاح شده نوشت که متن پیاده شده نوار مصاحبه را منتشر خواهد کرد و یک روز بعد نیز آن را با عنوان "متن پیاده شده مصاحبه زارعی درباره جریان انحرافی در زنجان" منتشر و باز تلاش کرد تا القا کند خبر منتشر شده اولیه درست بوده است!

در خصوص این حرکت خبرگزاری فارس علیرغم احترامی که برای مدیر عامل محترم و بدنه زحمتکش آن قائلم و همچنین استقبالی که دو جریان رسانه‌ای دیگر از آن کردند و اصل این موضوع، نکاتی را بیان می‌کنم و امیدوارم در چارچوب اخلاق رسانه‌ای واقعیت منعکس شود:

۱. علی اصغر زارعی در عرصه سیاسی کارنامه و شناسنامه‌ای شفاف دارد که به راحتی قابل دسترسی است؛ از جمله مواضع صریح و روشن در برابر جریان انحرافی و فتنه که در رسانه‌ها به ویژه خبرگزاری فارس منتشر شده است.

آن روز که هنوز بسیاری از مخالفان سینه چاک امروز جریان انحرافی نمی‌دانستند که انحراف دولت چیست و از کجاست، بنده و بسیاری از دوستانم در مجلس و بیرون مجلس در حال مقابله با کجی‌ها در دولت و کمک به بقای شاخصه‌های مورد تأیید رهبری در شخص رئیس‌جمهور بودیم که الله‌اعلم؛ نمونه‌های علنی شده آن هم بسیار است که فقط یک نمونه آن یعنی سیلی محکم در مجلس شورای اسلامی به صورت فردی که چک

۵ میلیون جریان انحرافی را به برخی از مخالفان امروز جریان انحرافی اهدا می‌کرد، برای یادآوری کافی است.

۲. علیرغم تلاشی که صورت گرفته تا اثبات شود خبر فارس از مصاحبه بنده درست بوده، هنوز چنین مطلبی ثابت نشده و بر خلاف متن خبر اول که ادعا شده اینجانب گفته‌ام "هیچ سندی در خصوص انحرافی بودن برنامه‌های مشایی وجود ندارد و تاکنون نیز استناداتی به مجلس در این زمینه ارائه نشده است" و در پایان آن تاکید شده "زارعی حاشیه‌سازی‌هایی همچون مکتب ایران در برابر مکتب اسلام، قرار دادن روحانیت در حاشیه و روحیه خاص فرهنگی این گروه را عامل انحرافی خواندن مشایی عنوان کرد."، در متنی که تحت عنوان پیاده شده از نوار، منتشر شده، آمده است "به گزارش خبرنگار فارس از زنجان، علی اصغر زارعی در جمع خبرنگاران در پاسخ به خبرنگار ایرنا درباره اینکه آیا مجلس به مستنداتی در خصوص جریان انحرافی موسوم به مشایی دست یافته، اظهار داشت: طبق اطلاعاتی که من دارم، ما چیزی الان در مجلس در این زمینه مستند نداریم، اگر باشد اخبار و اطلاعاتی است که در اختیار کمیسیون اصل ۹۰ است."

آیا در متن پیاده شده جمله‌ای به این صراحت است که "هیچ سندی برای انحراف مشایی نداریم" یا گفته شده که این اسناد، در اختیار کمیسیون اصل نود است؟

جالب اینجاست که در پاراگراف بعدی همان خبر نخست، اعلام شده که زارعی نمونه‌هایی را برای نشانه انحراف مشایی ذکر کرده است که به نظر بنده نشانگر تناقض در نحوه تنظیم خبر است که از یک سو اعلام شده هیچ سندی نیست و بعد، نشانه‌هایی از انحراف در آن ذکر شده است!

۳. سؤال مذکور توسط خبرنگار خبرگزاری ایرنا پرسیده شد و پاسخ بنده هم بسیار شفاف و روشن بود؛ به همین دلیل خبرگزاری ایرنا که امروز به تریبون جریان انحرافی تبدیل شده، حاضر به درج و استفاده از آن خبر نشد؛ چون برایش سودی نداشت اما خبرگزاری فارس با کمی تغییر آن را مطابق میل خود منتشر کرد و جالب اینجاست که رسانه‌های جریان انحرافی بعداً "از خبر منتشره توسط خبرگزاری فارس در راستای اهداف خود بهره برد! آیا کسانی که در فارس این اقدام را انجام دادند، به جریان انحرافی خدمت نکردند؟

۴. متأسفانه مدتی است که در کشاکش موضوع انتخابات، برخی رسانه‌های منتسب به اصولگرایان نیز تخریب جبهه پایداری را در دستور کار خود قرار داده‌اند و همواره این سؤال را بی پاسخ گذاشته‌اند که آیا با وسیله نامقدس می‌توان به هدفی مقدس رسید؟

جبهه پایداری انقلاب اسلامی ترکیبی از نیروهای ولایی و ارزشمند است که هیچ دغدغه‌ای جز دفاع از انقلاب و حرکت در خط ولایت ندارند و همانطور که آیت‌الله مصباح اعلام کرده، افتخار این جبهه بهره‌مندی از مشورت بزرگانی چون ایشان است.^(۱)



۶- معمولاً وقتی افراد از بدنه دولت خارج می‌شوند، رویکرد انتقادی خود را شروع می‌کنند. به طور ملموس‌تر چرا اعضای جبهه پایداری موقعی که در بدنه دولت بودند، منتقد شدید نبودند و اکنون که اخراج شده‌اند انتقادهای خود را مطرح می‌کنند؟

غلامحسین الهام در این خصوص می‌گوید: «من همچنان حامی گفتمان دولت هستم در آن روز بودم و امروز هم هستم من در نامه‌ای که در سال ۸۷ به آقای رئیس‌جمهور نوشتم گفتم که چالشی بر سر حضور من هست من آماده هستم از همه کارهای دولتی اگر که شما بخواهید استعفا خواهم داد اما نسبت ما با دولت یک نسبت گفتمانی است در دولت باشیم و یا نباشیم از ارزش‌ها دفاع می‌کنیم.»

وی ادامه می‌دهد: «در آستانه مجلس هشتم هر خبرنگاری از ما در دولت نهم پرسیدند که شما در کابینه هستید یا نیستید پاسخ دادم که چه در کابینه باشم و چه در کابینه نباشم با دولت هستم و امروز هم با گفتمان ارزشی دولت همراهی داریم اما در آن موقعی که کسی مسیر را کج بکند همان روز ما موضع داشتیم هم امروز داریم و همین مراقبت‌های عمومی است که دولت را به خاطر این ضعف‌ها بهانه داد که ارزش‌های اصیلش را از بین ببرد ما امروز هم با کسانی که با دولت کینه خواهانه برخورد می‌کنند و دنبالند در چارچوب بعضی ضعف‌ها ارزش‌های اصیل دولت را بپوشانند مخالفیم و هنوز هم از آن ارزش‌ها دفاع می‌کنیم مجموعه دوستان ما هم همچنین نظری دارند و این یک رسالت امر به معروفی و نهر از منکری است به هیچ کس هم علاقه‌ای ندارد یعنی نسبتش با بودن پستش تعریف نمی‌شود پست‌ها ماموریت‌های گذرای هستند اگر که شما همچنین نگرش‌هایی را ببینید حتماً انتقاد

رسایی: در همین خانه‌نشینی احمدی نژاد که نقطه غیر قابل‌گذشتی در کارنامه احمدی نژاد است، صراحتاً رهبر انقلاب از مجلس و رسانه‌ها خواستند تا این موضوع را به متن جامعه‌نکشان‌دولی برخی از همین آقایان هر روز فریاد می‌زدند، کسانی که در برابر شعار مرگ بر اصل ولایت فقیه در فتنه ۸۸ و حامیان و ساکتین در برابر این شعار موضع انفعالی و توجیهی داشتند، به یکباره در روزهای خانه‌نشینی شدند مدافعان ولایت فقیه تا جایی که برگه طرح عدم کفایت سیاسی را دستشان گرفته بودند تا امضا جمع کنند، در حالی که می‌دانستند رهبری مخالف این روش برخورد با موضوع است.

می‌کنید جبهه پایداری جبهه مقابله و انتقام از دولت نهم نیست و دلیلی هم برای این کار ندارد، کار یک مسئولیتی بوده که پذیرفته اند و اکنون جا به جا شده اند.»

سخنگوی سابق دولت همچنین می‌گوید: «هرکس را شما ببینید با همین معیار سنجش کنید اگر که دیدید منی که امروز حرف می‌زنم حرف‌هایم بر این معیار است که در دولت نیستیم و حرف‌هایم این است که در دولت که وارد شوم مسائل حل می‌شود شما بدانید که من در ریل انقلاب حرکت نمی‌کنم. معیار را شما دارید همه ما را با معیارهایتان می‌سنجید اگر معیار این تنازعات باشد حتماً ما منحرف هستیم و این خودش انحراف است ولی چنین چیزی نیست اما بعضی مواقع یک اموری را فکر می‌کنید در یک چارچوب تذکره درونی قابل حل است و باید اینگونه عمل می‌کنیم و مراتب امر به معروف و نهی از منکر هم همین است یک وقت می‌بینیم که انتقاد را باید علنی و منطقی کرد باید رفت به آن فضا و این مراتبی است از برخورد با یک جریان غلط و گفتمان اشتباه است اگر که شما از اول بخواهید با یک اشتباه آن را از بین ببرید این یک حرکت افراطی است.»

وی می‌افزاید: «بالاخره هر دولت ضعف و قوت‌هایی را دارد باید در نسبت رفتاری با دولت در جهت رفع ضعف‌ها و تقویت نقاط قوت حمایت کرد. الان هم ما حامی نقاط برجسته ارزشی، پرکاری، عدالت خواهی، استکبار ستیزی، ایستادگی در مقابل مطالبات بیگانگان و دشمنان، مبارزه با فقر، مبارزه با فساد و رانت خواری همه این ارزش‌های خوب را باید حمایت کرد و هر جا هم که ضعیف شود باید با انتقاد سازنده به آن پاسخ داد.»^(۱)

۴۲- گفته می‌شود آقای محصولی چند ماه قبل دیداری با آقای احمدی‌نژاد برای انجام هماهنگی‌ها داشته است. آیا این مسئله دال بر هماهنگی جبهه پایداری و جریان انحرافی نیست؟

این خبر جعلی و دروغ از سوی پایگاه اطلاع رسانی صراط منتشر شد. این پایگاه نیز بلافاصله عذرخواهی کرد. در متن اطلاعیه‌ای که جبهه پایداری همان زمان در این خصوص منتشر کرد، چنین می‌خوانیم: «اخیراً در برخی رسانه‌ها که رویکرد تخریبی نسبت به جبهه پایداری انقلاب اسلامی پیش گرفته‌اند، تلاش شده است با خبرسازی و جعل اخبار، این جبهه را وابسته به برخی جریان‌های انحرافی جلوه دهند. بدین وسیله اعلام می‌شود این جبهه یک جریان گفتمانی است که مبانی فکری آن روشن و شفاف است و این مبانی در اولین همایش بزرگ جبهه پایداری، به وضوح اعلام شده است و بر همین اساس، این تشکل به افراد و گروه‌های سیاسی وابستگی ندارد.»

این اطلاعیه همچنین می‌افزود: «از جمله این خبرسازی‌ها خبر کذب پایگاه صراط نیز

است که متأسفانه در سایر پایگاه‌های وابسته به جریان‌های مختلف، بدون بررسی صحت خبر بازنشر شده است. لذا بدین وسیله اعلام می‌دارد که آقای محصولی وزیر سابق رفاه بعد از پایان دوره خدمتگزاری در دولت دهم، تاکنون هیچ جلسه‌ای با رییس جمهور محترم نداشته و این خبر به شدت تکذیب می‌شود.^(۱)

۴۳- گفته می‌شود جبهه پایداری و جریان انحرافی از یک عامل اقتصادی استفاده می‌کنند!

این هم از اخبار نادرست و کذبی است که علیه جبهه پایداری منتشر شد و البته این بار مورد تذکر آیت الله مهدوی کنی نیز قرار گرفت. غرویان و تقوی از چهره‌هایی بودند که این اتهام را مطرح کردند. حجت الاسلام تقوی عضو کمیته داوری جبهه متحد اصولگرایان از اشتراک‌کننده‌های جبهه پایداری و جریان انحرافی در برخی استان‌ها خبر داده و گفت که برخی اعضای جبهه پایداری عنوان کرده بودند که می‌خواهیم از پول جریان انحرافی استفاده کنیم.

غرویان نیز طی مصاحبه‌ای تصریح کرد: «اینکه جبهه پایداری و جریان انحرافی می‌خواهند از یک عامل اقتصادی و پشتوانه اقتصادی بالایی در انتخابات استفاده کنند و از اهرم پول و افراد در سیاست بهره‌برداری کنند شکی نیست. برخی صاحب نظران معتقدند که جریان انحرافی و جبهه پایداری از یک عامل اقتصادی استفاده می‌کنند.^(۲)»

در واکنش به این مسائل آیت الله مهدوی کنی در دیدار با چند عضو جامعه روحانیت مبارز از جمله سخنگوی این تشکل سیاسی با ابراز ناراحتی از مطرح شدن برخی بحث‌ها علیه جبهه پایداری توسط حجت الاسلام تقوی اظهار داشت: «این گونه اظهارات خصوصاً از سوی اعضای جامعه روحانیت مبارز به وحدت اصول‌گرایان ضربه خواهد زد و تمامی اعضای کمیته ۷+۸ خصوصاً اعضای کمیته ۷ نفره باید مراقب اظهار نظرات خود درباره جریان‌های سیاسی منتسب به اصولگرایی باشند تا خدای نکرده ما در وحدت اصولگرایان برای شرکت در انتخابات آینده متضرر نشویم.^(۳)»

در عین حال خبری به نقل از حجت الاسلام و المسلمین سالک با عنوان «قدرت جذب "پول" جریان انحرافی برای جبهه پایداری» در سایت نزدیک به محمد باقر قالیباف منتشر شد که با واکنش او مواجه گردید. حجت الاسلام سالک با انتقاد شدید از نحوه انتشار سخنان خود در سایت خبری ارگان قالیباف تاکید کرد: «بنده اعضای جبهه پایداری را قطعاً از اضلاع جبهه اصولگرایی می‌دانم و شاگردی و همراه اساتید بزرگی مانند حضرت آیت‌الله

(۱) سایت خبری رجانیوز - ۱۷ مرداد ۹۰

(۲) سایت خبری شفاف - ۲۶ مهر ۹۰

(۳) پایگاه اطلاع رسانی عصر امروز - ۱۳ مهر ۹۰

مصباح یزدی را در این ۴۰ سال برای خود افتخار می‌دانم.»
احمد سالک سخنگوی جامعه روحانیت مبارز تیر انتخاباتی این سایت (قدرت جذب «پول» جریان انحرافی برای جبهه پایداری) را حرکتی ژورنالیستی خواند و اظهار داشت: «من این سایت و برخی دیگر از سایت‌هایی را که به دنبال اغراض سیاسی خود هستند را نصیحت می‌کنم که دست از این کارها خود بردارند.» وی گفت: «مطالب بیان شده در این گفت و گو کاملاً روشن است من گفته‌ام که من شنونده این اخبار هستم و اطلاع دقیق از این اخبار ندارم، اما طوری مطالب منتشر شد که گویا من یقیناً این مطلب را گفته‌ام.»
سالک گفت: «این اتهامات منتشر شده به نقل از من، توهین به اعضای جبهه پایداری است. اعضا جبهه پایداری را بنده می‌شناسم آنها افرادی ولایی، معتقد، اصولگرا و دلسوز انقلاب اسلامی هستند. نقش تعیین کننده آنها در مقابله و مبارزه با جریان برانداز دوم‌خرداد و اصلاح طلبان در فتنه ۸۸ و حتی ساکتین بر کسی پوشیده نیست.^(۱)»

۴۴- چرا آقاتهرانی از خانه‌نشینی احمدی‌نژاد دفاع کرد؟ در ماجرای خانه‌نشینی احمدی‌نژاد چرا آقاتهرانی در مجلس پشت تریبون رفت و گفت احمدی‌نژاد هیچ فرقی نکرده است؟ یا یکی دیگر گفت بریده است!

چند سوال در اینجا مطرح است؟ آیا خانه‌نشینی احمدی‌نژاد که به بهانه‌ای برای رسانه‌های ضدانقلاب نیز بدل شد، قابل پذیرش و توجیه است؟ آیا این اقدام صحیح بود؟ همه اعضای جبهه پایداری این اقدام را نادرست و غیرقابل پذیرش و توجیه می‌دانند.
سوال دوم اینکه آیا در بازه زمانی خانه‌نشینی احمدی‌نژاد ضدانقلاب و ضدولایت فقیه شد؟ آیا باید او را هر چه سریعتر تبدیل به بنی‌صدر کرد و برای نظام هزینه تراشید؟ همه اعضای جبهه پایداری معتقدند او ضدولایت فقیه نشد اما در ولایت‌مداری مردود شد.
آنچه در خصوص موضع آقاتهرانی نسبت به خانه‌نشینی احمدی‌نژاد مطرح می‌شود مربوط به سوال دوم است. در واقع آقاتهرانی در متن منشر شده مشهوری که از او وجود دارد، در صدد نفی احتمال دوم یعنی ضد ولایت فقیه شدن احمدی‌نژاد است و الا بحثی بر سر اصل اشتباه بودن خانه‌نشینی نیست. آقاتهرانی همان زمانی که بحث معاون اولی مشایی پیش آمد در برخی جلسات موضع صریح گرفت و به ولایت‌مداری احمدی‌نژاد خدشه‌های صریح و جدی وارد کرد. منطق موضع ایشان در بحث خانه‌نشینی همان چیزی است که در پاسخ به سوال شماره (۳۷) توضیح داده شد.

دکتر آقاتهرانی شرح ماجرای دیدارش با دکتر احمدی‌نژاد را اینطور بیان می‌کند: «بنده تازه از سفر از چین برگشته بودم که مطلع شدم آقای احمدی‌نژاد در جلسات هیات دولت



شرکت نمی کند. بعد از شرکت در جلسه مجلس تصمیم گرفتم با دکتر احمدی نژاد دیداری داشته باشم آقای لاریجانی به من گفت من با رفتن شما مخالفم و بنده عرض کردم بنده مانعی برای این دیدار نمی بینم. درمقابل آقای لاریجانی اصرار کردند که لااقل استخاره کنید که بنده عرض کردم به نظر من اینجا جای استخاره نیست. سپس به منزل دکتر رفتم همسر ایشان آیفون را جواب دادند و گفتند دکتر در حال استراحتند بنده از ایشان خواستم به آقای احمدی نژاد بگویند بامن تماس بگیرند. وقتی به خانه رسیدم دیدم برخی سایتها نوشته اند که احمدی نژاد آقاتهرانی را به منزلش راه نداده است!! بعد از مدت زمانی دکتر با من تماس گرفت و از من خواست به منزل ایشان بروم.»

رسایی: آقای مطهری نشسته بود. بحث بر سر وزارت کشوری آقای محصولی بود. وقتی همین بحثها آنجا مطرح شد، آقای محصولی مجبور شد و گفت آقای مطهری! خانه شما را چه کسی برایتان خریده است؟! ... مطهری خطاب به محصولی گفت: شما! پرسید خانه شما بزرگتر است یا خانه من? ...

حجت الاسلام آقا تهرانی می افزاید: «وقتی به منزل ایشان رسیدم دم درب منزل ایشان پزشک احمدی نژاد را دیدم به من گفت بهتر است با دکتر ملاقات طولانی نکنی چون دکتر ضربان قلبش نامنظم است و فشارش شدت پایین افتاده است. بنده عرض کردم دیدارمان کوتاه خواهد بود. سپس به داخل منزل رفتم و با احمدی نژاد سر صحبت باز شد. احمدی نژاد گفت: بنده نمی دانم شایعاتی که درباره من و شرط و شروطی که با رهبری گذاشتم از کجا سرچشمه می گیرد بنده در دیدار با رهبری در اتاق تنها بودیم و چگونگی پخش این شایعات برایم عجیب است و نمی دانم این حرفها را از کجا می گویند. احمدی نژاد در ادامه گفت: بنده خدمت رهبرانقلاب رسیدم و به ایشان گفتم من با فشارهایی که بر دولت است به این نتیجه رسیدم که رسیدن به آرمانهایی که در این دولت تصمیم به اجرای آن را داشتیم غیرممکن است.»

آقاتهرانی ادامه می دهد: «احمدی نژاد در حالی که گریه می کرد گفت بنده نمی بخشم افراد حزب الهی ای را که به من تهمت زاویه داشتن با رهبری عزیز انقلاب را می زنند. در ادامه من به احمدی نژاد گفتم طرحی درمجلس است که برخی نمایندگان به دنبال سوال از رئیس جمهورند که احمدی نژاد با روی باز گفت: من از این قضیه استقبال میکنم چرا که در این صورت می توانم در آنجا ناگفته های خود را بیان کنم.»

دکتر آقاتهرانی می افزاید: «بنده بعد از جلسه به مجلس رفتم نمایندگان بسیاری به

سراغم آمدند و جویای خبر دیدار من با احمدی نژاد شدند. پس از اظهارات من در مورد آنچه دکتر گفته بود عده ای از نمایندگان باز ادعای زاویه داشتن احمدی نژاد با رهبری را مطرح کردند که بنده به آنها گفتم آیا می‌توانید دست روی قرآن بگذارید و ادعای خود را تکرار کنید که همه آنها یکه خوردند.^(۱)»

حجت الاسلام والمسلمین آقانهانی از انتشار کتابی در آینده نزدیک در خصوص جریان انحرافی خبر داده است. او گفته: «در حال نگارش کتابی درباره جریان انحرافی هستم که اگر رسانه‌ها تقوا پیشه کنند، بزودی آن را منتشر می‌کنم... در گفتگویی که با احمدی نژاد داشتم، او گفت که ۱۱ روز خانه‌نشینی‌اش به دلیل مخالفت با رهبری نبوده است. البته من معتقدم که رئیس جمهور باید مسائل و ابهاماتی را که در این زمینه در جامعه مطرح است، هر چه سریعتر پاسخ بگوید.^(۲)»

در بازه زمانی خانه‌نشینی احمدی نژاد اعضای جبهه پایداری در منزل او حاضر شدند و با او اتمام حجت کردند. در عین حال توجه داشتند که خواست رهبری جمع شدن این ماجراست. رسایی در این خصوص می‌گوید: «در همین خانه‌نشینی احمدی نژاد که نقطه غیر قابل گذشتی در کارنامه احمدی نژاد است، صراحتاً رهبر انقلاب از مجلس و رسانه‌ها خواستند تا این موضوع را به متن جامعه نشانند ولی برخی از همین آقایان هر روز فریاد می‌زدند، کسانی که در برابر شعار مرگ بر اصل ولایت فقیه در فتنه ۸۸ و حامیان و ساکتین در برابر این شعار موضع انفعالی و توجیهی داشتند، به یکباره در روزهای خانه‌نشینی شدند مدافعان ولایت فقیه تا جایی که برگه طرح عدم کفایت سیاسی را دستشان گرفته بودند تا امضا جمع کنند، در حالی که می‌دانستند رهبری مخالف این روش برخورد با موضوع است.»

۴۵- کسانی که از ساکتین فتنه انتقاد می‌کنند، خود متهمند به اینکه به جای تدبیر در آتش فتنه دمیدند.

علی مطهری می‌گوید: «از نظر بنده برخی از اعضای جبهه پایداری خود از مردودین فتنه هستند، آنان با عملکردشان در تشدید بحران و فتنه سال ۱۳۸۸ نقش داشتند، آنان تخلفات طرف خودی را ندیدند و قضاوت عادلانه و منصفانه نداشتند و با برخوردهایی که با معترضان داشتند باعث جری شدن طرف مقابل و شعله‌ورتر شدن آتش فتنه شدند، این افراد با پخش مستقیم دادگاه‌ها، با اتهامات و تهمت‌هایی که به بسیاری از معترضان زدند فضا را تندتر کردند، آنان کوچک‌ترین انتقاد مؤثری به نحوه مناظره احمدی نژاد، حادثه کوی دانشگاه

۹۷ (۱) البرزنیوز ۱۱ اردیبهشت ۹۰

(۲) نسیم ۲۳ آبان ۹۰

و کهریزک نکردند و این در حالی بود که مقام معظم رهبری در موضوع کوی دانشگاه و کهریزک به صراحت موضع گیری کردند.^(۱)»

کم کاری آقایان در ماجرای فتنه و دوپهلو گویی آنان تا بدانجا بود که مقام معظم رهبری ناگزیر از عمار یاسر سخن گفتند و فرمودند: «آین عمار!»

برخی گمان می کردند می شود با موضع غیرشفاف و مثلاً بی طرف به رفع فتنه کمک کرد. رهبر انقلاب صریحاً این رویکرد را نفی کردند و همه را به صراحت و مرزبندی روشن دعوت نمودند. ایشان فرمودند: «علاج عبارت است از صراحت در تبیین حق، صراحت در بیان حق. وقتی شما می بینید یک حرکتی به بهانه‌ی انتخابات شروع میشود، بعد یک عامل "دشمن"ی در این فضای غبار آلوده وارد میدان شد، وقتی می بینید عامل دشمن - که حرف او، شعار او حاکی از مافی الضمیر اوست - آمد توی میدان، اینجا باید خط را مشخص کنید، اینجا باید مرز را روشن کنید. همه وظیفه دارند؛ بیشتر از همه، خواص؛ و در میان خواص، بیشتر از همه، آن کسانی که مستمعین بیشتری دارند، شنوندگان بیشتری دارند. این وظیفه است دیگر.»

ایشان تصریح کردند: «اینجور نباشد که باطل، خودش را در لابه لای گرد و غبار برخاسته‌ی در میدان مخفی کند، ضربه بزند و جبهه‌ی حق نداند از کجا دارد ضربه میخورد. این است که حرف دو پهلو زدن، از خواص، مطلوب نیست. خواص باید حرف را روشن بزنند و مطلب را واضح بیان کنند. این، مخصوص یک گرایش سیاسی خاص هم نیست. در داخل نظام اسلامی، همه‌ی گرایشهایی که در مجموعه‌ی نظام قرار دارند، اینها باید صریح مشخص کنند که بالاخره آن حمایتی که مستکبرین عالم میکنند، مورد قبول است یا مورد قبول نیست. وقتی که سران استکبار، سران ظلم، اشغالگران کشورهای اسلامی، کشندگان انسانهای مظلوم در فلسطین و در عراق و افغانستان و خیلی جاهای دیگر، می آیند وارد میدان میشوند، حرف میزنند، موضع میگیرند، خوب، باید معلوم بشود این کسی که در نظام جمهوری اسلامی است، در مقابل این چه موضعی دارد؛ حاضر است تبری بجوید، بگوید من دشمن شمایم؟ من مخالف شمایم؟»

رهبر انقلاب تصریح کردند دوپهلو گویی کمک به غبار آلوده تر شدن فضا است. ایشان فرمودند: «وقتی در داخل محیط فتنه، کسانی با زبانشان صریحاً اسلام و شعارهای نظام جمهوری اسلامی را نفی میکنند، با عملشان هم جمهوریت و یک انتخابات را زیر سؤال میبرند، وقتی این پدیده در جامعه ظاهر شد، انتظار از خواص این است که مرزشان را مشخص کنند، موضعشان را مشخص کنند. دوپهلو حرف زدن، کمک کردن به غبار آلودگی فضا است؛ این کمک به رفع فتنه نیست، این کمک به شفاف سازی نیست. شفاف سازی، دشمن دشمن است؛ مانع دشمن است. غبار آلودگی، کمک دشمن است. این، خودش

شد یک شاخص. این یک شاخص است: کی به شفاف‌سازی کمک میکند و کی به غبار آلودگی کمک میکند. همه این را در نظر بگیرند، این را معیار قرار بدهند.»

رهبر انقلاب به کسانی که مدام حواشی انتخابات را برجسته می‌کنند و جرم و مسئله اصلی را نمی‌بینند هم نهیب زدند. ایشان فرمودند باید مسائل را اصلی و فرعی کرد و مسئله اصلی زیر سوال بردن اصل انتخابات بود. ایشان فرمودند: «در همین مسائل اخیر، مسائل را باید اصلی فرعی کرد؛ مسئله‌ی اصلی چیست؛ یک سلسله مسائل فرعی هم پیرامون اوست؛ نه اینکه آن مسائل فرعی کم‌اهمیت است، اما مسئله‌ی اصلی اهمیتش بیشترش از آنهاست. مسئله‌ی اصلی در این قضایای اخیر، اصل انتخابات بود؛ زیر سؤال بردن اصل انتخابات بزرگترین جرمی بود که انجام گرفت. چرا شما نسبت به این جرم چشمتان را می‌بندید؟! این همه زحمت کشیده بشود، مردم بیایند، یک شرکت به این عظمت، یک نصاب‌شکنی، یک رکودشکنی در دنیا در مردمسالاری، در دموکراسی‌ای که اینقدر ادعایش را میکنند، انجام بگیرد، بعد یک عده مفت و مسلم بیایند بدون استدلال، بدون دلیل، همان فردای انتخابات بگویند: انتخابات دروغ است! این کار کوچکی است؟! این جرم کمی است؟! ... دشمن هم حداکثر استفاده را از این کرد... دیدند عناصری وابسته‌ی به خود نظام، از خود نظام، دارند این جور میداناری می‌کنند، اینها هم وقت را مغتم شمردند، آمدند داخل میدان.»

آقای مطهری متهمند به اینکه نه تنها در وسط میدان فتنه نبودند و به شفاف‌سازی کمک نکردند، بلکه با برجسته کردن مسائل فرعی گاه حتی به نفع دشمن عمل کردند. رهبر انقلاب پیگیری کهریزک را خواستار شدند اما آیا هر گزارشی باید از تریبون مجلس شورای اسلامی پخش شود؟ آیا باید مسائل فرعی را در حد مسائل اصلی برجسته کرد و اصل جرم را به فراموشی سپرد؟ آقای مطهری چند سخنرانی و مصاحبه علیه فتنه دارند؟

۶۶- پاسخ شما در مورد ثروت محصولی چیست؟ آیا شرایط او با ساده زیستی و خط امام تطابق دارد؟!

چند سوال در اینجا مطرح است. ۱- نگاه اسلام به تولید و مصرف ثروت چیست؟ آیا تولید ثروت و اشرافیگری قابل تفکیک است؟ ۲- آیا در طول نهضت از اصناف و بازار و صاحبان سرمایه کسانی بودند که در جبهه انقلاب قرار بگیرند و همراه و همگام امام باشند؟ اگر آری، مواجهه امام با چنین افرادی چه بوده است؟ اساساً نقش بازاریان در نهضت چگونه بود؟ آیا امام از بازاریان هم تجلیل داشتند؟

اسلام با تولید ثروت مخالف نیست؛ با اشرافیگری مخالف است. رهبر انقلاب می‌فرمایند: «نظام اسلامی با تولید ثروت مخالف نیست، با ایجاد ثروت مخالف نیست، بلکه مشوق اوست. اگر تولید نباشد، اگر ایجاد ثروت نباشد، حیات و بقای جامعه به خطر

خواهد افتاد، اقتدار لازم را جامعه به دست نخواهد آورد؛ این یک اصل اسلامی است. اما اینی که آحاد مردم دلشان لک بزند برای مسابقه اشرافی گری، برای تجمل پرستی، این یک چیز بسیار نامطلوب است؛ این چیزی است که متأسفانه در درون ما هست؛ همان طور که قبلاً هم گفته‌ام: اسراف و مصرف گرایی افراطی.^(۱)

امام نهضت را مدیون اصناف و بازاریان می دانستند و می فرمودند: «من باید تشکر کنم از همه اصناف و اشخاصی که بازاری هستند، به هر صورتی که هستند، من باید از آنها تشکر کنم که در این نهضت سهم عظیمی آنها داشتند. و اگر بازارهای ایران نبود معلوم نبود که ما بتوانیم به مقصد برسیم. این پشتیبانی بازارهای ایران و پشتیبانی سایر اصنافی که ما داریم، این اسباب این شد که الحمدلله تاکنون به این پیشرفت عظیم رسیده است.»

در نهضت برخی چهره‌هایی که گرد امام آمدند اتفاقاً از سطح مالی مناسبی برخوردار بودند. بسیاری از چهره‌هایی که بعدها در هیئت‌های موتلفه اسلامی گرد هم آمدند، از بازاریان صاحب نام بودند. چهره‌هایی چون عسکراولادی و امانی و شفیق و... از این جمله‌اند.

امام بارها و بارها از نقش و اهمیت بازار در پیشبرد اسلام سخن بر زبان رانده‌اند و با جمع آنان سخن گفته‌اند. در یک نمونه ایشان در جمع نمایندگان اصناف و بازاریان تهران و سراسر کشور می فرمایند: «بازار یکی از قشرهای عظیم متعهد به اسلام و در هر غائله‌ای که برای اسلام پیش آمده است، این بازار است که پیشقدم است. در قضیه تنباکو و حکم مرحوم میرزای شیرازی - اعلی الله مقامه - این بازار بود که همراهی کرد و منتهی به قیام شد. بعضی از بازرگانان اصفهان، از قراری که نقل شده است، یکی از بازرگانهای معتبر بوده است، تمام تنباکوهایی که داشته است و آن وقت تاجر تنباکو هم گفته می شود بوده است، پس از حکم میرزا، آورد در میدان شاه و آتش زد؛ و مشابه او بازارهای دیگر در تأیید حکم میرزا در آن وقت قیام کردند، حتی شهید هم دادند. و پس از آن، در طول مشروطیت و استبداد به صورت مشروطیت، باز در هر زمینه، این بازار است که پیشقدم است و همراه با سایر قشرهای ملت از کارگران و کشاورزان و امثال اینها، مجاهده کرده است و مشکلات را تحمل کرده است و در پیشبرد مقاصد اسلام آنچه که توان داشته است، عمل کرده است. و در این پنجاه سال سیاه که تاریخ ایران را سیاه کرد، سیاه تر از رژیمهای سابق کرد، فشار بر بازار بسیار بود و بیشتر بود و از بازار، آنها خیلی وحشت داشتند و لهذا یک وقت هم بنای بر این گذاشتند که این سقفها را خراب کنند؛ از زیر این سقفها خوف داشتند، لکن موفق نشدند. و در این نهضت، بازار یک حظ وافر در امور داشت از تعطیلی‌هایی که کرد، از اعتصابات که کرد، البته سایر قشرها هم سهم بودند، لکن بازار هم یک قشر عظیم سهم در این امر بود. و در این جنگ هم، بازار هم در جبهه فرستاد و هم در پشت جبهه خدمت

کرد. و الآن هم باز، بازار است که خدمت می کند و از اسلام عزیز و از جمهوری اسلامی نگهداری می کند.»

شیوه انقلاب و امام البته رفاه طلبی نبوده و نیست و از منظر خط امام رفاه طلبی با اصول بنیادین نهضت سر ناسازگاری دارد. چنانکه امام هم در بیانات متعدد خود بر این مضمون تاکید کرده اند. اما آیا این بدین معناست که هر کس به واسطه فعالیت های اقتصادی سالم خود به توانمندی هایی رسید و خواست توان و انرژی خود را در مسیر انقلاب به کار بندد، باید از همه صلاحیت های لازم محروم شود و مثل یک دزد و غارتگر در مورد او سخن بگویند؟ همین ساده لوحی ها و تحجرها خود را در موقع رأی اعتماد به صادق محصولی هم نشان داد. مگر از همین سیاسیون الان که اتفاقا خیلی هایشان صاحب ادعا هستند، کسانی نیستند که دستی در بازار سرمایه داشته باشند؟ چرا فقط محصولی بد شده است؟ واقعا این تخریب ها را باید انتقاد دلسوزانه انگاشت؟! آیا مشی امام هم همین چیزی بود که این بانیان تخریب بیان می کنند؟

محصولی خود در خصوص انتقاداتی که نسبت به او مطرح می شود، می گوید: «در اسلام نسبت به تولید ثروت نظر مثبت است، اما چگونه خرج کردن آن نیز مهم است و لذا نه تنها باید از راه مشروع به دست آمده باشد بلکه باید در راه مشروع نیز مصرف شود.»

وی می افزاید: «از دیگران پرسید که بچه های محصولی چطور زندگی می کنند» محصولی می گوید: «یکی از پسرانم مهندسی هوش مصنوعی در دانشگاه امیرکبیر می خواند و پسر کوچک ترم نیز طلبه است، در سطح متوسط جامعه هستیم و از آن بالاتر نمی رویم، ماشین پسر من یک پراید مدل ۸۰ است اما بینید ماشین پسران مسوولان دیگر چیست.»

محصولی ادامه می دهد: «اگر مساله ای در مورد ثروت من وجود داشت تا به حال باید سندی ارائه می شد، اما اصل قضیه از آن جایی شروع شد که وقتی نام من برای وزارت نفت مطرح شد مافیای نفت پیغام دادند که هوای ما را داشته باشید که ما پاسخ دادیم اگر بیایم برای زدن هوای شما خواهیم آمد، آن ها به دنبال کسی بودند که با آن ها همراهی کند و اول منافقین بودند که تیتراژ زدند "سردار ۲۰ میلیاردی". این است که می گویم بی دینی مالیات ندارد.»^(۱)

حمید رسایی می گوید: «آقای محصولی دوبار از مجلسی رای گرفت که شمشیرش را بسته بود که دولت را زمین بزند. هر دو بار بحث اموال محصولی به شکل پررنگی مطرح شد. هر بار هم ما گفتیم یک سند کسی به ما نشان دهد که نشان دهد اموال ایشان از راه نامشروع به دست آمده است. ما واقعا تعارف نداریم. ما با احمدی نژادش هم تعارف نداریم. هیچ کس چنین چیزی به ما نشان نداد. آقای محصولی هم از وقتی در دولت آمد، کار اقتصادی نکرد. بقیه با جیب خالی در دولت رفتند و کامیون کامیون ثروت از دولت بیرون آمدند. یک

آدمی با جیب پر در دولت رفته و کار اقتصادی‌اش را هم زمین گذاشته. تا نشانه‌ای نداشته باشیم نمی‌توانیم بگوییم چون محصولی اموالی دارد، پس حتما تخلف کرده.»

وی همچنین می‌افزاید: «آقای مطهری نشسته بود. بحث بر سر وزارت کشوری آقای محصولی بود. وقتی همین بحث‌ها آنجا مطرح شد، آقای محصولی مجبور شد و گفت آقای مطهری! خانه شما را چه کسی برایتان خریده است؟ نه اینکه پولش را چه کسی داده. پرسید چه کسی واسطه شد که خانواده شهید مطهری در آن خانه بروند. مطهری خطاب به محصولی گفت: شما! پرسید خانه شما بزرگتر است یا خانه من؟ مطهری گفت خانه ما بزرگتر است. پرسید خانه لاریجانی بزرگتر است یا خانه من؟ جواب داد خانه لاریجانی! من خانه ایشان البته نرفتم ولی آقای الهام رفته است. می‌گویند خانه بزرگی دارد اما زندگی‌اش کاخ‌نشینی نیست. خودش هم می‌گفت ما قبل از انقلاب اینجایی که هستیم، زمین خریدیم الان بالا شهر شده!»

۶۷- جبهه پایداری که اکنون این قدر از لاریجانی انتقاد می‌کند، خود در روی کار آمدن لاریجانی بزرگترین مقصر است. ماجرای کودتای جبهه پایداری علیه حداد و حمایت از لاریجانی با چه توجیهی انجام شد؟

آن روز که جبهه پایداری از ریاست لاریجانی حمایت کرد، او با عناوینی چون سیمای لاریجانی شناخته می‌شد و مورد اعتراض مخالفان جبهه انقلاب بود. البته او به وعده‌هایش پایبند نماند و در مجلس به گونه‌ای دیگر عمل کرد. آن روزها بحث تعامل دولت و مجلس از جمله مطالبات رهبر انقلاب بود.

حمید رسایی در این خصوص می‌گوید: «آقای لاریجانی گفت من پیش آقا رفتم و ایشان فرمودند برای من تفاوتی ندارد. فقط دلم می‌خواهد هر کس رئیس مجلس می‌شود با دولت تعامل کند. از آقای حداد سوال کردیم که آیا آقا صحبتی با شما نداشته‌اند؟ ایشان هم گفت من پیش آقا رفتم و ایشان فرمودند برای من فرقی نمی‌کند. هر کس رئیس مجلس می‌شود با قوا به ویژه دولت تعامل داشته باشد.»

آن روزها فضای نامه‌نگاری‌های تند و تیزی میان رؤسای دولت و مجلس کلید خورده بود و از این وضعیت هم رهبر انقلاب رضایت نداشتند. حتی در یکی از دیدارها ایشان از مجلس به صراحت خواستند با دولت مباحثات کند که البته این تعبیر چندان به مذاق برخی اصولگرایان مجلس خوش نیامد. به واسطه فضای نامطلوب تعاملی که در اواخر مجلس هفتم شکل گرفته بود، جمع‌بندی برخی اعضای کنونی جبهه پایداری به سمت لاریجانی تغییر کرد. اگر برخی دیگر از اعضای جبهه پایداری چون صادق محصولی با این مسئله مخالف بودند.

محصولی در این خصوص می‌گوید ملاک باید حال فعلی افراد باشد. او توضیح می‌دهد: «در نظر بگیریم که دوستان ما آقای لاریجانی را رییس مجلس کرده باشند که به طور قطع بنده جزو آنها نبودم و نظر مخالف خود را به آقای احمدی‌نژاد هم عرض کرده بودم و ایشان در جریان بود و الان با صراحت عرض می‌کنم ولی فرض کنید که بنده یا یکی از دوستان ما با استدلالی به این نتیجه رسیده باشد، خوب وقتی که عملکرد ایشان را در جریان فتنه دیدند، آن را اعلام می‌کنند و نظرشان تغییر می‌کند و این توصیه اسلام است.^(۱)»

اگر جبهه پایداری روزی از لاریجانی دفاع کرد، دفاع او از لاریجانی انقلابی بود، مسئله این است که مدعیان اصولگرایی چرا اکنون با لاریجانی مردود دفاع می‌کنند؟! علیرضا معاف در این خصوص می‌نویسد: «سؤال ما از دوستانمان این است که اعضای جبهه پایداری یا همان فراکسیون انقلاب اسلامی اگر در سال ۸۷ علی‌رغم احترامی که برای دکتر حداد عادل قائل بودند از لاریجانی حمایت کردند، بر اساس استدلال‌های روشن و از جمله سوابق آقای لاریجانی در دفاع از مبانی انقلاب و وعده ایشان در خصوص تعامل و همکاری با دولت بود که همواره مورد مطالبه رهبری انقلاب بوده است و اگر به فاصله چند ماه از این حمایت اعلام براءت کردند و بر آن تاکنون مانده اند نیز به دلیل پیوند آقای لاریجانی با اصلاح طلبان مجلس و همکاری با عده ای در مانع تراشی برای خدمات دولت نهم بوده است بویژه که آقای لاریجانی در فتنه ۸۸ کاملاً در پازل جریان فتنه و سبزی‌ای نقش کرد. اما سؤالمان این است که شما چرا علی‌رغم اطلاع از همه این ویژگی‌ها و سوابق آقای لاریجانی، امروز به متحدان اصلی خواص مردود و ساکتین در فتنه ۸۸ تبدیل شده اید؟ آیا منکر تاثیر سکوت لاریجانی و قالیباف و سایر خواص مردود در تنفس مصنوعی به فتنه ۸۸ هستید؟ اگر هستید چرا از اعلام صریح آن ابا دارید؟»

۴۸- شما که این همه دم از ولایت می‌زنید، خانه نشینی حسینیان و استعفا او از نمایندگی به خاطر انتصاب قاضی عسگر را چگونه توجیه می‌کنید؟ آیا این به منزله مخالفت با حکم رهبری نبود؟

این انتساب به روح الله حسینیان از جمله مطالب تخریبی است که علیه او منتشر شده، هیچ شاهی برای آن نیست و مکرراً هم تکذیب شده. متن استعفانامه روح الله حسینیان کامل مشخص است و در پاسخ به سوال (۱۷) فرازهایی از آن ذکر شد. در متن استعفانامه اعتراض حسینیان عمدتاً به عملکرد ریاست مجلس و رئیس‌جمهور است که البته مسائل مجلس در میان متن استعفانامه او بیش از همه برجسته است. حمید رسایی می‌گوید: «اینکه آقای حسینیان در اعتراض به آقا استعفا داده، این درست نیست واقعا، این را القا کردند.»

انتصاب حجت الاسلام قاضی عسگر از سوی رهبر معظم انقلاب به عنوان نماینده ولی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی انجام شد. رسایی در مورد مسئله قضای عسگر این گونه توضیح می‌دهد: «آقای حسینیان می‌گفت آقای قاضی عسگر کسی است که من پای منبرش نشسته‌ام؛ در منبر به آقا اعتراض کرده و حرفهایی زده. حسینیان رفت با آقا اینها را مطرح کرد.»

رسایی با اشاره به مسئله استعفای حسینیان هم می‌گوید: «آقا به ایشان امر کرد که شما باید در مجلس بمانید. بعد هم ایشان آمد گفت استعفایی که دادم را پس می‌گیرم و اشتباه کردم.»

حسینیان خود در این خصوص در گفتگو با خبرگزاری فارس می‌گوید: «اینکه بنده در رابطه با انتخاب حجت الاسلام قاضی عسگر استعفا کرده‌ام، یک تهمت است؛ بنده در رابطه با انتصاب وی حرف‌هایی داشتم اما زمانی که جواب گرفتم، قانع شدم. این مسئله هیچ ارتباطی با مقامات عالی‌رتبه نظام ندارد و اینها چیزهایی است که برخی می‌تراشند چرا که هیچ نقطه ضعفی پیدا نمی‌کنند لذا موضوعاتی برای ما درست می‌کنند.» وی ادامه می‌دهد: «بنده در متن استعفانامه خود هم نوشته بودم که این استعفا در اعتراض به رؤسای دفاتر لاریجانی و احمدی‌نژاد و به خاطر وامی که داده بودند، درخواست شده است.»

با این حال خبرگزاری مهر مصاحبه‌ای را از روح الله حسینیان منتشر کرد که مورد سوء استفاده سایت خبری فردا منتسب به قالیباف قرار گرفت و با صدور جوابیه از سوی حسینیان مواجه شد. فردا نوشت: «در اعترافی جالب وی دیروز در پاسخ به خبرنگار مهر که از درباره ابهامات و اشکالات مطرح شده از سوی برخی در مورد استعفای وی در خصوص حکم آقای قاضی عسگر نماینده ولی فقیه در سازمان حج و زیارت پرسید، گفت: اشکالات به این اقدام بنده وارد است. اعتراف می‌کنم که اشتباه کردم و بنابراین اشکال مردم و یا هر کس دیگر به بنده در این خصوص وارد است.»

فردا با لحنی تامل برانگیز حسینیان را کاسبکار سیاسی نامید و نوشت: «بنابراین می‌توان در این باب حکم داد آقای حسینیان در آن دوران عامدانه "دروغ" گفته است و با شانتاژ سیاسی قصد داشته است امیال خود را به پیش برد. این امر با ادعاهای پرطمطراق و وحدت شکنانه ایشان در این روزها کاملاً قابل جمع است. آیا کسی که اینچنین بی‌صداقنی می‌کند و "دروغ" می‌گوید شایستگی این را دارد که برای اصولگرایان خط مشی تعیین کند؟» این سایت خبری افزود: «آیا کسی که این منش سیاسی را دارد شایستگی این امر را که "اصولگرا" خطاب شود دارد؟»^(۱)

پاسخ حجت الاسلام حسینیان به سایت فردا بدین شرح است:

«مدیر محترم سایت فردا

جناب آقای نوروزی دامت توفیقات

با عرض سلام و آرزوی توفیق در جهت انقلاب اسلامی ایران چنانچه خود آگاهید سایت فردا پیوسته نسبت به اینجانب نظری انتقادی داشته و بارها سخنان اینجانب را مورد نقد قرار داده است و بنده تاکنون هیچ گاه پاسخی نداده بودم زیرا معتقدم نقد لازمه زندگی سیاسی همه ماست هر چند معتقدم هیچ یک از نقدهای شما منصفانه نبوده است با این حال به روزنامه نگاران باید این فرصت را داد تا باب نقد بسته نشود زیرا در آن صورت همه ضرر خواهیم کرد.

اما در تاریخ ۲۱ آبان مقاله ای منتشر نموده اید با عنوان: حسینیان پس از دو سال اعتراف کرد این بی صداقتی چگونه توجیه می شود که متاسفانه این مقاله حاوی توهین ها و اتهامات بی اساس است که سزاوار نیست که این گونه قلم را به آن بیالایید لازم می دانم چند نکته را در این مورد تذکر دهم.

۱- سایت فردا این مقاله را بر مبنای خبری تنظیم کرده است که از اساس تحریف شده است. روز ۵ شنبه خبرنگار در حضور لاقل ۵ نفر از دوستان و خبرنگاران دیگر در پایان سوالهای خود از این جانب پرسید بعضی از مردم در استعفای شما می گویند شما اشتباه کرده اید من نیز در پاسخ گفتم حق با مردم است و من اشتباه کرده ام.

در تلویزیون در انظار هزاران بیننده گفتم من در مورد استعفا اشتباه کردم زیرا در آن زمان مایوس شده بودم و مومن نباید مایوس شود. در شیراز و در دانشگاه این شهر نیز به عینه اعتراف به اشتباه کردم.

اما متاسفانه خبرگزاری مهر به جای نقل عین مطالب سوال شده و پاسخ داده شده، آمده است سوال خود را برداشته و این جمله را قرار داده است: حسینیان در پاسخ به خبرنگار مهر درباره ابهامات و اشکالات مطرح شده از سوی برخی در مورد استعفای وی در خصوص حکم قاضی عسگر نماینده ولی فقیه در سازمان حج و زیارت گفت: اشکالات به این اقدام بنده وارد است.

لااقل چند نفر شاهدند که خبرنگار مهر هرگز نام قاضی عسگر نبرد. چه اینکه اگر چنین سوال می کرد همان پاسخی را می دادم که به خبرنگار فارس داده بودم و اینکه استعفای من هرگز مربوط به انتصاب آقای قاضی عسگر نبود.

البته وقتی صحبت از انتصاب قاضی عسگر شد من حرفهایی داشتم که به دفتر مقام معظم رهبری انتقال دادم و دو بار از دفتر رهبری با من تماس گرفتند و ادله ی انتصاب را ذکر کردند و من به آنها گفتم من تابع نظرات رهبری هستم و موضوع تمام شد.

۲- من با نقد شما حرفی ندارم؛ ولی توهین و اتهام چیز دیگری است. من یک بار عبارت شما را نقل میکنم خود قضاوت کنید آیا این نوع نقد کردن صحیح است.

شما در این مقاله نوشته اید: بنابراین خبر مهم می توان در این باب حکم داد آقای

حسینیان در آن دوران عامدانه دروغ گفته است و با شانتاژ سیاسی قصد داشته است امیال خود را به پیش ببرد. این امر با ادعاهای پر طمطراق و وحدت شکنانه ایشان در این روزها کاملاً قابل جمع است. آیا کسی که این چنین بی صداقتی می کند و دروغ میگوید شایستگی این را دارد که برای اصولگرایان خط مشی تعیین کند؟ نکته جالبتر اینکه اوج کاسبکاری سیاسی این کاسیین فته را عیان می کند.

جناب آقای نوروزی خود قضاوت کنید به کار بردن این عبارات صحیح است؟

والله خیر الحاکمین

روح الله حسینیان^(۱)

۴۹- ماجرای گرین کارت حجت الاسلام و المسلمین آقاههرانی چیست؟

اولین بار این عماد افروغ بود که در یک گفت و گوی خبری راجع به "گرین کارت" یک نماینده سخن گفت و در ارائه نشانی از او گفت که این نماینده "وکیل الدوله" است! او بعد از این در مصاحبه‌ای تصریح کرد: «اسم این نماینده را از آقای مطهری و دیگر نمایندگان منتقد دولت پرسید. شما مطمئن باشید که یکی از نماینده‌های مجلس گرین کارت دارد و خودش نیز عنوان کرده که گرین کارت دارد.»

حجت الاسلام و المسلمین آقاههرانی مسئولیت برگزاری نماز جمعه و اداره مؤسسه اسلامی نیویورک را بر عهده داشت. او علاوه بر تحصیلات حوزوی، فوق لیسانس روانشناسی را از مؤسسه امام خمینی (که آن روزها به نام بنیاد باقر العلوم شناخته می شد) گرفته بود و سپس در قالب یک گروه، با نظر آیت الله مصباح به همراه زن و فرزند عازم غرب شده بود. وی از دانشگاه مک گیل در مونترال مدرک فوق لیسانس عرفان گرفت. سپس به آمریکا مهاجرت کرد و در سال ۲۰۰۰ از دانشگاه ایالتی نیویورک در بینگهمتون با تری با موضوع "درباره عرفان غیر نمادین ابن سینا" مدرک فوق لیسانس فلسفه گرفت. مسئولیت آقاههرانی در نیویورک با اخذ مدرک دکترای فلسفه عرفان و پایان کار درسی اش در آنجا به پایان رسید.

حجت الاسلام ناصر سقایی بی ریا مسئول دفتر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، با اشاره به جنجال رسانه‌ای ایجاد شده علیه آقاههرانی می گوید: «این مساله اشتباه فاحشی است که یا در اثر کم اطلاعی و یا بی سوادی اتفاق افتاده و یا افراد این مساله را می دانستند و عمداً این اشتباه را دامن زدند.»

وی می افزاید: «گرین کارت تابعیت نیست، تابعیت اصطلاحاً "ستیزن شپ" است، گرین کارت یک ویزای دائمی است که به کسانی که پنج سال در آمریکا ساکن باشند تعلق

می‌گیرد و مستلزم هیچ گونه قسم و امثال آن نیز نیست.»
رییس مجمع نمایندگان طلاب و فضلای حوزه علمیه قم می‌افزاید: «گرین کارت یک مدرک سکونت در کشور آمریکا است که به کسانی که در آنجا ساکن هستند اجازه می‌دهد تردد بدون تقاضای ویزا داشته باشند. شاهد بر اینکه گرین کارت تابعیت نیست، این است که برای کسانی که گرین کارت دارند گذرنامه آمریکایی صادر نمی‌شود و با وجود این کارت رفت و آمدهایشان روی گذرنامه ای که از کشور خودشان دارند صورت می‌گیرد.»^(۱)

بهمن کشاورز حقوقدان و رییس اتحادیه سراسری کانونهای وکلای دادگستری ایران هم می‌گوید: «داشتن گرین کارت صادره از جانب دولت آمریکا به مفهوم داشتن اجازه اقامت و کار در ایالت متحده است. بدون اینکه آن فرد به تابعیت دولت آمریکا در آید.»
وی ادامه می‌دهد: «در حالت اول یعنی داشتن گرین کارت، فرد تبعیت آمریکا را ندارد و در حالت دوم تبعه آمریکا خواهد شد. در مورد اول بدیهی است که اقامت تنها ایجاد علقه‌ای که با حس وطن پرستی فرد نسبت به کشور مطبوع اصلی‌اش تعارض داشته باشد ایجاد نمی‌شود.»^(۲)

حسینی صدر نماینده مجلس هم می‌گوید: «این موضوع در قانون مطرح نشده که اگر کسی که گرین کارت داشته باشد به آن صلاحیت ندهیم.»^(۳) گرین کارت آقانهانی چند سالی است که باطل شده است.

آقانهانی خود در مورد این ماجرا می‌گوید: «کسی که شهروند آمریکا می‌شود و اصطلاحاً "سیتی زن شپ" می‌گیرد، باید در برابر پرچم این کشور قسم بخورد که مدافع حقوق آمریکا باشد. شاید این افرادی که این مسائل را به من نسبت می‌دهند، واقعا در برابر پرچم آمریکا سوگند خورده باشند؛ و گرنه من تنها در برابر پرچم مقدس جمهوری اسلامی ایران سوگند خورده‌ام.»^(۴)

متأسفانه سخنگوی وزارت خارجه^(۵) مباحثی را مطرح کرد که بر شعله این دست تخریب‌ها و شایعات افزود. آقانهانی می‌گوید: «در آمریکا این مثل یه کارت ورود و خروج و اجازه شغل است. آنجا من روحانی بودم. در مسجد برنامه داشتم. هیئت علمی مدرسه‌ی آنجا بودم

(۱) جهان ۱۲ آبان ۹۰

(۲) شفاف ۷ آبان ۹۰

(۳) شفاف ۷ آبان ۹۰

(۴) شفاف ۲۵ آبان ۹۰

(۵) مهمانپرست گفت: «حرف سقای بی‌ریا در مورد «گرین کارت» بیشتر به دروغ سیزده شبیه است.» مهمانپرست که با تهران امروز گفت و گو می‌کرد می‌گوید گرین کارت تابعیت محسوب شده و طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تابعیت دوگانه تخلف و جرم است و ما به هیچ وجه تابعیت دو گانه را نمی‌پذیریم. سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان در پاسخ به این سوال که آیا وزارت خارجه دنبال این است تا برای کارمندان خود در سازمان ملل گرین کارت بگیرد؟ گفت: این حرف بیشتر به دروغ سیزده شبیه است و به هیچ وجه درست نیست. فردانیوز

و نمی توانستم کارت نداشته باشم، خلاف قانون بود. منتها برخی آمدند و شایعه کردند که این تابعیت دوم است. که من شنیدم سخنگوی وزرات خارجه هم مثل اینکه اشاره ای کرده بود. من بعد به ایشان تلفن زدم و ایشان عذر خواهی کرد. آن که اجازه تابعیت می خواهد سیتیزن شیپ است که هر کس آنجا از من می پرسید، من می گفتم حرام است. چرا؟ چون آنجا باید بروند به کتاب مقدس قسم بخورند. حتی یکی از دوستان خودمان هم این موضوع را مطرح کرده بودند. برای تابعیت، افراد باید بروند و به کتاب مقدس قسم بخورند، یعنی انجیل، که نسبت به این کشور متعهدم و زیر این پرچم هستم و اگر جنگ شد باید از این دولت و از این نظام حمایت کنم. من به دوستانی که می پرسیدند می گفتم شرعاً حرام است این قسم را بخورید. جالب بود همان موقعی که من رفتم مکه برخی آقایان شروع کردند این مسأله را مطرح کردن؛ وقتی که برگشتم خاموش شدند. این ها یک حالت های بچه گانه ای بعضی از این حزب های کثیف است. خدا انشاالله هدایتشان کند. برای اینکه یه کفه بیاید بالا روی آبروی افراد می ایستند تا آبروی خودشان برود بالا. این آبروها را ما نمی خواهیم، خداوند عزت الهی به همه ی ما بدهد بر مبنای ایمان و عمل صالح.^(۱)

۵۰- علت شکل گیری این همه تخریب علیه جبهه پایداری چیست؟

محصولی در پاسخ به این سوال می گوید: «اینکه جبهه پایداری در معرض فحش، ناسزا و انواع تهمت ها قرار می گیرد، به خاطر این است که ما در مواردی که نظر حضرت آقا است، پایداری می کنیم و نظر ایشان هرچه بود ما مطابق آن عمل خواهیم کرد. تا به حال هم به تناسب مواضعی که داشتیم، سعی کردیم که بر خلاف طرف مقابل نظری نگوییم که وحدت را خدشه دار کند.^(۲)»

حجت الاسلام روانبخش نیز تصریح می کند: «برخی که با این جبهه مخالفت می کنند علتش این است که به وضوح شاهند مجموعه های تاسیس شده توسط آنها برای تصاحب کرسی های مجلس، با بی اقبالی مردم مواجه شده است و از طرفی خوب می دانند که اگر گفتمان جبهه پایداری در کشور فراگیر و غالب شود، آن وقت کسی به آن افراد رای نمی دهند و به قطع آنها از صندلی مجلس محروم می شوند لذا به همین دلیل است که با این جبهه مخالفت می کنند و الا مخالفت با جبهه ای که مواضعش در قبال فتنه و جریان انحرافی آنچنان شفاف است، که احدی در آن شک ندارد، به چه معنا می تواند باشد؟!^(۳)»

(۱) رجانیوز ۱۴ دی ۹۰

(۲) رجانیوز ۱۶ مهر ۹۰

(۳) رجانیوز ۱۵ مهر ۹۰

به نظر می‌رسد عمده تخریب‌ها تا کنون از سوی رسانه‌های منتسب به قالیباف یا چهره‌هایی چون زاکانی انجام شده باشد. کسانی که نمی‌توانستند حضور ساکتین فتنه در ۷+۸ را توجیه کنند، ناگذیر برای تطهیر عملکرد خود عبارت ساکتین انحراف را تراشیدند و کوشیدند تا با تخریب همه جانبه چهره‌های جبهه پایداری اثبات کنند اعضای این جبهه هم چندان آرمانگرا و اصولگرا نیستند و به آنها هم اشکالات جدی وارد است. اما آیا همین تخریب‌ها در انتخابات ۸۴ نتیجه معکوس نداد؟!!



این منشی که شما دارید- یعنی احساس تکلیف، شناخت تکلیف، و بعد پای فشردن بر آنچه که احساس شده لازم است و وظیفه شماست و ملاحظه چیزی را نکردن- جوهر نمایندگی است؛ این خیلی چیز باارزشی است. البته این کار در یک شرایطی آسان است، در یک شرایطی هم سخت خواهد بود. موضوعی که امروز شما ابراز می‌کنید- که همین پافشاری بر مبانی انقلاب و اصول انقلاب و ارزشهای انقلاب و اینهاست- اکثریت عظیمی از مردم طرفدار این هستند. حالا ممکن است سلائقی مخالف باشند، لیکن حرف دل عامه مردم و توده مردم و بسیاری از خواص، همین مبانی اصولی و ارزشهای اصولی است. گفتن اینها آنچنان پر هزینه نیست. البته گاهی چرا، به قول شما ممکن است به شما وکیل‌الدوله و چه و چه هم بگویند و از این حرفها بزنند؛ اینها خیلی چیزهای مهمی نیست و هزینه زیادی ندارد. یک وقت همین موضع، هزینه‌های زیادی را بر انسان تحمیل می‌کند؛ باید برای آن شرایط هم آماده بود. من آینده‌نگری نمی‌کنم، نمی‌خواهم هم بکنم، نمی‌توانم هم آینده‌نگری بکنم؛ اما شما برای همه شرایط آماده باشید و بیمناک از این نباشید که حالا اگر ما احساس تکلیفی کردیم و عملی انجام دادیم یا حرفی زدیم، این موجب می‌شود که فلان هزینه بر ما تحمیل شود؛ خیلی خوب، بشود؛ دیگر زندگی همین است؛ زندگی مجاهدانه همین است. اهمیت مجلس هم به خاطر همین است که می‌تواند تعیین کننده باشد؛ می‌تواند در امروز و فردای کشور تأثیرگذار باشد... توی مجلس آدمهای جورواجوری هستند؛ هر دوره‌ای هم که پیش می‌آید، وضع خاصی پیدا می‌کند؛ لیکن وقتی یک هسته‌ای مثل شماها، یک مجموعه‌ای مثل شماها در مجلس وجود دارد، این پایداری، این ایستادگی، این پافشاری بر مبانی، خیلی چیز خوبی است؛ اینها به عنوان یک سنتهایی در مجلس‌ها می‌ماند و به پیشرفت مجلس کمک می‌کند.»